

کارگران جهان متحد شوید!

۱۱۰

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

هء ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۰

در صفحات دیگر این شماره:

- اعتصاب کارگران شرکت حمل و نقل! صفحه ۹
- درباره حزب طبقه کارگر (۲) صفحه ۱۳
- چند قلم از دزدبهای سرمداران رژیم جمهوری اسلامی در استان گیلان صفحه ۱۶
- درباره تعرض وسیع حزب جمهوری اسلامی به آزادیهای دموکراتیک به مقابله برخیزیم! صفحه ۲۶

درآمدهای "موقوفات" بکجا میرود؟

بر کسی پوشیده نیست که بخش بزرگی از درآمد دولت را، درآمد های مربوط به اموال موقوفه تشکیل میدهد و با زحمتهای زحمتکشان نامداند که رژیم شاه جلاد از طریق درآمد های "ستان قدس رضوی" و موقوفات دیگر هرساله میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان ما را به غارت میبرد و

درآمد سازمان اوقاف از منابع مختلف، از زمینهای کشاورزی وقف شده تا کارخانجات و سود حاصل از سفر مسافرین مکه و... به یکباره در اختیار رژیم شاه قرار میگیرد و امروز همان درآمدهای شرابریلکه بسیار بیشتر در اختیار "ولایت فقیه" قرار داشته و موسسات موقوفه زیر نظر رژیم جمهوری اسلامی اداره میشوند. بقیه در صفحه ۲۱

بیانیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیرامون اوضاع و تحولات سیاسی جدید

از همان لحظه ای که قیام مهمن ماه، قدرت سیاسی را به نیروهای جدید حاکم سپرد، بحران موجود در جامعه تنها خاتمه نیافت بلکه در متن انواع جدید کماکان ادامه یافت. خطبای این بحران، که تاکنون سزا داده دارد، کشاکش میان انقلاب و ضدانقلاب، منظور تعیین مسیر حرکت آتی جامعه، موافق با اهداف طبقاتی معین هر یک از آنها بوده است. این کشاکش و نبرد، تنها میان جبهه انقلاب و جبهه ضدانقلاب متمرکز در ائتلاف قدرت - یعنی لبرالها و حزب جمهوری - جریان نداشت، بلکه جبهه بورژوازی نیز خود را از یک مبارزه و نبرد ضدانقلابی، میان جناحهای مختلف بورژوازی بر سر تعیین تکلیف قدرت و تشکیب قوا در درون آن، بود. در واقع در قدرت سیاسی حاکم، علیرغم وحدت طبقاتی بر سر سرکوب انقلاب و بازسازی نظام سرمایه داری حاکم، هنوز تکلیف شکل تحقق این عمل، روشن نگردیده بود و از آنجا که گرایشهای مختلف درون بورژوازی حاکم، یعنی لبرالها و از یک سو حزب از سویی دیگر، دارای اختلافات مشخص بر سر شکل مقابله با بحران بودند، لذا از همان ابتدا جبهه قدرت سیاسی مواجها درگیری میان جناحها برای تعیین این شکل مقابله، گردید. اما آنچه که واقعیت بقیه در صفحه ۲

توطئه های رژیم بر علیه نیروهای انقلابی را درهم شکنیم!

رژیم جمهوری اسلامی سرمداری حزب مرتجع جمهوری اسلامی، که رشد فزاینده جنبش اعتلائی زحمتکشان، خواب راحت از سران متجع آن ربهوده است، بغا طرشدید سرکوب نیروهای انقلابی اعم از کمونیست و دمکرات، با یکارستن مغز علیل متفکرین خود، راهی جز توطئه چینی نمیباشد. سران "مکتبی" رژیم برای سرکوب جنبش نقشه های خائنه میبریزند و برای تثبیت موقعیت شان حتی مخالفت های ضد انقلابی را رودسته - های خائن و ضد انقلابی را نیز تحمل نمی کنند. بقیه در صفحه ۵

لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

صفحه ۱۷

بود چه ۱۳۶۰:

بود چه ورزشکستگی

و وابستگی صفحه ۱۱

حزب خائن توده تثبیت حداقل دستمزد کارگران را تأیید میکند

۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

شنبه ۱۷ آذر ۶۰

بیانیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیرامون اوضاع و تحولات سیاسی جدید

با این ائتلاف را به دفع خود بکنند. این حزب با حرکت از این موضع که آلترناتیو وجودی را به پیرس شکل حساب حساب نظام حاکم می دهد، در پی تصرف تمام قدرت در دست خویش، ایجاد متمرکز قدرت و نگوی یک مداخلات فشرده در بالا، برآمد. تحقق این امر، نیازمند نیروی راندن ندرجی لبرالها از رژیم سیاسی و تسلط بر هر مای قدرت از جانب حزب بود.

بر اساس درک این ضرورت و در راستای تحقق این هدف، حزب به سمتی حرکت نمود که در پایان آن، حذف کامل لبرالها از گردونه قدرت قرار داشت.

طبعی بود که در چنین شرایطی لبرالها به مقابله با این سیاست تعرض حزب گنا شده متنبه و چنین هم بود، لبرالها که البته از مدتها قبل از این پس به سمت عملاً در موضع مغلوب و ابوزیسیون حکومت قرار گرفته بودند؛ در برابر این تعرض جدید حزب برای کسب کامل قدرت به مقابله پرداختند و به صورت یک ابوزیسیون فعال درآمدند در برابر حزب صف - آراشی کردند. این عمل، لبرالها را در تحولات جدید یک ابوزیسیون غیر قابل تحمل در قدرت تبدیل نمود. از این پس پس به پیغمبر سر ارایش چهره بان داد و در کار کرد دولت بطور جدی اختلال و پس به پدید آورد. این به سبب آن بود که مداخلات سیاسی - و به طبعی - دوجانبه یکدیگر به وحدت سیاسی او - طبقاتی (آنان غلبه کرده است) و این یک سر - است واقعی بود. بر اساس تغییرات، لبرالها، عملاً در کار پیکار سیاسی تا آن سبب به گذشته تغییرات مهمی پدید آمد. در گذشته لبرالها با حزب در سرکوب مستقیم خویش، فعالیتها را به نقشی می کرد. اکنون به اعزاز این نهاد، و تغییر سیاست نیروها در حکومت، به یک نیروی ابوزیسیون تبدیل شده و عوامفریبانه به هم - سویی با خویش می پرداخت. و از این همسوئی برای مبارزه قدرت با حزب، که دیگر عملاً نقش اصلی سرکوب را در رژیم بر عهده گرفته بود، بهره گیری میکرد. چنین وضعی نمیتوانست تحمل گردد. حکومت نمیتوانست هم با سرکوب متمرکز و هم با رمان با قدرت را به

تعارضات گمابیش آشکار در عرصه های مختلف حاکمیت بورژوازی سلطوریافت و بتدریج در شکامل خود، به یک بحران سیاسی جدی تبدیل گشت که ائتلاف حکومتی را عملاً در یک سبب ناقص آمیزش گرفتار ساخت.

این سبب، نشانهای بان بافتن عمر ائتلاف و ضرورت شکست آن بود. از این پس، شکل ائتلافی قدرت، بیش از پیش در ناقص با ملزومات و مقتضیات بورژوازی و قدرت سیاسی آن، برای ادامه مقابله با بحران اقتصادی - سیاسی و رسیدن به مرحله طبعی قرار میگرفت. بورژوازی بیش از گذشته نیازمند آنحان شکلی ارتظام سیاسی قدرت بود که نتوانست بطور فشرده و متمرکز به چنین ملزومات و مقتضیاتی پاسخ گوید. هم بحران در با شستن و مبارزه بوده ها اوج یافته بود و هم یکامل روش - های مختلف جناحهای حاکم به نقطه ای رسیده بود که در امر جاری تا حد یک شکل معین سیاست بورژوازی، در همه عرصه ها احتلال ایجاد میکرد. ائتلاف قدرت لبرالها و حزب، در شکل موجود، دیگر نمیتوانست به شکل گذشته، به رویارویی با اوضاع بپردازد. مسئله این بود که باید اولاً برای فروپاشیدن مبارزه و جگر نوده ها و بحران رشد یافته موجود سرکوب و خفان تشدید می گشت و بعدها به تدریج و ثانیاً، این عمل با یک سیاست و روش معین

بدون تعارض با روش دیگر انجام گیرد. و از این پس هر دو بتدریج با واقعیت ائتلاف، با درگیریهای شدید میان جناحها بر سر قدرت در تعارض قرار داشت.

ائتلاف به این سبب رسیده بود و با بدست می شد و ضد انقلاب فشرده ای قدرت را بدست میگرفت. دیگری با سیاست یکی از جناحها، نظام قدرت را در دست گرفته و سیاست خود را در مقابله با اوضاع موجود، جاری نماید؛ حزب لبرالها، این نقطه عطفی در تغییر اوضاع بود. این واقعیت کناکش قدرت در بالا را فرونی بخشید و دوجناح را بطور جدی در برابر یکدیگر قرار داد.

درست در پاسخ به همین تناقض و این سبب بود که حزب جمهوری اسلامی، که از امکانات بالفعل و بالقوه برتر در حیطه سیاسی جامعه و در قدرت سیاسی برخوردار بود، به حرکت درآمد

داشت و به وضوح در تجربه دوا له خود را نشان داد. این بود که همه جناحها خواهان یک چیز بودند: به تمرکز شدن این دوران کناکش طبقه به به تبع ضد انقلاب بورژوازی و سرکوب فطمی انقلاب، این چیزی بود که هم لبرالها و هم جناح حزب و خمینی بر سر آن وحدت اساسی و طبقاتی داشتند. و از این موضع، از همان ابتدای انقلاب، شروع به سرکوب مبارزات و اعتراضات نموده ها کردند. خیزش انقلابی در گردستان و تنها همزمان با فتنه ائتلاف قدرت برای سرکوب آن، به رسته ترین نمونه این وحدت طبقاتی دوجناح در برابر انقلاب بود. دست لبرالها، هما نقدر در خون خلق کرد فرورفته است که حزب، و این قانون در همه عرصه های دیگر جاری بود. لیکن علیرغم این تلاشها، ضد انقلاب حاکم نتوانست بر بحران غلبه نماید و نظام را به دفع خویش تثبیت کند. با انعکاس بحران موجود، هر چه بیشتر گسترش و عمق یافت و رژیم جمهوری اسلامی پایه های بیشتر آن بحران، هر چه بیشتر آن را در درون خویش نیز با زتاب می نمود.

قدرت سیاسی، از همان ابتدا، ائتلافی از دوجناح لبرالها و حزب جمهوری را تشکیل میداد که در آن خمینی، به مثابه مظهر حکومت اسلامی، در ظاهر در یک موضع ماوراء دوجناح اما در واقع با گرایش نیرومند به جناح حزبی قرار داشت.

علیرغم اینکه، لبرالها و حزب دو روش سیاسی کاملاً متضاد را برای مقابله با اوضاع ارائه می دادند، لیکن در چهار چوب تناسب قوای موجود و میزان کناکش انقلاب و ضد انقلاب از ابتدای قیام تا دوره معینی که نقطه عطف آن را توضیح خواهیم داد، این ائتلاف تنها شکل ممکن در نظام قدرت برای رویارویی با انقلاب بود. هر چند این شکل، از نقطه نظر مافع اساسی طبقه بورژوازی و سرمایه داری انحصاری وابسته شکل مطلوب نبود. به موازات تشدید بحران اقتصادی - سیاسی و او جگری مبارزه طبقاتی، گرایشات درونی بورژوازی حاکم، که به صورت عینی وجود داشت در شکل تضاد میان لبرالها و حزب جمهوری اسلامی، آشکار تر شد و این تضاد به گسترش و فرونی نهاد. این تضاد در ابتدا، در شکل

زنده باد سوسیالیسم!

هموئی در اذهان ناآگاهان توده‌ها چنین تصور توهم‌آلودی را پدید آورد که گویا لیبرال‌ها، سخنگویان نمایان دموکراتیک آنها هستند. و این خود باعث گردیده‌است توده‌های معترض به تشدید خفقان و سرکوب، ناآگاهانه، به زیر پرچم لیبرال‌بسم‌پوسیده و فدا انقلابی - بورژوازی لیبرال، کشانده شوند.

شکل‌گیری چنین کیفیت‌های آزارایش قوای سیاسی در صحنه‌ها، نقطه عطف این تغییر در اوضاع بود، تغییری که حوادث روزهای اخیر نه سرازیران، بلکه جلوه‌هایی از دوران تکامل و نفع‌جویی نهائی آن است، که بر اساس آن حزب جمهوری می‌رود تا بطور کامل اختلاف حکومتی را درهم شکسته و آخرین گام‌های حذف کامل لیبرال - ها را از قدرت تحقق بخشد و بدین ترتیب یک فدا انقلاب فشرده در هر مظهر سیاسی بوجود آورد. و به موازات آن (و نیز در پی آن) سیاست تشدید سرکوب متحرک از انقلاب و آزادی‌های دموکراتیک را تحقق بخشد. حوادث اخیر، که هم‌اکنون لیبرال‌ها را در آستانه حذف کامل از قدرت قرار داده‌است، چنین خطوطی را در سیمای خویش دارد.

بدین ترتیب مختصات اساسی دوره کنونی، در پی تغییر پیرامون اوضاع سیاسی، را می‌توان چنین ترسیم نمود:

۱- تداوم کشاکش انقلاب و فدا انقلاب، بهران اقتصادی و سیاسی و گسترش مبارزه طبقاتی پس از قیام، از یکسو، ضرورت تشدید سرکوب و خفقان را درجا معصه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بورژوازی تبدیل نمود. تحقق عملی این امر نیازمند ایجاد یک فدا انقلاب فشرده، در شکل اعمال یک سیاست واحد در قدرت سیاسی بود. تکامل دوگرایش آشکار در درون بورژوازی از لحاظ نحوه مقابله با این اوضاع، یعنی روش - های سیاسی متفاوت حزب و لیبرال‌ها، سبب درج به مانعی در برابر تحقق این هدف یعنی تشکیل یک صف فشرده و واحد از فدا انقلاب، تبدیل شد. بدین ترتیب، اختلاف حکومتی که تا پیش از قیام، تنها شکل ممکن سرکوب انقلاب بود، به بن بست رسیده و روند اوضاع، تمرکز گیکانه قدرت را در دست این یا آن جناح ضروری نمود.

۲- حزب جمهوری اسلامی به مثابه نماینده قشر معینی از بورژوازی، با بهره‌گیری از امکانات و شرایط مساعد موجود، در کنار اجرای سیاست تشدید سرکوب و خفقان، برای تمرکز گیکانه قدرت در دست خویش نیز حرکت نمود و تلاش کرد تا کشاکش انقلاب و فدا انقلاب را به نفع فدا انقلاب و کشاکش خود و لیبرال‌ها را به نفع خود خاتمه دهد. حزب جمهوری اسلامی، با موقع‌گیری جدید لیبرال‌ها و با توجه به نقش مسلط خود در حکومت هم‌اکنون (و پس از آن نقطه تغییر) در هیئت نیروی اصلی سرکوب بورژوازی، خویش را به نمایش گذاشته‌است. این حزب با ندسیاهی، در روند تکوین فدا انقلاب فشرده در بالا، در دور آستانه

حزب جمهوری اسلامی، یعنی جناح مسلط بر حکومت، به دموکراسی انقلابی و مظاهر مختلف آن یعنی مطبوعات، احزاب و نیروهای انقلابی و نهادهای دموکراتیک، در دوره اخیر نشاندهای این سیاست فدا انقلابی حزب است. با این وصف حزب، در این دوره از نقطه عطف فوق - الذکر، در هیئت نیروی اصلی و تعیین‌کننده سرکوب رژیم سیاسی حاکم در صحنه سیاسی جامعه عمل می‌کند.

و اما لیبرال‌ها، آنها که از همان نقطه تغییر، عمدتاً موضع سیاسی خویش را تغییر داده و به یک اپوزیسیون غیر قابل تحمل برای حزب تبدیل شده بودند، در برابر این تعرض حزب جمهوری به خود به مقابله برخاستند و با فاصله گرفتن هر چه بیشتر از حزب، عوام‌مفربانه به هموئی با امواج نازغانی توده‌ها و تمایلات و خواسته‌های دموکراتیک آنها پرداختند و کوشیدند تا در ستان خون آلود خویش را در سرکوب انقلاب به همراه حزب از قیام به بعد، از دیده‌ها پنهان سازند.

آنها برای مقابله با آنها جم‌حزب به مواضع قدرت خویش و برای کسب ابزارهای لازم جهت تسخیر مواضع از دست رفته قدرت، ناچار بودند که به این هموئی تن دهند. و به عبارت دیگر به این هموئی عوام‌مفربانه نیاز داشتند، تا جنبش را وجه المانع بنده و است - های فدا انقلابی و با آنها بنیاد تسخیر حساب خویش با حزب بر سر قدرت بنمایند.

این تغییر در عملکرد سیاسی لیبرال‌ها، به مثابه یک تغییر عمیق، نشانده روشنی از تغییر در اوضاع سیاسی و آرایش سیاسی نیروهای موجود بود. لیبرال‌ها اینک در موضع اپوزیسیون حکومتی و با هموئی مزورانه با خواست‌های دموکراتیک جنبش عمدتاً در هیئت یک رقیب رهبری جنبش اعتراضی توده‌ها در برابر نیرو - های آگاه انقلابی، عرض اندام نمودند. و این خصمه اصلی موضع و مکان لیبرال‌ها را در صحنه سیاسی جامعه تشکیل می‌داد. لیبرال‌ها از این موضع و با این تغییر شکل در صورت سیاسی خود، به مقابله با تعرض حزب پرداختند، تا لیبرال‌بزم فدا انقلابی خویش را از گزند این تعرض مصون داشته و به دفاع از مواضع تسخیر شده خود در نظام قدرت بپردازند.

دو نیروی مختلف از لحاظ ماهیت طبقاتی، یکی انقلابی و دیگری فدا انقلابی، به دفاع در برابر سیاست تشدید تعرض حزب در دو جبهه پرداختند. یکی (لیبرال‌ها) برای حفظ موجودیت سیاسی و حقوق فدا انقلابی خویش در قدرت و جلوگیری از انحمار آن توسط حزب و دیگری (انقلاب) برای تحقق آرمانهای انقلاب و مقاومت در برابر پرورش فدا انقلابی حزب به آزادی‌های دمکراتیک و خنثی کردن سیاست ارتجاعی حزب در سرکوب دموکراسی انقلابی. این سمت‌گیری معین تفادها، یک نوع هموئی میان لیبرال‌ها با انقلاب بوجود آورد، که اساساً از دو موضع متفاوت صورت میگرفت. همی -

انقلاب تحقق بخشد و همچنین کیفیت‌های آرایش نیروهای سیاسی را که در آن اپوزیسیون لیبرال‌ها، عملاً در رژیم سیاسی تحت سیطره حزب، اختلال ایجاد میکرد، در درون خویش تحمل نماید. و این معنای واقعی بن بست بود. دخالت خمینی در مقاطع مختلف برای رفع این بن بست، در چهار چوب اختلاف بنی - غیر غم‌وقفه کوتاه در بحران، دیگر عملاً بی‌اثر گشته بود. اکنون دیگر نشاندهای این تغییر و نقطه عطف در اوضاع را می‌توان تشخیص داد: از همان زمان که حزب بعنوان نیروی مسلط حکومت، سیاست تشدید سرکوب متحرک و سازمان - یافته به انقلاب، و در بستر آن، تشدیدتها جم به آزادی‌های دموکراتیک را در دستور قرار داد، از همان زمان که چنین بن بست - حکومتی در حکومت اختلافی شکل گرفته و حزب جمهوری اسلامی در جهت شکستن این بن بست به نفع استقرار کامل قدرت خویش و حذف کامل ام - تدریجی لیبرال‌ها از رژیم حرکت نمود، و بالاخره از همان زمان که با تسخیر درگاه رکورد عمده سیاسی لیبرال‌ها (از یک نیروی بالفعل - سرکوب و هدست حزب، به یک نیروی اپوزیسیون خواهان رهبری جنبش اعتراضی توده‌ها برای معالجه با حزب و تبدیل به ارتجاع ایدئولوژیک) این نیرو تبدیل به یک اپوزیسیون غیر قابل - تحمل برای حزب در حکومت گردید، تغییری در اوضاع سیاسی و در آرایش قوای سیاسی - نه طبقاتی - جامعه پدیدار شد که متناصب با همین تغییر، تا کتیک نوینی نیز از جانب پرولتاریا و انقلاب ضروری بود. نشاندهای روشن این چرخش در اوضاع را، در حوادث ۱۴ اسفند و حوادث بعدی در سال جدید می‌توان مشاهده نمود. حوادث روزهای اخیر، تنها نمودهای خارجی و مظاهر تکامل یافته این تغییرات حاصله در اوضاع سیاسی جامعه را نشان میدهند و نه چیزی بیش از آن. بدین ترتیب، در پاشخوئی به بحران موجود، حزب جمهوری در دو سو حرکت نمود. از یکسو تشدید سرکوب و خفقان و تعرض شدید تر به آزادی‌های دموکراتیک را در دستور گذاشت و از دیگر سو، به لیبرال‌ها و حقوق بورژوازی آنها در قدرت، هجوم آورد و گام به گام به سلب مواضع قدرت از دست آنها و تحدید آزادی و عملکرد آنها، بمنظور حذف کامل شان از قدرت، پرداخت. حزب خواهان آن بود که بعنوان یک نیروی هیئت حاکمه بجای اختلاف قبلی، نقش رسالت تشدید سرکوب انقلاب را بر عهده گیرد.

در جبهه اول، حزب اولین گام در تشدید سیاست سرکوب را، در بازگشت گرفتن آزادی‌های دموکراتیک، دستاوردهای قیام مبارزه توده - ها را در این زمینه یافت، و در جبهه دوم، محدود کردن حوزه قدرت و آزادی سیاسی رقیب حکومتی خویش، یعنی لیبرال‌ها را.

توسعه بی‌محابا حمله‌ها و تهاجمات فدا انقلابی

حرکت نموده است؛ از یکسو هجوم خود به انقلاب را تشدید نموده است تا برای غلبه بر بحران کنونی و خواستادن جنبش هر جلوه و مظهر آزادی های دموکراتیک را سرکوب و نابود نماید. و از سوی دیگر، گام به گام، در بستر تعمیق تضادهای پیش با لیبرالها، این جناح را به موضع مطلوب در قدرت رانده و عزم حذف کامل را از قدرت نموده است. روزهای اخیر، آخرین پرده های نما پیش تسخیر قدرت در بالا توسط جناح حزب را به نمایش می گذارد.

حزب جمهوری، برای غلبه بر این بحران، و بدلیل ویژگی این بحران، نخستین گام در اجرای تاکتیک نوین خویش را، در تشدید تعرض به آزادیهای دموکراتیک یافته است. حزب جمهوری در اجرای این سیاست تاکنون مهمترین ابزارهای قدرت را در دست خویش متمرکز کرده و لیبرالها را در ضعیف ترین نقطه ممکن در قدرت قرار داده است. حزب جمهوری اسلامی، بدون شک در آینده این سیاست را همچنان در دو جنبه ادامه خواهد داد، تا خود را به یگانگی نیروی قدرت سیاسی تبدیل کرده و روند سرکوب و خفقان را بیش از پیش تشدید نماید.

۲- غمینی، که تاکنون میگوشتد حتی الامکان، خویش را به مثابه مظهر حکومت اسلامی، در هیئت ظاهراً ماورا دوجناح قرار دهد، بسا تشدید تضاد دوجناح، بیش از پیش پرده ظاهری ماورا دوجناح خود را دریده و عریان تر سازد. گذشته به عرصه مبارزه آنها گام نهادن گریز پیش خویش به جناح حزبی را، در هفته های اخیر به روشنی بر ملا ساخته و با جبهه گیری آشکار به نفع حزب و به زیان لیبرالها، پرده ها را از روی اتحاد خویش با حزب، با وضوح بیشتر به کنایه و به بازی حزب در تسلط کامل بر قدرت آمده است. غمینی هم اکنون به مثابه عنصر تعیین کننده سرنوشت کشت دوجناح در حکومت (با تکیه بر اصل ولایت فقیه)، لیبرالها را به تیرد آتشکار فرار خوانده و گام به گام حزب را در تسخیر مواضع جدید خود در قدرت، بهاری نموده است. ورود آشکار غمینی به صحنه مبارزه دوجناح و جبهه گیری آشکار بر علیه لیبرالها، به تعمیری، نشانه پایان یافتن دوران حیات سیاسی آنها در قدرت سیاسی است.

۴- لیبرالها، که از قیام به بعد، به مثابه همدستان واقعی حزب، در وحدت طبقاتی و سیاسی با حزب و در اختلاف با آنها، به رویا روشی با انقلاب، و سرکوب مبارزات توده ها پرداختند بتدریج از جانب حزب به مواضع مغلوب رانده شدند و با تشدید تضادهای آنها و با بهین بصیرت رسیدن ائتلاف، به یک نیروی اپوزیسیون غیر قابل تحمل در حکومت تبدیل شدند. در جریان این کشت و کشت و کشت و کشت، تدریجاً وحدت سیاسی - وحدت در چگونگی مقابله با انقلاب و بحران سرما به داری - تحت الشعاع تضاد آنها قرار گرفت، علیرغم آنکه کماکان متعدین طبقه ای

آنها بودند. غلبه تفاضلی میان دوجناح بروحدت سیاسی آنها در حکومت، لیبرالها را به یک نیروی اپوزیسیون فعال در برابر حزب تبدیل کرد. لیبرالها به موازات این تغییر در کارکرد سیاسی خویش، شروع به مخالفت با "انحصار" قدرت حزب در جبهه بورژوازی کرده و در همه عرصه ها به راه روشها و راه حل های سیاسی متفاوت با حزب پرداختند. از این پس لیبرالها از صورت یک نیروی عمدتاً همدست با حزب در سرکوب انقلاب، به یک نیروی عوام - فریب و مدعی آزادی و "مدافع" منافع مردم، تبدیل شدند و کوشیدند که نقش ارتجاعی خود را در این شکل متظاهرانه به وضوح آنها در برابر حزب در حکومت، آنان را مژورانه به هموستی و هم آواشی با انقلاب و غدیت با حزب، که دیگر ابزارهای اصلی سرکوب را در دست خویش متمرکز کرده بودند، سوق داد. لیبرالها، سر

پا به این کارکرد سیاسی و نقش عوام فریبانه و ضد انقلابی خویش، در هیئت یک رقیب سیاسی برای رهبری جنبش در صحنه ظاهر گشته و با تکیه بر این هموستی ظاهری بر فریب خویش، بر منتظر از جلب افکار وسیع تر بورژوازی به سمت خویش، امکان یافتند که توده وسیعی از مردم را نیز به زیر پرچم ضد انقلابی خویش گرد آورند. توهما ت و سیاست لیبرالی دموکراتهای انقلابی جامعه نیز، از ابزارهای اساسی لیبرالها در گسترش توهم در اذهان توده ها، نسبت به خود و گردآوری نیروی توده ای به گرد خویش بود.

تاکتیک نوین حزب جمهوری اسلامی، در تعرض به لیبرالها، که با تعرض آشکار به مواضع لیبرالها توأم میباید، موج وسیعی از دفاع متقابل لیبرالها را برای باز پس گرفتن حقوق از دست رفته و حفظ حقوق برجای مانده خویش از گزند تعرض حزب، برانگیخته است. در حال حاضر، رابطه اصلی سیاسی میان حزب و لیبرالها - علیرغم وحدت طبقاتی آنها - در این تعرض و دفاع متقابل نهفته است. هیچ چشم اندازی از فروکش این مبارزه آشکار بر سر حقوق سیاسی بورژوازی لیبرال، علیرغم فرازونشیب های احتمالی آن، در افق سیاسی آینده به چشم نمی خورد. لیکن هرگز نباید غفلت ویژه لیبرالها را در زبونی و تسلیم، در توقف در نیمه راه مبارزه بر سر حقوق ضد انقلابی خویش در راه حفظ منافع اساسی تر بورژوازی نیز از یاد برد. لیکن چنین تسلیمی در برابر یا بیالی حقوق بورژوازی خود، به معنای مرگ سیاسی رهبران لیبرالها در نزد توده های متوهم مردم خواهد بود.

۵- تشدید تعرض حزب جمهوری اسلامی به انقلاب، بی تردید با صدی از مقاومت توده ای و انقلابی و تعرض متقابل آن (با توجه به خلعت دوران کنونی) که سرعت و دامنه آن از هم اکنون قابل پیش بینی نیست، روبرو خواهد گردید. همچنانکه در طی این دو سال ضد انقلاب حاکم، در شکل ائتلافی آن نتوانست بر بحران کنونی فائق آمده و انقلاب را سرکوب قطعی

نماید، در حال حاضر نیز حزب جمهوری اسلامی، که نقش اصلی سرکوب مستقیم را بر عهده گرفته است، نخواهد توانست، سیاست خویش را بدون برانگیختن وسیع تر مبارزه توده ای، صورت تحقق بخشد. این مبارزه و مقاومت توده ای در برابر تشدید تعرض حزب، با توجه به روند رشد و گسترش مبارزه طبقاتی، بدون شک، از هم اکنون چشم اندازی از تحقق موفقیت آمیز این سیاست ارتجاعی تشدید سرکوب را ترسیم می کند. حزب جمهوری اسلامی نخواهد توانست ثبات و انتظام را به قدرت سیاسی بورژوازی باز گرداند و بر بحران سیاسی و بحران اقتصادی، غلبه نماید. این واقعیتی است که بدون توجه به آن در ارزیابی از چشم اندازاتی و تاکتیک کثونیست ها بدون شک دچار انحراف خواهیم گشت.

حزب جمهوری اسلامی، زنجیر سیاست تشدید تعرض خود را به انقلاب، از حلقه اصلی آن در شرایط کنونی، یعنی تشدید تعرض به آزادیهای دموکراتیک به حرکت درآورده است. و اولین گام در تحقق اهداف ارتجاعی خود را در سرکوب این آزادیها یافته است. حزب در این مسیر همه ابزارها، نهادهای و شیوه های سرکوب عریان و خشن را، که در روزهای اخیر نموده های آن را بوضوح شاهد هستیم، بکار گرفته است. و از آنجا که نقش عمده را در این سرکوب ایفا می نماید، با جهت گیری ضد انقلابی خویش، شور و شوق مبارزه بر علیه این سیاست ارتجاعی جناح مسلط بر رژیم جمهوری اسلامی، یعنی حزب جمهوری اسلامی، را برانگیخته است. توده های مردم، هم اکنون، مبارزه خویش را برای دفاع و کسب آزادیهای دموکراتیک، در مبارزه بر علیه حزب متسلط و سخته اند. چرا که حزب اکنون، به حرکت درآورده و زنجیر سرکوب و اختناق در شرایط کنونی است.

۶- بدین ترتیب در برابر سیاست تشدید تعرض حزب در دو جبهه، از یکسو به حقوق دموکراتیک توده های مردم و نیروهای انقلابی و از سوی دیگر به مواضع بورژوازی لیبرال در قدرت، دو موج مبارزه در برابر حزب اما با دوماهیت و هدف متفاوت، برخاسته است. یکی از جانب بورژوازی لیبرال ضد انقلابی، برای دفاع از بقای خویش در نظام قدرت و دفاع از حقوق ضد انقلابی لیبرالها در جامعه، و دیگری از جانب جبهه انقلاب، که خواهان دفاع از دموکراسی انقلابی برای گسترش امرا انقلاب و سرنگونی نهائی کل بورژوازی هستند.

این جهت گیری تضادها، در شرایط حاضر، یک هموستی میان لیبرالها و اردوگاه انقلاب، بوجود آورده است. این هموستی را نه تنها بل و اراده این یا آن نیروی سیاسی بلکه روند عینی حرکت تضادها و آرایش سیاسی نیروها در مقطع کنونی شکل داده و بوجود آورده است. هر دو نیرو، در شرایط فعلی، حزب را مانع و سدی در برابر اهداف خود می یابد.

توطئه‌های رژیم بر علیه نیروهای انقلابی را درهم شکنیم!

رژیم جمهوری اسلامی در دو سال و چهار ماه گذشته، با راه‌های و ابزارها و با استفاده از هر چیزی از آگاهی‌های بوده‌های زمینش و فعالیت نیروهای کمونیستی و انقلابی هراس دارد. سردمداران رژیم در این مذبذبه توطئه‌های برای سرکوب و مقابله با نیروهای انقلابی و کمونیست‌فروگذار کرده‌اند. البته رژیم در کنار سرکوب نیروهای انقلابی، با خاطرتنشیت موقعیت حزب جمهوری اسلامی، جناح حاکم در قدرت سیاسی و نیز تدنیافتن تضادهای درون جبهه ارتجاع حاضر به تحمل فعالیت همپا لگی‌های خودش یعنی نیروهای سیاسی عدالتی نظیر جبهه ملی و... نیز نیست. همچنین با طرقتضادهای ارتجاعی که بین نیروهای سیاسی عدالتی و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی وجود دارد، رژیم برای فریبکاری و گمراهی افکار توده‌ها، با این سازمانها و گروهها نظیر اندوایسته‌رگاری و... را در کنار نیروهای کمونیست و انقلابی می‌آورد. رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب نیروهای کمونیست و دیگران علاوه بر روشهای رایج سرکوب نظیر تشعیت، دستگیری، زندان و... توطئه‌ها و وسیله‌های گوناگونی نیز دست می‌زند که از جمله آنها ایجاد "کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی" از طرف حزب جمهوری اسلامی است که می‌یکمال پیش‌دربریکار آراء بر ملا کردیم. یکی از هدفهای "کمیته" پلیسی مریور جلوگیری از ورود نیروهای کمونیستی و از جمله "بیکار" به شهرهای مختلف میباشد. در همان شماره سدی را بر ملا کردیم که در آن آمده بود: "جناحه در شرایطی به افراد مسلح بیشتر احتیاج شد، حزب جمهوری مسئول ادغام کردن سپاه پاسداران منطقه نیروی، در برابر گروههای سیاسی میباشد." و اکنون سدی از طرف رفقای فدائی (اقلیت) افتاده است که حاکی از سرگزاری "حلیه" های هکی "سردمداران رژیم در روزهای به‌هم و یازدهم بهمن ماه ۵۹ برای طرح ریزی توطئه جدیدی بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی و نیز مقابله با گروههای سیاسی عدالتی مخالف رژیم میباشد.

افتای این سازجگونی سازماندهی گروههای حامی بدست و مسلح حزب الهی و پاسداران ارتجاع و زمینه‌چینی برای سرکوب بیشتر نیروهای انقلابی و... برده بر میدارد. در زیر اعل سندومس آراء به نقل از کار (اقلیت) ۱۱۲ می‌آوریم:

متن اسناد

بسم الله الرحمن الرحیم
صورتجلسه کلی، جلسه هماهنگی مقابله با احزاب و گروههای وادانقلاب، حاضرین در جلسه اول ۵۹/۱۱/۹ - ساعت ۱۶ الی ۲۰/۳۰.
■ آقای مهدوی کنی، وزیر کشور و سرپرست کمیته
■ آقای باقری کنی، مسئول کمیته مرکز
■ آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
■ آقای مرتضی رفاشی، فرمانده سپاه پاسداران
■ آقای قدوسی، دادستان انقلاب
■ آقای رنگنه، معاون وزیر ارشاد
■ آقای میرسلیم، سرپرست شهرسازی
■ آقای بهراندیسوی، وزیر مشاور و در امور اجرائی
■ آقای محسن سازگارا، معاون سیاسی وزیر مشاور
■ آقای علی قوچ کانیلو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
■ آقای نصرالله جها نگر، مسئول بخش تحقیقات واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی.
حاضرین در جلسه دوم ۵۹/۱۱/۱۱ ساعت ۱۶ الی ۱۹.
■ آقای مهدوی کنی، وزیر کشور و سرپرست کمیته
■ آقای باقری کنی، مسئول کمیته مرکز
■ آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
■ آقای صفرملاحی، فرمانده سادسپاه پاسداران
■ آقای قدوسی، دادستان انقلاب
■ آقای رنگنه، معاون وزیر ارشاد
■ آقای حسین غفاری، معاون شورای سرپرستی وادانقلاب
■ آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران
■ آقای کحوشی، مسئول زندان اوس
■ آقای خسرو بهرانی، معاون اطلاعات و امنیست نخست‌وزیر
■ آقای جزائری، مدیرکل سیاسی وزارت کشور
■ آقای بهراندیسوی، وزیر مشاور و در امور اجرائی
■ آقای علی قوچ کانیلو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
■ آقای جها نگر، مسئول بخش تحقیقات احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
در ابتدای جلسه، دستور جلسه توسط آقای سبوی مسئول جلسه اعلام شد و بنا به تصویب اعضای جلسه قرار شد مذاق، دسته‌چهارم (گروههای متخاصم، گروههای که خواهان سرنگونی رژیم

جمهوری اسلامی هستند) و دسته سوم (گروههای مخالف گروه‌هایی که با این رژیم مخالف هستند ولی خواستار سرنگونی رژیم از راههای مسلحانه در حال حاضر نیستند) بحث شد.

طبق تصویب جلسه دسته چهارم به دو بخش گروههای متخاصم مسلح بالفعل (کلیه گروههایی که خواهان سرنگونی رژیم هستند و برای این منظور دست به اسلحه برده‌اند و علیه نظام مبارزه مسلحانه میکنند) و گروههای متخاصم بالقوه (کلیه گروههایی که در حال حاضر بنا به عللی هنوز علیه نظام جمهوری اسلحه بکار نبرده‌اند ولی بهر جهت در صورت لزوم چنین کاری را خواهند کرد) تقسیم شدند که مذاق آن به این ترتیب مورد تصویب جلسه قرار گرفت:

- دسته چهارم گروههای متخاصم:
- الف - گروههای متخاصم بالفعل عبارتند از:
- ۱- حزب دمکرات (جناح قاسملو)
 - ۲- کومله
 - ۳- سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 - ۴- رزگاری
 - ۵- چریکهای فدائی (اقلیت)
 - ۶- فدائیان خلق (اشرف دهاقی)
- ب - گروههای متخاصم بالقوه عبارتند از:
- ۱- سازمان محاهدین خلق ایران
 - ۲- چریکهای فدائی مستقل
 - ۳- رزمندگان راه کارگر
 - ۴- آرمات مستغفین
 - ۵- راه کارگر (علی اصغر ایزدی)
- و مذاق دسته سوم به این شرح تصویب گردید:
- ۱- حزب توده
 - ۲- سازمان چریکهای فدائی (اکثریت)
 - ۳- رنجبران
 - ۴- حزب دمکرات طرفداران گنره چهار (جناح غنی بلوریان)
 - ۵- جبهه ملی
- سپس جلسه در مورد جگونگی برخورد با این گروهها وارد بحث شد.

پس از دو جلسه بحث مواذیر به تصویب رسید:

- ۱- طی اطلاعیه‌ای که از سوی دادستان انقلاب صادر میگردد به کلیه گروههای مسلح که علیه نظام جمهوری اسلامی اسلحه کشیده‌اند مهلت داده میشود که اسلحه‌های خود را به مراکز سپاه و کمیته تحویل دهند و متعهد گردند تا پس از این در چارچوب قانون اساسی و قوانین جاری مملکت به فعالیت خود ادامه دهند.
- ۲- در صورت عدم تحویل سلاح گروههای مسلح، غیرقانونی اعلام و با آنان بدست مقابله خواهد شد.
- ۳- قبل از اعلام بازنده روز سپاه و کمیته تحت سرپرستی برادرشیرانی معاون اطلاعاتی نخست‌وزیر کلیه سران گروههای متخاصم مسلح

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سال سوم - شماره ۱۱۵
دوستانه ۲۵ خرداد ۶۰

بالفعل سیاسی و دستگیر شوند و مهلت در زندان خواهند داشت تا رسا اعلام نمایند که دیگر دست به اسلحه نخواهند برد.

۴- قبل و بعد از اعلام داستانی فعالیت تبلیغاتی وسیع تحت مسئولیت برادرزنگنه معاون ویرا را دجته به منظور به شرح ذیل انجام خواهد شد:

الف - فراهم شدن زمینه اجتماعی جهت برخورد با این سازمانها و گروهها.

ب - مشخص کردن گروههای متخاصم مسلح بالفعل.

ج - مانعیت از هرگونه برخورد گروههای مردمی با این سازمانها و گروهها در مدت ۱۵ روزه مهلت (طوبیگری) از برخورد حزب الله با گروههای مسلح و واگذاری آن به مسئولین).

۵ - بلافاصله پس از اعلام داستانی موج وسیع حمایت دولت و کلیه نهادها و گروههای خط امامی از این حرکت (طی مباحثه و اعلامیه و سمع و جمعه) تحت مسئولیت آقای زنگنه معاون وزیر ارشاد.

۶- پس از سر آمدن مدت مهلت، با شدت تمام کلیه سران و کادریهای سازمان دستگیر و محاکمه و به اندامهای برسد و حتی کلیه سمپاها که در حین فروش روزنامه، بخش اعلامیه و پلاکارت و به هرگونه فعالیت به نفع این گروهها دستگیر و در جهت ارشاد دجته اذیت شوند.

۷- محاکمات اینها باید علنی باشد.

۸- طی اطلاعیه ای وزارت کشور اعلام نماید به علت شرایط فعلی جامعه (مسلحه جنگ) هیچ حزب و گروهی اجازه تظاهرات و میتینگ ندارد.

۹- طی برنامه وسیع تبلیغاتی تحت مسئولیت برادرزنگنه شدیداً با احزاب متخاصم مسلح با لغوه (چون سازمان مجاهدین خلق) برخورد و روشنگری و سیاسی نماد پس از مدتی کوتاه آنها را دعوت به مناظره نماید (بخصوص از طریق رادیو و تلویزیون).

۱۰ - طی برنامه های وسیع روشنگری مردم از هرگونه برخورد با این سازمانها (بخصوص مجاهدین خلق) بر حذر دارند و روشن کنند که حفظ موجودیت اینها در این گونه برخوردهاست و عمدتاً خود این گروهها خواهان چنین برخوردی هستند (در صورت لزوم از نیروی مردم استفاده خواهد شد).

۱۱ - وزارت ارشاد اعلام نماید کلیه سازمانها و احزاب جهت داشتن روزنامه و نشریه آزادند منوط به داشتن اجازه از سوی وزارت ارشاد.

۱۲ - داستان انقلاب سعی کند حتی المقدور کمتر مبادرت به دستگیری سمپاهای این سازمانها بخصوص (مجاهدین خلق) بنماید و زندانیان فعلی هم کماکثر در رابطه با روزنامه فروش و بخش اعلامیه و ... دستگیر شده اند به نحوی آزاد نماید (البته پس از تکمیل پرونده).

۱۳ - کلیه شرکت کنندگان در جلسه منعقد شده در هرگونه اقدام خارج از چارچوب تصویب

[illegible]

معرفی کتاب

دیدگاه‌های انحرافی در مورد وحدت

چند مقاله از بوگدان کنونیانتس درباره مسائل تشکیلاتی، مربوط به کنگره دوم حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه

جنبش کارگری کمونیستی روسیه، گنجینه گرانبهای از آموزش‌های (مارکسیستی-لنینیستی) را برای انقلابیون کمونیست-سرا-سر جهان به حای گذارده است. آموزش‌های که حاصل آمیختگی عمیق شوروی راه‌نمای (مارکسیسم - لنینیسم) با پراتیک گسترده جنبش کارگری می‌باشد.

از همان زمانی که کمونیست‌ها بطور جدی به کار در میان کارگران و زحمتکشان پیروز شدند و بکوشند تا وظیفه اساسی خویش را که همانا بردن آگاه‌های سوسیالیستی به میان بوده‌های طبقه کارگر و سازمان‌دهی و هدایت جنبش کارگران و زحمتکشان است، به پیش ببرند، مسائل متعددی در پیش‌پای آنان قرار می‌گیرد. مسائلی که پاسخگویی بدان ضرورت مبرم پیش‌برد انقلاب است و تنها در پاسخگویی خلاقانه بدین مسائل است که شوروی انقلاب در هر کشور، شکل می‌گیرد. کتاب (دیدگاه‌های انحرافی درباره وحدت) بخشی از اینگونه آموزش‌ها را در بر دارد. این کتاب که دستچین برخی از نطفه‌های رفیق بوگدان کنونیانتس یکی از رهبران برجسته بلشویک در کنگره دوم حزب سوسیال دمکرات کارگری در روسیه است. علاوه بر آن که شیوه برخورد انقلابی به مسائل موجود در جنبش کارگری را می‌آموزد، به برخی از مسائل مهمی می‌پردازد که هم اکنون در جنبش انقلابی کشور ما نیز مطرح می‌باشد؛ از مهم تبلیغ و ترویج کمونیستی و سازمان‌دهی جنبش کارگری که مسئله تبلیغ و ترویج و سازمان‌دهی در میان پرولتاریا و زحمتکشان خلق‌های تحت ستم نیز جزئی از آن است.

بخشی از نطفه‌های رفیق بوگدان در کنگره دوم حزب، به مسئله سازمان‌های منطقه‌ای و ملی و نقش آنها، اختصاص دارد. مدتی در آن روزها گوی حزب، مسئله ایجاد حزب واحد، مسئله مبرم جنبش بود. در مبارزاتی که حول این مسئله در کنگره صورت گرفت، مسئله سازمان‌های منطقه‌ای و ملی یکی از مهم‌ترین مسائل بشمار می‌رفت. در متن این مبارزه نظریات ناسیونالیستی و اشتعاب طلبانه‌ای تبلیغ می‌شد که استقلال این سازمان‌ها را عنوان می‌نمود. ارگان بوند (اتحادیه عمومی کارگران یهودی لیتوانی، لهستان و روسیه) برجسته‌ترین مبلغ این نظریات بود.

رفیق بوگدان در نطفه‌های خود در کنگره، قاطعانه ما هیت انحلال طلبانه این نظریات را

افشا نموده و نشان می‌دهد که مبدأ حرکت کمونیست‌ها در برخورد به جنبش کارگری همواره و در هر شرایطی، جنبه طبقاتی این جنبش است و نه جنبه ملی و باید که جوانان آن، در این صورت هرگاه جنبه ملی اساس قرار گیرد، مسلماً حرکت کمونیست‌ها با همبستگی منافع طبقاتی پرولتاریا که اساس سوسیالیسم بین‌المللی است، در تضاد قرار خواهد گرفت.

رفیق بوگدان کنونیانتس در نطفه‌های خود با افشای این نظریات، راه حل لنینی مسئله



را ارائه می‌دهد: شرایط مشخص ملیتها، زمینه‌های تبلیغ و ترویج همه‌جانبه‌ای را فراهم می‌سازد که هر انقلابی حساس باید از آن هوشیارانه استفاده کند. علاوه بر این پیش‌بردار مقدس انقلاب پرولتاریایی ضرورت مبارزه با انواع انحرافات ناسیونالیستی بورژوازی را که زمینه‌های مساعدی در جنبش خلق‌های تحت ستم دارد، در دستور کار کمونیست‌ها قرار می‌دهد. "هدف از ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای در مناطقی با شرایط استثنائی باید تبلیغ و ترویج همه‌جانبه‌ای باشد، اما در این صورت باید چنان نوعی از سازمان‌ها را ایجاد نمود که جنبه تفرقه‌اندازی و خرده کاری محلی را به خود نگیرند."

بحث جالب توجه دیگری که رفیق بوگدان در خلال نطفه‌های خود به آن می‌پردازد، برخورد های انفرادی با نه بورژوازی در مسازات

درون حزبی است. در بحث‌هایی که حول مسئله انتخابات و ایجاد نهادهای مرکزی حزب در می‌گیرد، اینگونه نگرش‌های بورژوازی و خرده بورژوازی خود را کاملاً نمایانند. بر خورد‌هایی که بجای حرکت از منافع جنبش، منافع خود و گروه خود را محور قرار می‌دهد، رفیق بوگدان به این گرایش‌های انحرافی حمله می‌کند و قاطعانه بیان می‌کند که انقلابیون می‌بایست اینگونه گرایش‌های بورژوازی را از درون خود طرد کنند. آنچه که همواره می‌باید نقطه حرکت کمونیست‌ها در مبارزات درون حزبی باشد، فقط و فقط منافع جنبش کارگری است که با منافع حزب پیوندی عمیق دارد.

گزارش فعالیت کمیته با کوبه کنگره دوم حزب که رفیق بوگدان کنونیانتس ارائه می‌کند نیز در سبای گرانبهای را می‌آموزد. در این گزارش تصویر درختانی از حسیست و دفت کمونیستی در کار تبلیغ و ترویج و سازمان‌دهی جنبش کارگران به نمایش گذاشته شده است. رفیق بوگدان تصویر می‌کند که چگونه کمیته با کوا ز گروه کوچکی آغاز شد، در حرکت انقلابی خویش با گرفت و به کمیته قدرتمندی تبدیل گشت. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این گزارش برجستگی دارد، تکیه بر اهمیت ارتباط کمونیست‌ها با جنبش کارگران و زحمتکشان است. کمونیست‌های کمیته با کوب برای پیوندیابی با جنبش از هر مکانی سود می‌جستند و با تمام انرژی خویش می‌کوشیدند تا کالاهای ارتباط با توده را ایجاد نمایند: "کمیته باید سعی کند که در تمام تشکیلاتی که بطور اتفاقی وجود بخودی شکل می‌گیرند اعم از تشکیلات صنعتی صندوق‌های بودجه‌ای خودآموزی و غیره، نفوذ پیدا کنند و اما در نقاطی که هیچ تشکیلاتی وجود ندارد، کمیته محلی سعی می‌کند صندوق بودجه و یا گروه‌های کوچک تبلیغاتی ایجاد کرده و بدین وسیله کارگران را با جنبش مربوط کند. هم اینک در محدوده کارگران شهری هیچ سازمانی نیست که بوسیله کمیته محلی به جنبش مربوط نشده باشد...."

گزارش رفیق بوگدان نمونه درختانی از کار سوسیال دمکراتیک در تمام زمینه‌ها، می‌باشد. این گزارش بیان می‌کند که چگونه کمیته با کوب رابطه متحرک و زنده‌ای با جنبش کارگری برقرار نموده و می‌کوشد که کوچکترین جنبش اعتراضی را سازمان داده و ارتقا دهد. و مهم تر از این، گزارش نشان می‌دهد که چگونه در متن این ارتباط، کمیته با کوب سعی می‌نماید که بر اساس شرایط جنبش سراسری روسیه و شرایط مشخص محلی تاکتیک‌های زنده‌ای را اتخاذ نماید که به جنبش سمت دهد. برخورد بلشویک‌های کمیته با کوبه برپائی تظاهرات نمونه‌ای از اینگونه برخورد فعال و خلاق کمونیستی است. در سال ۱۹۰۲ همراه با رشد و تضح گیری نهفت کمیته با کوبه برپائی تضحیه در صفحه ۲۲

رفقای معلول حادثه دانشگاه و مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر

(ادامه از شماره پیش)

رفیق م. در اشراعات ترکش های نارنجک با چمدان کمدیست ارتجاع دربین نظر هرکندگان روز ۳۱ فروردین مقابل دانشگاه منفجر شد زخمی است. رفیق در نظر هراتی که از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان بهیکار بهمناسبت اولین سالگرد مقاومت حماسه آفرین دانشجویان در برابر یورش انقلاب فرهنگی برپا شده بود شرکت نموده بود. در شماره گذشته سخنان دوست ازرفقای معلول را آوردیم اینک از رفیقی دیگر خاطراتی را می نویسم. او همراه ما حدود ۲۰ تن ازرفقای مجروح، بیمارستان بستری بوده و نیز زیر کنترل پاسبانان قرار داشته و با وجود این علیرغم بیماری شدید روحیه کمونیستی و انقلابی خود را حفظ کرده، از هر فرصتی برای افشاکاری رژیم استفاده نموده و سرانجام از دست آنان فرار کرده است. با ساداران چهل و سرما به منظور بوده اند بسیار بهبودنسی دروضع آنان، آنها را به زندان اوین تحویل دهند.

به خلاصه ای از صحبت های رفیق گوش میکنیم

بعد از این حادثه عشقم به کارگران و زحمتکشان بیشتر و ایمانم به آرمان سرخ آنها محکم تر شد!

روز تظاهرات وقتی به جلوی دانشگاه رسیدم، هنگامی بود که فالانژها سنگ پرتاب میکردند و رفقا مقاومت میکردند. من هم در صف رفقا قرار گرفته و به مقاومت ادامه میدادم که ناگهان نارنجک پرتاب شد. در آن لحظه من ندیدم که چه کسی آنرا پرت کرد. ما چمدان های نارنجک به تنگ و گدو با هم ایستاده بودیم. من در آن لحظه دردی احساس نمیکردم و خواستم بدوم اما دیدم پایم بی حس است. از وسط درگیری خود را کشتان کشتان به پشت یک پیکان کشیدم و تنم شدت بند آمده بود. سی - هوش بزمین افتادم از این لحظه به بعد همه چیز را منبهم به خاطر می آورم، گویا هنگامی که میخواستم برای حمل به بیمارستان سوار وانت نماینده، عده ای مزدور مانع میشوند. بهر حال بعد از رسیدن به بیمارستان مورد جراحی قرار گرفتم. هنگامی که به هوش آمدم با مشت گره کرده شمار زنده باد کمونیسم، زنده باد سوسیالیسم و شعارهای دیگری را که به آن معتقد بودم میدادم. بیمارستان و بهیاریان دلسورانه

کمکم منمیکردند. بخاطر اینکه یزم به تنم وصل بود تا چند روز از حال دیگر رفقای زخمی بستری اصلا خبر نداشتم. روزیکه توانستم راه بروم، تصمیم گرفتم که به اتاقهای دیگر سرزده و از حال رفقا باخبر شوم. با ساداران تمام بخش را کنترل میکردند و یکی از آنها جلوی مرا گرفته و گفت: "شما ممنوع الملاقات هستید و نمیتوانید بدیدن دیگران بروید". پرسیدم: "طبق کدام قانون؟" وی گفت: "قانون جمهوری اسلامی" و من پاسخ دادم: "ما از این قانون حرکت نمی کنیم" و راهم را ادامه دادم. وهنگامیکه با سادار میخواست دیگر همکارانش را با حرکت کند، چندتن از پرستاران به وی گفتند که چرا با مریض سروکله میزنید؟ همینکه شما اینجا هستید، باعث وحشت مریض های دیگر شده است.

هدف ما تنها خبر گرفتن از حال یکدیگر بود، بلکه میخواستیم با مریض های دیگر تماس گرفته و برای آنان افشاکاری نمائیم. ما برای بیمارانی که عموماً از افشار زخمکش بودند افشاکاری های موشری علیه رژیم میکردیم و هدف های خودمان را برای آنها می گفتیم. ما برای سایر مریض ها و ملاقات کنندگان آنها افشا میکردم که نارنجکی که به میان نظر هرکند - گان انداخته شد، عملاً هر دو جناح رژیم - لیبرالها و جبهه حزب جمهوری بر آن مهرناشید زده اند. با ساداران مزدور، در مورد کسانی که به ملاقاتشان می آمدند، ما را سؤال پیچ و تهدیدات کنترل میکردند. این مزدوران یک لحظه از حواسی کردن، کوتاهی نمی کردند. مثلاً یک روز یکی از ساداران سرش را از بالای دروازه ای که بستری بودم توأورده و با گفتن "بچه ها بشید این از بچه های خود مونه" میخواست خودش را کمونیست جا بزند! و با دونه فردی گروارداتیان شدند و بالای سرم آمدند، یکی از آنها پرسید: "رفیق! چی شدی؟" و من که از همان اول فهمیده بودم این ها با سادار هستند گفتم: "برادران دولت در میان نظر هرکندگان، نارنجک انداخته و منم زخمی شدم" مزدوران که متوجه شده بودند مجتبان شده، از اتاق بیرون رفتند. کلاً در مدتی که من در بیمارستان بودم، کمیته چی ها و با ساداران مدام از بخش محافظت میکردند، بطوریکه یک شب آنها مسلحانه داخل بخش ریخته و با عت مریض ها شدند، پرستاران گفتند که با یک سلاح به ساداران بیرون بگذارید و بعد داخل بیمار شد.

از دادستانی "انقلاب" و همینطور حیدر بار از وزارت کشور برای تهیه گزارش و گرفتن اسم و آدرس و شمار تلفن آمدند که من در پاسخ

پیام عده ای از رفقای مجروح به کمیته پزشکی سازمان

به رفقای کمیته پزشکی پاسبان رحمانی که جهت مداوای رفقای مجروح کشیده اند:
رفقا! با اردوهای کمونیستی!
زحمت بسیار و رفقا بهمان راج می -

نیم.
محبت های فراوان شما و سرخورد های مسئولانه و رفقا بهمان با ردیگری است نموده تشکلات کمونیستی یک کمون و یک خانواده بزرگ کمونیستی است

و فکر میکنم آن جبری که نمیتواند با حق گوی زحمت شما با شایسته، هر رفیق رحمانی با با زبانش سلامتی، مصما به ترویر و سرور در راه تحقق آرمان طبقه کارگر کام بر دارد.

به امید پیروزی آرمان سرخ طبقه کارگر!
عده ای از مجروحین فاجعه دانشگاه
اردیبهشت ۶۰



پیام تشکر رفقای زخمی به پرسنل آگاه و مترقی بیمارستان های شریعتی و خمینی

دوستان مبارز!
ما مجروحین واقعه خونین دانشگاه (اردیبهشت ۶۰) که در صف تظاهرات سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار، دست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با انگار نارنجک به خون کشیده شده و زخمی گشته ایم، با قدردانی از زحمات بی دریغ و آگاهانه شما پرسنل بیمارستان های شریعتی و خمینی که علیرغم فشارها و تهدیدات با ساداران رژیم وفاداری این مزدوران به کمک فرزندانش کمونیست خود را شایسته، بیکار در گریه همراه همه کمونیست ها و انقلابیون با کارگران و زحمتکشان میهمان پیمان می بندیم که با آخرین قطره خون سرمان در راه ما بودی سرمایه جها سی و رژیم های مرتجع سکونیم!
مجروحین فاجعه دانشگاه ۱۳۶۰

سؤال آنان که منم: تمام کارها را خود ساداران می کنند و ما می آید از عملکرد ساداران گمراهی نهی کنید؟!

با ساداران مزدور که از رفقای رحمانی از بیمارستان با خبر بودند سعی میکردند با گفتن اینکه ما آنها را دستگیر کردیم، روحیه ما

صفحه در صفحه ۲۲

علیرغم تبلیغات ضد کمونیستی هیئت
مدیره شرکت واحد :

کارگران از اخراج نماینده مبارز خود جلوگیری میکنند

در تاریخ ۶۰/۳/۳، هیئت مدیره مکتبی
شرکت واحد دنبال سیاست ضد کارگری خود، حکم
اخراج یکی از نمایندگان شورای کارگران
تعمیرگاه شماره ۲ شرکت واحد (واقع در نارمک)
را که کارگری مبارز و مذهبی است، صادر میکند.
بدنبال انتشار اخبار اخراج این نماینده
مبارز، زمه های اعتراض در میان کارگران
شروع میشود. کارگران که میدانستند هیئت
مدیره شرکت از نماینده شان، بجا طردهای
وی از منافع کارگران است، پس از مشورت
تصمیم می گیرند با اجتماع در سالن غذاخوری
حضور هیئت مدیره را جهت دادن توضیح خواستار
شوند. در ساعت ۱۲/۵ با آمدن زرین زلف عضو
هیئت مدیره و رئیس امور مالی شرکت واحد،
کارگران خشمگین از وی میخواهند که علت
صدور حکم اخراج را بگوید. وی پس از مدتی
مقدمه چینی و بیان حرفهای عوامفریبانه ای
چون ما همه مسلمانیم و در مقابل خون شهدا
مسئول و... میگوید: "حال با توجه به صحبت
های که کردم و اینکه نماینده شما کمونیست
است، آیا باارهم میخواهید که او برگردد؟"
کارگران یکبارجه فریاد میکنند: "بله،
بله، بله"، کارگری فریاد می کند: "قای
زرین زلف اگر ما ۳۰۰ نفر شما را نخواهیم چه کسی
را با بدبینیم؟" کارگران در تاشد حریف
وی فریاد میزنند: "تمیخواهیم، تمیخواهیم،
تمیخواهیم". درهمین حین نماینده مبارز اخراجی شروع به
صحبت کرده و در آخر خطاب به کارگران میگوید:
شما بهترین و صالح ترین کسی هستید که
میتوانید در باره من قضاوت کنید، اگر من
حرکتی کرده ام که بر ضد شما بوده، این شما و اینهم
کردن من!

سخنان نماینده مزبور خشم انقلابی کارگران را
شعله ور تر ساخت بطوریکه نماینده دولت در مقابل
قدرت همبستگی کارگران عقب نشینی کرده و
میگوید: من دومرتبه گزارشهای را که در مورد
نماینده شما رسیده مطالعه میکنم و پس از آن نظر
نهایتم را اعلام میکنم. عده ای از کارگران
فریاد میزنند: ساواکیها و جاسوسها را معرفی
کن، بگو چه کسی گزارش داده اند؟ جاسوسها
و افراد انجمن اسلامی که از آگاهی و یکپارچگی
کارگران باوخت افتاده بودند، پنه خود را
روی آب انداخته و بیو نه از غرض هیئت مدیره



جنبش کارگری

حزب خائن نفوذ نثیت حداقل دستمزد کارگران را تأیید میکند

اشاره شد و عبارت است از: وضع اقتصادی
مملکت، آثار جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی
کارگران دندان روی جگر میگذارد و معمولاً
وزارت کار و امور اجتماعی را میپذیرند.
اما این پذیرش بهیچوجه به آن معنی نیست
که گویا افزایش دستمزدها ضرورتی نداشته
است و گویا دولت فاقد امکانات لازم برای
بهبود وضع معیشتی زحمتکشان است، که در
اثر تورم و گرانی به معنی واقعی کلمه
دچار اختلال گردیده است. درست بعکس،
کارگران و زحمتکشان بد رستی معتقدند که
اگر چه دولت فعلاً فاقد امکان افزایش
دستمزدها به صورت پولی است، لیکن امکان
بهبود وضع معیشتی آنان را از طریق بالا
بردن قدرت خرید دستمزدها که ملا در اختیار
دارد. "

آنچه در این نقل قول مشاهده میشود تا بید
دو پهلوی و زیگانه این تصمیم رژیم است: از یکسو
خائنین توده ای حداقل دستمزد تعیین شده از
جانب دولت را با توجه به میزان تورم و افزایش
قیمتها در سال گذشته، "برای" تامین هزینه
زندگی کارگران و زحمتکشان، "غیر قابل تحمل
میخواهند و از سوی دیگر در تأیید تصمیم وزارت کار
کارگران را به "دندان روی جگر گذاشتن" و
پذیرفتن تصمیم مذکور دعوت مینمایند. از یکسو
محبت از "ضرورت" افزایش دستمزدها "میکندند و
بقیه در صفحه ۱۹

در شماره ۱۰۸ پیکار به بررسی تصمیم ضد
کارگری رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر تثبیت
حداقل دستمزد کارگران به میزان سال گذشته
پرداختیم و دیدیم که با توجه به رشد سرسام آور
تورم، این تصمیم نه تنها منجر به تثبیت سطح
زندگی کارگران همچون سال گذشته (که آن هنگام
هم کارگران در شرایط دشواری زندگی میکردند)
نمیکرد، بلکه عملاً به معنی کاهش بازهم بیشتر
سطح زندگی کارگران میشود، بطوریکه این
زحمتکش ترین طبقه جامعه را در آستانه فلاکت
شدیدی قرار میدهد. اما آنچه که بی ادبانه گزیر
این اقدام ضد کارگری رژیم است، او جگر
مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد
میباشد. از این روست که رژیم و تمامی نوکرانشان
بدست و پا افتاده اند تا با فریب کارگران موجب
انحراف مبارزاتشان گردند.

در این میان خائنین توده ای پیشقدم تر
از سایر روزیونیستها، با و قاحت تمام به دفاع
از تصمیم رژیم پرداخته و فرا تر از آن در جهت
تطهیر و توجیه آن به رژیم "ره نمود" میدهند. آنها
در روزنامه خود مینویسند:

"این البته در مقایسه با میزان تورم و
افزایش قیمتتها در سال گذشته بسیار ناچیز
و حتی از نظر تامین هزینه زندگی کارگران
و زحمتکشان دستمزد بکسر غیر قابل تحمل
است با اینحال با توجه به همان سه نکته ای
که در ابتدای اطلاعیه وزارت کار به آن

اعتصاب کارگران شرکت حمل و نقل!

براشرا اعتصاب کارگران مدیران کاخانه
فقط پرداخت ۲۰ روز سود و بزه را قبول کرده و در
مورد بقیه خواستها جواب سر با امیدهند. کارگران
سپس بسر کار باز میگردند.
کارگران مبارز! فقط شورا های واقعی
متضمن حفظ منافع شما در مقابل سرمایه داران
زالو صفت است. جهت حفظ دستاوردهای مبارزاتی
خود و تدوین مبارزات تان، شوراهای واقعی را
تشکیل دهید!

- در تاریخ ۶۰/۳/۹ کارگران شرکت حمل و
نقل بزرگ ایران جهت تحقق خواستهای خود،
یکبارجه دست از کار می کشند، خواستهای
کارگران به شرح زیر است:
- ۱- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل.
 - ۲- اضافه حقوق.
 - ۳- پرداخت ۲۰ روز سود و بزه که تا کنون پرداخت
نشده است.
 - ۴- دوروز تعطیل در هفته.
 - ۵- افزایش پول ناهار

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

مبارزات کارگران جهت دریافت ۲۰ روز سود و پرتزه!



میکنند. کارگران آگاه و مبارز میگویند: انجمن اسلامی و کارفرما هم اکنون در مقابل ما بوده و بر علیه ما توطئه جینی میکنند، ما باید با آن سه مبارزه برخیزیم. مبارزه کارگران این کارخانه ادامه دارد.

کارخانه نساجی فرزانه - اصفهان:

کارگران کارخانه نساجی فرزانه سزاحر: برای دریافت باقی مانده عیدی و پاداش خود یعنی دریافت ۲۰ روز حقوق، مبارزات خود را شدت بخشیده و موفق شدند کارفرما را به عقب نشینی وادارند.

حربان بدین فرااست که کارفرما اسناد عیدی و پاداش کارگران را معادل هفت روروسم حقوقشان تعیین میکند که با اعتراض کارگران روبرو میشود. کارگران برای مجبور نمودن کارفرما تولید را کاهش میدهند، بطوریکه کارفرما مجبور میشود هفت روروسم را با دوازد رورسالا برسد. اما کارگران هم کارگران برپرداخت ۲۰ رور پای فشرده و تولید را همچنان پائین نگه میدارند و ۱۲ روز را به ۱۵ روز میرسانند. کارگران همچنان برای تحقق خواستشان تولید را پائین نگه میدارند اما شورای فلابی کارخانه که مانند سازمانهای فلابی حنجره ارشست بر کارگران وارد آورده و به دنبال کارکنی هایش موفق میشود کارگران را فریب داده و تا شرا را می به دریافت همان ۱۵ رورینماید.

کارگران مبارز! برای مقابله با توطئه های سرمایه داران شورای فلابی را محمل و شورای واقعی را اتحاد نمائید!

مبارزات کارگران در بسیاری از کارخانه ها برای بیرون کشیدن ۲۰ روز سود و پرتزه که بخشی از دستمزدها آن است، از حلقوم سرمایه داران و رژیم حاکم آنان همچنان ادامه دارد:

کارخانه نساجی شماره (۱) قاششهر:

در تاریخ ۶۰/۳/۴ از طرف مدیر عامل کارخانه بخشنامه ای صادر میشود مبنی بر اینکه فقط ۶ روز حقوق بعنوان سود و پرتزه پرداخت میشود. ابتدا قسمت "با فینه" کارخانه جهت اعتراض به این بخشنامه دست از کار میکشد و سپس تمام قسمتها یکپارچه دست از کار میکشند و خواهان پرداخت ۲۰ رور سود و پرتزه میشوند. مدیر عامل عدکارگر در رویارویی با اعتماد کارگران از وزارت کار کمک خواسته و به اتفاق معاون اداره کار با سخنانی چون: "وقت جنگ چرا اعتماد میکنید؟" یا "کارخانه ضرر کرده است و ۶ رور بیشتر به شما تعلق نمیکرد" و... سعی در فریب کارگران داشتند. اما کارگران افشاگری کرده و میگفتند: "فقط در سال ۵۶ کارخانه ۱۴ میلیون تومان سود داده، چگونه حالا که پرتزه کلی گران شده سود نداده است؟" تا افشاگری فعال عناصر مبارز کارگران روی پرداخت ۲۰ رور سود و پرتزه تأکید داشته و با سخنانی که سرمایه داران هر قسمت آنها را جهت بررسی سود و ضرر کارخانه میفرستند.

سرمایه داران خودخواه را با آوردن فرماندار و چند پاداش به کارخانه و با کمک مزدوران انجمن اسلامی و با استفاده از آگاهیه های بعضی از کارگران با امضای ۲۰۰ نفر از ۸۰۰ کارگر کارخانه، ۲۷ سرمایه دار انتخاب کرده و به وزارت کار معرفی

میخواهند که اعلام کند گزارشها کار آنها نبوده! او هم موزانه "قسم" یا دمیکند که گزارشهای رسیده از طرف آنان نبوده است.

زیرین زلف ما بند رژیم حاکمی خودش از کمونیستها که آگاهترین و فداکارترین و پیگیرترین انسانهای هستند که در راه آزادی طبقه کارگر از بند سیستم سرمایه داری مبارزه میکنند و حتی از گذشتن از جان خود نیز دریغ ندارند، وحشت دارد و به همین دلیل برای رها شدن از محاصره، عوامفریبانه اعلام میکند که اگر چند کارگر قدیمی بگویند که ما بنده شما کمونیست نیست من می پذیرم. کارگران قدیمی علیرغم آنکه ما بنده شان کمونیست هم نبود، بدون توجه به تاکتیک مدیر مزدور برای کشاندن کارگران به موضعی مذبذکونیستی، به تائید و حمایت از نماینده مبارزان می پردازند.

بالاخره دستان متحد و پرقدرت کارگران رژیم را وادار به عقب نشینی نموده و تسلیم در مقابل خواست انقلابی خود می نمایند. کارگران نماینده خود را همچون پرچم پیرویشان بر سر دست گرفته و بدور سمیرا که بهرامی امجد کارگران سمیرا که شماره ۲ شرکت واحد، مبار دیگر نمونه ای از قدرت طبقاتی کارگران را در عرصه مبارزه با سرمایه داران و نمایندگان آنان نشان دادند.

قدرت و همبستگی شان افزون تر باد!

طرح انقلابی کارگران و کارمندان شرکت نفت فلات قاره و نوطه های رژیم!

۲- حق استفاده از مسکن، غذای کامل، وسایل رفاه و آمدن و سایر رفاهات موجود.

۳- اجرای طرح ۱۴ روز کار و یک هفته استراحت. ضمناً خواست کارگران بحث پوششی رسمی شدن بود.

هیئت مدیره ارتجاعی که بنا بر ما هیئت عا جزا پاسخ دادن به خواسته های کارکنان بود جلسه فوق را ترک میگوید. کارکنان که این حرکت را توهینیتی نسبت به خود تلقی میکردند، درخواست بعدی هیئت مدیره جهت مذاکره با نمایندگان کارکنان را رد نموده و هیئت مدیره در ۶۰/۳/۴، جزیره را ترک میگوید.

حرکت هیئت مدیره، برای کارکنان و کارمندان روشن ساخت که سیاست هیئت مدیره حاد است و عدداً کمتری رژیم جمهوری اسلامی نمیشاند. در حال حاضر کارکنان مبارز، طرح انقلابی خودمختار و سبک همکار، یک هفته استراحت را پیاده کرده و خود را برای مقابله با توطئه های بعدی آماده میارند.

خواستهای خود را توسط نماینده "کمیته پیگیری" به شرح زیر اعلام می کنند.

الف: خواسته های کارکنان رسمی:

۱- رسمیت یافتن طرح اقامت یک هفته کار، یک هفته استراحت.

۲- برقرار نمودن پرواز هلیکوپتر بین جزیره و سکوها به بهره برداری.

۳- برگرداندن نمایندگان شوراهای مشمول پاکسازی مغرورانه هیئت پاکسازی قرار گرفته اند.

۴- بازپرداخت مزایای (طرح اقامت) سکوها که بدون دلیل بعد از جنگ از کل دستمزد دریافتی کسب شده است.

ب: خواسته های کارکنان جنگ زده عمدتاً عبارت بود از:

۱- پرداخت هزینه رفاه و آمدن و هتل.

۲- پرداخت وام ضروری (بلاغوز).

ج: خواسته های کارگران موقت:

۱- لغای قانون نا هشتا ای اخراج کارکنان بعد از ۷۵ روز کار.

در شرایطی که فشارهای شدید اقتصادی که حاصل سیستم سرمایه داری ایران و جنگ ارتجاعی دور رژیم ایران و عراق است مستقیماً بر دوش کارگران و زحمتکشان ما وارد میشود، آنها را هر چه بیشتر به مبارزه بر علیه این سیستم میکشاند. کارگران در شرایط فعلی یکی از راههای مبارزاتی که برای مقابله با این فشارها در برابر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند، مبارزه جهت کم کردن ساعات کار میباشد. کارگران و کارمندان شرکت نفت فلات قاره واقع در جزیره سری و لاوان، طی جلساتی که با افشای رژیم همراه بوده، طرح یک هفته کار، یک هفته استراحت را در مقابل قانون نا هشتا ای دو هفته کار، یک هفته استراحت، به تصویب میرسانند.

تدبیر این تصمیم کارکنان، در تاریخ ۶۰/۳/۴، هیئت مدیره شرکت نفت فلات قاره به اطلاع جهت رسیدگی به وضع و در واقع جهت جلوگیری از پیاده شدن این طرح انقلابی، وارد جزیره لاوان میشوند.

کارکنان رسمی، بحث پوشش جنگ زده و موقت طی یک مجمع عمومی با شرکت هیئت مدیره،

(قسمت دوم)

بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

در بخش اول این مقاله، مفهوم بودجه، دولت و ماهیت طبقاتی آن را روشن ساختیم. اضافه بر این در برخورد مشخص به بودجه سال ۶۰ رژیم جمهوری اسلامی، برخی از منابع درآمد آن نظیر مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم را مورد بررسی قرار داده و نشان دادیم که منشأ این درآمدها کجاست و چگونه تامین درآمد بودجه تا ثیری برای زندگی کارگران و زحمتکشان بجای نهد. حال به بررسی قسمت دیگری از منابع درآمد بودجه می پردازیم:

۲- نفت:

در لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ دولت، درآمدی معادل ۲۴۱۲ میلیارد ریال از محل استخراج و فروش نفت پیش بینی شده است. این رقم ۷۷ درصد کل درآمد بودجه دولت تشکیل داده و نسبت به سال گذشته حدود ۶۶ میلیارد تومان افزایش نشان میدهد. کسب چنین درآمدی مستلزم صدور روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت در طول سال می باشد و با توجه به سیری شدن مدتی از سال که طی آن چنین مقدار نفتی صادر شد، و نیز محاسبه کاهش قیمت بازاردن نتیجه افزایش عرضه، که هم اینک نیز وضع چندان مساعدی ندارد، این رقم تا انتهای سال بیش از ۳ میلیون بشکه در روز باید باشد.

مادر بخش معارج دولت نشان خواهیم داد که چگونه این بودجه در خدمت تشدید وابستگی است، چگونه فقر و فلاکت توده ها را بیش از پیش تشدید میکند و چطور ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را آشکارا میسازد.

همانطور که گفتیم ساخت رشته های صنعتی تناسب میان رشته های مختلف تولید در کشور را منطبق بر تقسیم کار جهانی امپریالیستی و در خدمت آن است. بخش عمده درآمد ملی در کشور ما از استخراج و صادرات نفت تشکیل میگردد که رابطه ای با تولید داخلی نداشته و برای صدور است. به علت رشد ناآرامی بخش های دیگر تولیدی تا مین اقلام فراوانی از کالاهای مصرفی و همچنین مواد و کالاهای سرمایه ای مثل مواد خام و ماشین آلات منگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت است. لذا اقتصاد ما در مقابل تغییراتی چون کاهش مقدار مورد تقاضای بازار جهانی، کاهش قیمت

نفت و افزایش قیمت های انحصاری کالاهای بازار جهانی، بحران های اقتصادی و جنگ و نیز فشار تحریم کشورهای امپریالیستی شدیداً آسیب پذیر بوده و این گونه تغییرات در بازار جهانی به سرعت بحران عمیقی را در اقتصاد ما ایجاد خواهد کرد. شدت یافتن انگاه اقتصاد کشورهای درآمدهای نفتی و کاهش مداوم تولیدات صنعتی و کشاورزی در سال های اخیر نشان دهنده تداوم و عمق بحران اقتصادی سرمایه داری وابسته ایران است. البته ممکن است حتی یک دولت انقلابی تحت هژمونی پرولتاریا که که نماینده اراده کارگران و توده های خلق است سبب باز انقلاب و در مدت زمانی که بنیاد های اقتصادی و تولیدی کشور در گون نشده و خود را از قبیل الگوئی که توسط بازار جهانی تحت نفوذ و سلطه امپریالیسم بر کشور تحمیل گشته خلاص نکرده، مجبور شود بیش از حد متعادل برود - آمدهای نفتی برای سامان دادن به اقتصاد مبتنی بر منافع کارگران و زحمتکشان تکیه نماید. ولی اولیایست اقتصاد - اجتماعی چنین دولتی ما هیتاً سیاست یک رژیم ارتجاعی مثل رژیم جمهوری اسلامی متعادل بوده و همانطور که گفتیم در جهت نفی سلطه امپریالیسم و حرکت بسوی سوسیالیسم است و ثانیاً تکیه کوتاه مدت بر درآمد نفت فقط جای معینی را در سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت اشغال کرده و در رابطه با مجموعه سیاست های وی یعنی کنترل تولید و توزیع در جهت منافع توده های خلق رهائی از سلطه امپریالیسم قابل توجیه است. و تداوم بحران عمیق و فزاینده اقتصادی و فقر و فلاکت توده های مردم در طول بیش از دو سالی که از قیام میگذرد و عجز و ناتوانی رژیم کنونی در مقابل به با آن - که خود بیانگر دفاع رژیم کنونی از منافع بورژوازی و وابستگی به امپریالیسم و مبارزات دیگر ما هیت آن است - خود به تنهایی برای توضیح ما هیت سیاست های اقتصادی و اجتماعی رژیم کافیست. این رژیم به علت ماهیت ارتجاعی خود را در مقابل به با بحران اقتصادی کنونی را نه در سرکوب قاطعانه سرمایه داران و اعمال ترور علیه آنان، برقراری کنترل خلقی بر تولید و توزیع و سازمان دادن تولید اجتماعی در جهت رهائی از وابستگی به امپریالیسم و حرکت بسوی سوسیالیسم، بلکه در سرکوب توده ها، فشار بر سطح معیشت آنان و

۳- "سایر درآمدها"

"درآمدهای اختصاصی"

درستون درآمدهای عمومی بودجه سال ۱۳۶۰ مبلغ ۱۵۷/۳ میلیارد ریال تحت عنوان "سایر درآمدها" و مبلغ ۱۲۹ میلیارد ریال تحت عنوان "درآمدهای اختصاصی" منظور گشته است. این درآمدها رویه همرفته حدود ۹ درصد درآمدها را تشکیل داده ۴۷/۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان میدهد.

ما قبل از بحث پیرامون درآمد نفتی دولت بطور کلی از سودهایی که از محل فعالیت های مستقیم دولت در صنعت، بازرگانی و بانکداری عاید می گردد سخن گفته و سپس از میان این فعالیتها نفت را بعنوان مهمترین رشته و منبع درآمد دولت مشخص کرده و با نگاه عظیمی را که در بودجه سال ۱۳۶۰ اشغال میکند مورد بررسی قرار دادیم. ولی همانطور که گفتیم دولت توسط شرکت های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به خود در زمینه های مختلف صنعت، کشاورزی، مخابرات، ارتباطات، موریاتکی و تجارت

فنان، مسکن، آزادی

نفت به میزان بیش بینی شده (بعلت عدم گشتش با زار عدم امکان راه اندازی و صدور بیشتر در کوتاه مدت) دولت مجبور به ادا مه ستقراض از سیستم بانکی خواهد گردید و این نکته را مقامات دولتی نیز صریحاً اعتراف کرده اند.

یکی از دلایل سیاست نفت فروشی دولت نیز تا مین پشتوانه ارزی برای اسکناس های رایج و با انتشار اسکناس های جدید و حفظ اعتبار

مقاومت آنان منجر خواهد گشت.

گذشته از منبع فوق، دولت از طریق ارائه انحصاری پاره ای "خدمات" مثل صدور گذرنامه و پروانه (کسب و ساختمان) و غیره درآمدها شکی کسب میکند که با هزینه انجام این امور تفاوت فاحش داشته و نوعی مالهات محسوب میگردد. این درآمدها منبع مهمی را در درآمدهای دولت تشکیل میدهد.

● بورژوازی میگوید با هجوم بردن بر سطح دستمزد کارگران، تعدیل روزانه کار، افزایش استثمار و اخراج کارگران تمامی بار بحران را به دوش آنان میاندازد. سرمایه داران چنین وانمود می کنند که گویی علت بحران کار نکردن و افزون طلبی آنان است. تبلیغات رژیم نیز دائماً کارگران را به کار بیشتر و توقع کمتر دعوت کرده و به تهدید و سرکوب متوسل می شود.

۴- انتشار پول و استقراض از سیستم بانکی

سیستم بانکی و جلوگیری از ورشکستگی آنست، بگفته دبیر کمیسیون بودجه هیئت دولت در میزان نیاز ارزی کشور در کل حدود ۲۷ میلیارد دلار است. در صورت تحقق فروش نفت بمیزانی که پیش بینی شده است، دولت ۳۳ میلیارد دلار کسب میکند که ۲۷ میلیارد آن را جهت معارف ضروری و لازم ارزی خود بکار برده و بقیه را بعنوان پشتوانه جهت اسکناس های رایج و با احتیاط انتشار اسکناس های جدید مصرف خواهد کرد. (کیهان ۶۰/۳/۴)

ولی تا مین پشتوانه ارزی برای ادا مه انتشار اسکناس با وضعیت کنونی تولید مسئله ای را حل نکرده و انتشار اسکناس های جدید فشاری را که دولت ارتجاعی بر تن مردم های ایران میگذارد، تشدید خواهد کرد. پولهای جدید متکی بر قدرت تولید داخلی نبوده و تنها میتواند بر واردات متکی باشد. این امر نیز بعلت محدود بودن امکان واردات و همچنین افزایش قیمت کالاهای وارداتی، تورم را افزایش خواهد داد. تازه افزایش واردات به وابستگی هر چه بیشتر کشور به امپریا - لیس منجر خواهد گشت. در نقل قولی که آورده شد دیدیم که میزان درآمدهای ارزی دولت در صورت فروش نفت بمیزان بیش بینی شده ۳۳ میلیارد دلار و ملی میزان نیاز ارزی کشور طبق محاسبات دولت ۲۷ میلیارد دلار است و دولت قصد دارد که از اضافه ای را که امکان خرج آن و خرید کالا از خارج وجود ندارد به پشتوانه برای صدور اسکناس جدید و فشار بیشتر بر تن مردم بدل نماید. به این ترتیب حتی نگاه های کوتاه به منابع و چگونگی تا مین درآمد رژیم و نتایج آن بخوبی ما هیت ارتجاعی رژیم را نشان داده و همچنین ثابت میکند که با وجود چنین رژیم های، کارگران و زمینکنان هیچگاه نخواهند توانست از قبضه استثمار و ستم و فقر و فلاکت رها شوند. با بند بودجه دولت بخوبی نشان میدهد که چرا بدون از میان برداشتن سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم، رهایی کارگران و زمینکنان از استثمار و ستم و فقر و فلاکت و از رنج ستم مکان ناپذیر است.

ادامه دارد

دولتها برای جبران کسر بودجه خود به ایجاد پول از طریق انتشار پول و با استقراض از سیستم بانکی و منابع خارجی توسل میجویند. معمولاً دولتها در شرایط بحرانی و جنگ به ایجاد پول با حجمی بیش از ظرفیت اقتصادی و قدرت تولید کشور اقدام میکنند. ایجاد پول چه از طریق انتشار اسکناس (با پشتوانه و بدون پشتوانه) و چه از طریق استقراض از سیستم بانکی که آن نیز جبهه پول در گردش را افزایش میدهد، در شرایط ثابت ماندن قدرت تولیدی موجب تورم و افزایش قیمت ها و کاهش ارزش پول گشته و لذا نوعی مالهات است که از تنه مردم وصول میشود. تزریق این پولها به اقتصاد در شرایط رکود اقتصادی موجب افزایش قیمت ها و هزینه های تولید، کاهش قدرت خرید مردم و تفاخا گشته و رکود بیشتر اقتصادی را موجب خواهد گشت. ایجاد پول در این شرایط وسیله ایست برای سرکشی کردن مخارج دولت سرمایه داری برداشته شده های کارگرو زمینکنان، تورم قیمت ها که از جمله در نتیجه انتشار سوسی رویه پول است، دستمزد واقعی کارگران را کاهش داده و سطح معیشت توده های مردم را پایین میآورد. در سال گذشته بهیسی دولت به بانک مرکزی به ۲۶۴۲ میلیارد ریال بالغ گردید که نسبت به میزان آن در پایان سال ۵۸، ۵۸٪ افزایش داشته و این در شرایطی است که سپرده های بانکها نزد بانک مرکزی ۳۰۰۰ میلیارد ریال است و بانک مرکزی بنا به گفته دبیر کمیسیون بودجه هیئت دولت "هر چه توانسته است اسکناس چاپ کرده و در گردش انداخته و بدلیل شرایط سیاسی و اقتصادی کشور مسئله پشتوانه اسکناس را مسکوت گذاشته است." (کیهان ۶۰/۳/۴)

در بودجه سال ۶۰ منابع تا مین کسری بودجه که ۵۸ میلیارد ریال است، برگشتی از پرداختهای اسکناسی قبلی و با اعتبارات مصرف نشده در بودجه سال قبل ذکر شده و ظاهراً و انمود شده که دولت قصد استقراض از سیستم بانکی را ندارد. در حالیکه با روشن بودن عدم امکان فروش

فعالیت مینماید. پاره ای از این مؤسسات سود آور نبوده و همه ساله دولت کمکهای بیان اختتامی میدهد. مادریا راهایندسته از مؤسسات و سبستی که دولت از طریق عملکرد آنها به پیش میبرد بعداً هنگام بحث در مورد مخارج دولت صحبت کرده، نشان خواهیم داد که چگونه این زبان های مالی دولت در واقع سودی است که بشکل غیر مستقیم به طبقه سرمایه داران متعلق میگردد. دسته دیگری از این مؤسسات سود آور بوده و سبب بهره داری که فعالیت این مؤسسات جنبه انحصاری داشته و دولت در زمینه تولید کالاهای مزبور حق انحصار دارد، درآمدهای زیادی نصیب دولت مینماید. در اینجا ذکر این نکته لازمست که شرکت های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت بخش اعظم درآمدهای خود را از محل بودجه عمومی (جاری و عمرانی) دریا فست میکنند و در مقابل مبالغ کلانی بعنوان مالهات و سودها - که در واقع چیزی جز ارزش اضافی ناشی از استثمار روحشانه کارگران نیست - به دولت پرداخت میکنند که در هزینه های آنها منظور میگردد. به عبارت دیگر بخشی از درآمدهای دولت که در واقع حاصل سرمایه گذاریهای مستقیم است، به شکل دریافت مالهات از این شرکتها نمودار میشود. در غایت این قسمت لازمست نکته مهمی را مورد بررسی قرار دهیم.

یکی از عوارض تداوم و گسترش بحران اقتصادی در دوره پس از قیام کاهش تولید و کار نکردن بخش بزرگی از کارخانه ها با ظرفیت کامل بوده است. کارخانجات و صنایع دولتی و ملی شده سبب بهره داری این حیط در شرایط بدتری قرار دارند. طبق گفته رجائی در سال ۵۹ زبان صنایع ملی شده ۱۶۰ میلیارد ریال بوده است. زبان سالانه شرکت های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع بهرگز ۲۰۰ میلیارد ریال رسیده است. ریشه های این بحران در وابستگی اقتصادی کشور به غارتنا متنا سب تولید و وابستگی صنایع از لحاظ فنی و مواد خام، فشارهای امپریالیستی فرا سرمایه ها و بی اعتمادی سرمایه داران و تنزل اعتبارات در شرایط تداوم انقلاب و مقاومت کارگران در مقابل تحمیل بورژوازی به تحمیل تمام بار بحران بر گردن آنان میباشد. بورژوازی میگوید با هجوم بردن بر سطح دستمزد کارگران، تعدیل روزانه کار، افزایش استثمار و اخراج کارگران، تمامی بار بحران را به دوش آنان میاندازد. سرمایه داران چنین وانمود میکنند که گویی علت بحران کار نکردن کارگران و افزون طلبی آنان است. تبلیغات رژیم نیز دائماً کارگران را به کار بیشتر و توقع کمتر دعوت کرده و به تهدید و سرکوب متوسل میشود. دولت اعلام کرده است که در سال جاری ۲۰٪ منابع دولتی را به سوددهی خواهد رسانید. در اجرای این هدف با توجه به ناتوانی رژیم در مقابل سرمایه بحران اقتصادی، فشار اصلی گماکان متوجه کارگران بوده و این امر به گسترش مبارزات و

درباره حزب طبقه کارگر (۲)

۵- حزب طبقه کارگر چه مشخصاتی دارد؟

الف - حزب، پیشاهنگ طبقه کارگراست
استالین درآموزه‌های خود، خصوصیات یک حزب آهنگس طبقه کارگر را مشخص میکند. او می‌گوید حزب باید پیشاهنگ طبقه کارگر باشد. این به چه معنای؟ این بدان معناست که حزب برای اینکه به معنی واقعی پیشاهنگ باشد، باید به تئوری انقلابی مسلح باشد. همانطور که لنین می‌گوید:

"نقش مبارز پرور را تنها حزبی می‌تواند بازی کند که تئوری پرور را بهر آن باشد (۵)"
طبقه کارگر در پیروان تئوری انقلابی است که می‌تواند به فواید نیکامل و حرکت جامعه می‌برد، دوستان و دشمنان خویش را به درسی بشناسد و در هر لحظه با توجه به شرایط مشخص، عمل مناسب را در پیش بگیرد. این تئوری انقلابی، به حزب طبقه کارگر این امکان را میدهد که در پیشاپیش توده‌ها و طبقه حرکت کرده و بدینسان آنان را قیادت، فقط چنین حزبی است که می‌تواند بگوید: استالین "توده‌ها را تا سطح درک منافع طبقاتی پرولتاریا ارتقا دهد" (۶) حزب در واقع پیشوای سیاسی طبقه کارگراست.

حزب طبقه کارگر آنچنان سازمان کارگری است که هم‌چون سادیک ارتش جنگی میدانده کی باید حمله کرد و کی باید عقب نشست. در فلان لحظه مشخص کجای دشمن را مورد حمله قرار داد و چگونه او را درهم کوبید. در حقیقت طبقه کارگر بدون حزب سیاسی خود مثل یک لشکر بی فرمانده است. طبیعی است که چنین لشکری از عهده هیچ جنگ عظیمی که بر علیه استثمارگران در پیش است، بر نخواهد آمد. حزب در واقع ستاد جنگی پرولتاریاست.

اما اگرچه حزب، ستاد پیشاهنگ طبقه کارگر و متشکل از عناصر پرور است، اما بهیچوجه جدا از طبقه و توده‌های کارگر نیست. حزب بدون پیوند عمیق و ناگسستنی با طبقه کارگر در سست مثل یک فرمانده بدون لشکر است. در چنین صورتی نمی‌توان حتی سخن از رهبری توده‌های کارگر به میان آورد. حزب در واقع حیزه جدایی‌ناپذیری از طبقه است.

ب - حزب دسته متشکل طبقه کارگراست
اینکه حزب می‌باید به تئوری انقلابی یعنی مارکسیسم-لنینیسم مجهز و مسلح بوده و پیشاهنگ طبقه کارگر باشد تنها کافی نیست. بعمل در آوردن تئوری انقلابی نیازمند تشکیلات استوار آهنگس است، تشکیلاتی که پیروترین وفداکارترین عناصر طبقه کارگر

را بسی خود جلب نموده و مظهر ایستادگی و قدرت پرولتاریا باشد. حزب طبقه کارگر در سیر عظیم خود بر علیه سرمایه‌داری راه دشوار و پرپیچ و خمی را در پیش دارد. حزب طبقه کارگر که طی کردن پیروزمندان این راه را هدف خود قرار میدهد، باید کاملاً متشکل و با انضباط باشد. کارها و اعضای و رزیده‌ها و کارگران که در مکتب حزب و در سترمارزه طبقاتی پرورش یافته باشند، برای حزب اهمیت فراوانی دارند. بهمین دلیل است که حزب طبقه کارگر بدون پرورش کادر و تربیت عناصر آگاه و پرولسری و حفظ انسجام و هماهنگی تشکیلاتی، قادر نخواهد بود تا راه کار خود را حفظ نموده و در نتیجه به حیات سرمایه‌داری خاتمه دهد.

ج - حزب طبقه کارگر عالیترین شکل سازمانی طبقه کارگر است

همانطور که قبلاً هم توضیح دادیم، طبقه کارگر در مبارزه بر علیه ستم سرمایه‌داری از سازمانها و تشکیلات مختلفی استفاده میکند. حزب طبقه کارگر که عالیترین سازمان طبقاتی پرولتاریا است، تنها سازمانی است که در این میان، اتحادیه‌های کارگری، سندیکاها، تعاونی‌ها، شوراهای غیره همگی از سازمانهای طبقه کارگرند که اگر چه با بدعت هدایت حزب باشند، اما خودشان سازمانهای غیر حزبی هستند. حزب طبقه کارگر بدون پیوند عمیق با اینگونه سازمانهای توده‌ای قادر نیست طبقه کارگر را بعنوان یک نیروی عظیم به حرکت درآورده و سرمایه‌داری را نابود و سوسیالیسم را برقرار نماید.

رابطه حزب با سازمانهای توده‌ای چگونه تنظیم میشود؟

گفتیم که طبقه کارگر در مبارزات خود، بخودی اش قادر نیست به آگاهی سوسیالیستی دست یابد و بر سوسیالیسم نتیجه مبارزه خود، بخودی پرولتاریا نیست، بلکه به موازات آن و بطور جدا از جنبش‌های خود بخودی کارگری و سربا به تکامل عالیترین اندیشه‌های بشری به وجود آمده و سپس آنگاه در مرحله معینی از تکامل سرمایه‌داری وارد مبارزه طبقاتی پرولتاریا شده و با این مبارزه خلط و مضمون سوسیالیستی می‌بخشد. مبارزات خود بخودی کارگران تا وقتی که اندیشه‌های سوسیالیستی (مارکسیسم-لنینیسم) چراغ راه آنها را هدایت نموده و آنها را در همان محدوده نظام پرورانی باقی خواهد ماند.

بنابراین اگر حزب طبقه کارگر نخواهد بیا نتواند سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری را تحت

رهبری ایدئولوژیک خود بکشد در حقیقت میدان را بسع پرورانی خالی کرده است و سازمانهای توده‌ای را درست در اختیار پرورانی قرار میدهد. چرا که مسئله اصلی اینست: آیا ایدئولوژی پرولتاریا و یا ایدئولوژی پرورانی و در اینجا حد وسطی وجود ندارد. بنا بر این اهمیت ندادن به ایدئولوژی پرولتاریا، یعنی بی‌سلاح گذاشتن توده‌های کارگر در مقابل پرورانی، لنین می‌گوید:

"هرگونه کاهش از اهمیت ایدئولوژی سوسیالیستی و هرگونه دوری از آن، بخودی خود به معنی نقیض ایدئولوژی پرورانی است" (چه یاد کرد)

بهمین جهت است که حزب طبقه کارگر هیچگاه میدان را برای ایدئولوژی اسارت‌بار پرورانی سازمانی گذارد و در هر زمینه‌ای برچم پرورانی را ایدئولوژی کارگری را مافرازد. بر خورد حزب طبقه کارگر به سازمانهای توده‌ای نیز در این چهارچوب قرار میگیرد. حزب از طریق ایحاده‌ها و با جناحهای کمونیستی در درون اینگونه سازمانهای توده‌ای، رهبری این سازمانها را بدست میگیرد و آنها را بعنوان اهرمهایی برای مبارزه علیه استثمارگران و طبقات حاکم مورد استفاده قرار میدهد. لنین می‌گوید:

"حزب عالیترین شکل تجمع طبقاتی پرولتاریاست و نامی دیگرش تشکیلات کارگری می‌باشد تحت رهبری حزب قرار بگیرد".

د - حزب طبقه کارگر، بیانگر اراده واحد طبقه کارگراست

آیا با هدفها و برنامه‌های گوناگون می‌توان حرکت واحدی داشت و آیا در صورت این حرکت در صورت انجام، به پیروزی خواهد رسید؟ این امر نه تنها در حزب طبقه کارگر بلکه در هیچ گونه گردهمایی هم میسر نیست. حزب طبقه کارگر بدون وحدت اراده و عمل قادر نیست به هدفهای طبقه کارگر دست یابد. همانطور که نشئت و پراکندگی مغفوف طبقه کارگر رسیدن به پیروزی طبقه را بسیار دشوار و حتی ناممکن می‌سازد، پراکندگی و نبودن وحدت اراده در حزب که عالیترین ابزار مبارزاتی طبقه کارگر است، قدرت عمل را از حزب میگیرد و مانع از آن میشود که حزب بطور سریع و قاطع با سخوی مسائل جامعه‌ها باشد.

انضباط آهنگس و یکپارچگی در حزب، شرط استحکام و قدرت مند شدن حزب است. بدون رعایت انضباط حزبی، وحدت اراده و عمل میسر نمی‌شود و حزب نخواهد توانست همچون تن واحد به انجام وظایف انقلابی خود بپردازد. این انضباط به منظور تحکیم وحدت حزب و برای رسیدن به آرمان والای کمونیسم است و کوچکترین شائبه‌ای به انضباط سر باز نهاده‌ای ندارد. انضباط حزب، انضباط توأم با دموکراسی است و این دو ارتباط ناگسستنی با یکدیگر دارند.

اینها هستند منحنیات عمده حزب طبقه کارگر. اینها هستند آن منحنی‌هایی که حزب طبقه کارگر بدون داشتن آنها هیچگاه نخواهد توانست طبقه و نوده‌ها را از زنجیر اسارت بردگی سرمایه‌داری نجات دهد.

خلاصه کنیم:

حزب طبقه کارگر پیشا همگ و دسته متکامل و منضبط طبقه کارگر است که مجهز و مسلح علمی - تریب نشوری انقلابی بوده و با وحدت اراده و عمل خود قادر است نیروی متکامل و متحد سرمایه - داران را درهم بکوبد. حزب طبقه کارگر ارتباط محکم و جدانشدنی با سازمانهای توده‌ای دارد و از طریق هدایت آنهاست که کل طبقه کارگر را برای رهائی از قید سرمایه‌داری بحرکت درمی آورد.

حزب کمونیست که بنیاد ساسی طبقه کارگر و توده‌هاست با تصفیه خود از عناصر فرصت طلب و مترزلزل، استحکام و قدرت بیشتری می‌یابد و همچون بدن انسان، وقتی که موم را از خود دفع میکند، طراوت و تادادایی خود را بازی می‌یابد.

۱- آنچه که در مورد احزاب اهمیت دارد خصیلت طبقاتی و سیاست آنهاست، نه ادعای آنها.

آنها این که فلان حزب ادعا کند که حزب طبقه کارگر است میتواند برای پذیرفتن ما کافی باشد؟ مسلماً خیر. باید دید که در عمل در جهت چه طبقه‌ای حرکت میکنند. همانطور که یک فرد را بر اساس ادعاهای که در مورد خودش دارد مورد قضاوت قرار نمی‌دهیم، احزاب سیاسی را نیز نمی‌توانیم بر اساس ادعاهایشان مورد ارزیابی قرار دهیم. آنچه که در تشخیص ماهیت طبقاتی احزاب اهمیت دارد، خصیلت طبقاتی آنهاست که بر پایه عملکرد سیاسی و اجتماعی شان و سراسر نقشی که از مبارزات اجتماعی دارند سنجیده میشود. بعنوان مثال حزب توده در ایران و سایر احزاب برادرش در کشورهای دیگر ادعا میکنند که حزب طبقه کارگرند. و حتی حاضرین هستند سوزنی هم از مقامهای سوسیالیستی طبقه کارگر که خودشان به خودشان بخندیده اند عقب بنشینند.

هر کارگر آگاهی اگر بخواد هم‌اکنون واقعی‌ایس حزب را تشخیص دهد، نتایجی به تبلیغات و ادعاهای این حزب درباره خودش قضاوت کند، بلکه باید به عملکردهای او در حین مبارزات طبقاتی رجوع نماید. آنوقت و فقط آنوقت است که درخواهد یافت، که حزب توده در حقیقت حزبی است که نوکر سوزرواری و مخصوص خدمت گزاری سوزرواری حاکم سوزروی می‌باشد. و فکرها این حزب (و همچنین دست‌آموران سوزر شده‌اش) فدائیان اکثریت (چهره رشت و دمردمی رژیم جمهوری اسلامی را بسا و مردمی جلوه میدهد و کارگران و نوده‌ها را به تسلیم و رضا در برابر او فرا می خواند در حقیقت به سوزرواری

با چرا گذاشته شود، بدون آنکه حق انتقاد به همین تصمیمات نیز از کسی گرفته شود.

رابطه مصلی و صحیح بین انضباط حزبی و دموکراسی حزبی اهمیت زیادی دارد. هرگونه برخورد یکجانبه به یکی از این دو جزء (انضباط و دموکراسی) نتایج وخیمی برای حزب طبقه کارگر به بار می‌آورد. تا یکدیگر را به یکدیگر روی انضباط حزبی و نا دیده گرفتن دموکراسی، حزب را به یک دستگاه اداری (بورژوازیستیک) تبدیل میکنند و از طرف دیگر هرگونه تأکید یکجانبه بر دموکراسی حزبی هرج و مرج و بی نظمی را در صفوف حزب دامن می‌زند. روشن است که در هر دو صورت، حزب طبقه کارگر ولایت و سرنگی خود را از کف داده و قادر نخواهد بود به رهبر مورد اعتماد طبقه و توده‌ها تبدیل شود.

حزب با تصفیه مداوم عناصر مترزلزل و رفیقان نیمه راه، مستحکم‌تر می‌شود. حزب از آنجه که درجا می‌ماند، تأثیر می‌پذیرد.

حرکت طبقات مختلف و وضع نیروها در جامعه بی شک تأثیر خود را بر جریانه‌های درون حزبی باقی می‌گذارد. همانطور که همه‌ساله لایه‌هایی از اقشار متوسط جامعه به صفوف طبقه کارگر رانده میشوند، همانطور نیز افراد و عناصری از این اقشار به حزب طبقه کارگر می‌پیوندند که ممکن است به این زودبها نتوان زلزله و نا بیگیری آنها را از میان برد. اما فعلاً این همه‌ساله از صفوف کارگران نیز عناصر و روحی لایه‌هایی که نسبت به توده کارگران از وضعیت بهتری برخوردارند (اشاره به کارگری) ممکن است وارد حزب طبقه کارگر شوند.

این افراد میتوانند هم‌بخاطر رابطه زندگیشان (دست مزد و زندگی نسبتاً راحت) و هم بخاطر رشدن از زیر بار ایدئولوژی سوزروانی، گمانهای نفوذ ایدئولوژی و سیاست - های سوزرواری در درون حزب باشند. این افراد نمیتوانند با نفوذ دادن ایدئولوژی سوزروانی و حرکت در جهت سیاست های سوزروانی، تا ثیرات مخربی بر کارگران انقلابی بگذارند. آنها میتوانند به شکلهای مختلف مانع از حرکت انقلابی طبقه کارگر و حزب بشوند و از راه جهت منافع سوزروانی منحرف کنند.

بنابر این حزب طبقه کارگر برای اینکه بتواند ولایت و برتری خود را حفظ نماید، چاره‌ای ندارد جز اینکه همواره خود را از شر اینگونه افراد خلاص کند. این وظیفه ادعایی حزب طبقه کارگر است که همواره رفیقان نیمه راه، عناصر فرصت طلب و منحرفین از خط مصلی یکسری طبقه کارگر (ا بورژوازیستیک) را از صفوف خود بیرون کند. بدون تصفیه این افراد، حزب طبقه کارگر نخواهد توانست سوزرواری را تسکین دهد. لکن میگوید، حزب با تصفیه خود از عناصر بورژوازیستیک اسحکام می‌یابد و درونی است که استحکام حزب برای طبقه کارگر اهمیت حیاتی دارد.

← **انضباط حزبی** - سوزرواری و سوزورکلی تمامی مرتجعین میکوشند چنین وانمود کنند که گویا کمونیستها میخواهند آنها را به مهره - هائی تبدیل کنند که هیچ شعور و اراده‌ای از خود نداشته باشند. آنها همواره تبلیغ میکنند که کمونیستها پیرو انضباط مطلق هستند و هیچ اختلاف نظری را هم تحمل نمی‌کنند و بسیاری مزخرفات دیگر از این قبیل، اما بهیچوجه اینطور نیست، حزب طبقه کارگر هیچ احتیاجی به انضباط سربازانه‌ای ندارد. هیچ کدام از طبقات و هیچ حزب سیاسی دیگری با اندازه طبقه کارگر و حزب او از دانش و آگاهی توده‌ها سر نمی‌برند. انضباط حزب طبقه کارگر دقیقاً بر اساس آگاهی کامل اعضای حزب بوده و سوزور و دا و طلبانه پذیرفته میشود. رعایت انضباط حزبی بدان خاطر ضرورت دارد که حزب بدون آن، نتواند رزمندگی خود را از دست بدهد و نمی‌تواند در مقابل حوادث و وقایع جاری در جامعه عکس العمل سریع و مناسب داشته باشد. در زندگی احزاب کمونیست لحظاتی پیش می‌آید که تصمیم گیری فوری و قاطع، ضرورت حیاتی دارد. طبیعی است که حزب بدون برخورداری از یک انضباط آتین نخواهد توانست با شکوئی مسائل باشد. حزب باید بتواند همواره چون تن واحد آماده رویارویی با مشکلات و مسائل پیچیده باشد. و این میسر میشود مگر با رعایت دقیق انضباط حزبی و تبعیت تمامی ارگانهای حزب از تصمیمات رهبری.

انضباط حزبی چیزی است که همه اعضای حزب را از بالا تا پایین شامل میشود. اجرای دقیق و منظم تصمیمات حزب و وظایف تعیین شده، تبعیت اقلیت از اکثریت و ارگانهای یا ثین از ارگانهای بالاتر، جوهر اساسی این انضباط حزبی است.

د **دموکراسی حزبی** - رعایت انضباط حزبی و پیروی از تصمیمات حزب و ارگانهای بالاتر، با این معنی نیست که افراد مشارکتی در تصمیم گیری ندارند. حزب طبقه کارگر همواره تصمیمات مهم خود را بر اساس جمع بندی از نظریات و مبارزات فکری (ایدئولوژیک) اعضای حزب و حتی توده‌های غیر حزبی اتخاذ می‌نماید. راه مبارزه فکری در درون حزب همواره با زاست. مبارزه بین نظرهای مختلف، انتقاد و انتقاد از خود، چنان ابزار دزدست حزب طبقه کارگر است که یکمک آنها فضای سالم و انقلابی حزبی تا مین و دوام میدهد.

دموکراسی حزبی با این معنایست که تمامی مقامهای حزبی انتخابی بوده و حرکت حزب بر اساس شرکت فعال و دستجمعی اعضای حزب بر سر نظر و هدایت رهبری حزب صورت میپذیرد. حق هر کسی است که قبل از اتخاذ تصمیمی به بحث و مشاوره درباره آن بپردازد و آتانه اظهار نظر نماید. ولی آنگاه که تصمیمی گرفته شد، دیگر این تصمیم میباید ارجحیت همه اعضای حزب

حاکم خدمت میکند.

و قتیکه ای حزب کارگران رنج دیده و محروم ما را به افزایش تولید و کار بیشتر یعنی به استثمار بیشتر دعوت میکند، و قتیکه حقیقت اعتراض و اعتصاب کارگران را بر علیه دولت نفی میکند، در حقیقت به بورژوازی حاکم خدمت میکند.

و قتیکه این حزب در جنبش عا دلانه خلق کرد اخلال میکند و از راه های گوناگون وظایف در لباس دوست، خلق کرده را به تسلیم و اطاعت از بورژوازی دعوت میکند، در حقیقت به بورژوازی حاکم خدمت میکند.

و قتیکه این حزب رژیم ایران را به نزدیکی و همافزایی با اردوگاه سوسیال امپریالیسم دعوت میکند و در واقع مردم ایران را به اسارت و بندگی سوسیال امپریالیسم میکشاند، با زهم در حقیقت به بورژوازی خدمت میکند.

اگر بخواهیم تمام جنبش های این حزب مدعی شما پندگی طبقه کارگران یک بیک ذکر کنیم، بقول معروف "مثنوی هفتاد و یک غنچه شود"، ما در اینجا فقط نمونه هایی از جنبش های آشکار این حزب آنهم فقط از کارنامه دو ساله اخیرش را ذکر کردیم که همین اندازه هم کفایت میکند. در حرکت این حزب، غیانت به طبقه کارگر و زحمتکشان و نوکری و خدمت به بورژوازی از همه چیز برجسته تر و آشکارتر است.

بنا بر این بر اساس ایدئولوژی، سیاست ها، برنامه ها و چگونگی عملکرد این حزب است که ما بهیت بورژوازی آنرا تشخیص میدهم. آری حزب توده مثل شما می ا حزاب روبرو نیست دیگر، حزبی بورژوازی است و درست بهمین دلیل هم هست که کارگران آگاه و انقلابیون ایران نرفتشان با این حزب هر روز بیشتر و بیشتر میشود. بنا بر این نمی توان به تا بلوئی که اینگونه احزاب بورژوازی بر سر در خود و بخته اند، کفایت کرد، بلکه باید آنچه را که در عمل پیش میبرند مورد توجه قرار داد.

آنها با جمع شدن کارگران در یک حزب، میتوان آنرا حزب طبقه کارگران میدانند؟ بمبارت دیگر آنها با بهیت واقعی حزب را این امر که چه کسانی در آن متشکل شده اند، تعیین میکند؟ در کشورهای مختلف سرما به داری ما شاهد آنیم که احزابی هستند که حتی بیشترین تعداد کارگران را در خود جمع کرده اند، حزب کارگر انگلستان یکی از نمونه های برجسته این گونه احزاب است. این حزب تاکنون با راه ها توانسته است حکومت را بدست بگیرد ولی با انحلال جز بفع بورژوازی انحصاری انگلیس کساری نکرده است. حزب کارگر انگلیس در واقع مدافع ثابت قدم منافع بخشی از بورژوازی انحصاری انگلیس بوده و کاملاً ما بهیت ارتجاعی دارد. این حزب نه میخواهد و نه میتواند حتی بقدر سوزنی از منافع طبقه کارگر دفاع کند. بنا بر این وجود حتی هزاران کارگر در یک

حزب دلیل بر کارگری بودن ما بهیت آن حزب نیست. بلکه آنچه که اهمیت دارد ایدئولوژی و سیاست حزب است که ما بهیت طبقاتی آن را روشن میکند حتی یک جنبش کارگری هم اگر تحت رهبری و هدایت ایدئولوژی سوسیالیستی نباشد که کارگران ما بهیت بورژوازی خواهد داشت. بنا بر این حزب کارگری میتواند یک حزب بورژوازی باشد اگر چنانچه به ایدئولوژی طبقه کارگر بهیسی مارکسیسم - لنینیسم مجهز و مسلح نباشد.

حتی اگر یک حزب کمونیست نتواند بطور مداوم بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم حرکت نماید، اگر نتواند همواره با نفوذ ایدئولوژی بورژوازی، که به شکلهای مختلف در درون حزب عمل می نماید، مبارزه کند همیشه در خطر آنست که تغییر ما بهیت داده و بسوی بورژوازی تغییر جهت بدهد و سرانجام به ازاری در دست بورژوازی تبدیل شود. البته آنوقت دیگر چنین حزبی، حزب کمونیست نیست. کم نیستند احزابی که در یک دوران انقلابات عظیمی را بر علیه سرما به داری رهبری کرده و به پیروزی رسانده اند ولی سپس به علل گوناگون تحت نفوذ ایدئولوژی بورژوازی درآمده و به سرما به داری بازگشت نموده اند اما اکنون شاهدیم که حزب بلشویک لنین و استالین که ما به عظیمی در تاریخ و انقلابهای جهان آفریده بود، بدلیل نفوذ و غلبه ایدئولوژی بورژوازی تغییر ما بهیت داده و سرانجام به یک حزب بورژوازی تبدیل شد و نخستین کشور سوسیالیستی جهان را بهیست اردوگاه امپریالیسم کشانید.

۷- ایجاد حزب راستین طبقه کارگر و وظیفه عاجل کمونیستهای ایران و هر کارگر پیشرو است.

قیام بهمن و سرنگونی سلطنت پهلوی و به دنبال آن بقدرت رسیدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی یک بار دیگر نشان داد که آزادی توده های زحمتکش از زیر دست سرما به داری و امپریالیسم ممکن نیست مگر اینکه طبقه کارگر رهبری انقلاب را خود بدست داشته باشد. مردم زحمتکش ما اکنون بعد از پشت سر گذاشتن یک جنبش عظیم توده ای و یک قیام مسلحانه برای آزادی و استقلال کشور، در همانحالی ایستاده اند که در ما بهی های قبل از بهمن ماه ۵۷ بودند. اکنون مردمی بهیستند که نه استقلال و نه آزادی هیچکدام بدست نیا مده و با ردیگر سرما به داریان، حاکم بر سرنوش مردم گشته اند. مردمی بهیستند که آن بحران عظیم سال ۵۷ به ما مان نرسیده و هم اکنون بحران عظیم سرمایای جامعه ما را گرفته است.

اکنون همه در مقابل این سؤال فرار گرفته اند که سرانجام این بحران به کجا خواهد کشید؟ طبقات مختلف جامعه ایران هر یک مطابق با اهدافی که دنبال می کنند و بر حسب ما بهیت طبقاتی شان برای این سؤال پاسخهای مختلفی دارند. جناحهای مختلف بورژوازی چه

لیبرالها و چه حزبی ها هر یک راه حل بحران را در این می جویند که خودشان به تنهایی قدرت را به دست بگیرند و بهتر برگرده کارگران و زحمتکشان سوار شوند. آنها هر کدام قدرت بدون شریک میخواهند تا بهتر بتوانند با روشهای خاص خود توده های زحمتکش را به بند بکشند. از طرف دیگر بخشی از خرده بورژوازی نیز که حرکت سیاسی چشمگیری در سطح جامعه دارد، برای تحقق آمال و آرزو های خویش به قدرت سیاسی چشم دوخته و کسب آن را هدف قرار داده است. ولی چنین می بیند که با نزدیکی به جناحی از حاکمیت (لیبرالها) و حتی دنیا لروی از آنها قاراست به هدفهای خود برسد.

روشن است که هیچکدام از اینها قادر نیستند به بحران کنونی جامعه پاسخ انقلابی عرضه نمایند.

فقط یک راه حل انقلابی میتواند بحران جامعه را به نفع کارگران و زحمتکشان خاتمه دهد. اما اجرای این راه حل بدون شرکت طبقه کارگر با صف مستقل در مبارزه طبقاتی و بدون رهبری جنبش توسط طبقه کارگران امکان ندارد. اما طبقه کارگر هنوز نتوانسته است که بطور مستقل و با برنامه ای روشن در کاتکشن مبارزه طبقاتی حاضر شود. مستقل به این معنی که طبقه کارگر نتوانسته است خواسته های طبقاتی اش را از خواسته ها و شعارهای دیگر طبقات جدا و متمایز باز دارد و حزب طبقاتی خودش را داشته باشد و با تدوین برنامه، به این معنکه نتوانسته تصویر روشن و همه جانبه از شرایط اجتماعی موجود ارائه نموده و راه و چاه رسیدن به پیروزی را دقیقاً نشان دهد.

در چنین شرایطی ضرورت ایجاد یک حزب انقلابی کارگری (حزب کمونیست) که با تکر استقلال طبقاتی پرولتاریاست دوچندان میشود. منافع طبقه کارگر از منافع تمامی طبقات دیگر متمایز است و بهمین دلیل نبرده حزب سیاسی متمایز دیگر احزاب نیاز مند است. درست است که در مرحله کنونی یک سری از خواسته ها و هدفهای طبقه کارگر با اقشار میانی و پاشین خرده بورژوازی و دهقانان مشترک است اما هیچوقت نباید از یاد برد که این اشتراک خواسته ها و هدفها نمیتواند اندامی باشد. طبقه کارگر برای سوسیالیسم می جنگد، درحالیکه خرده بورژوازی خواهان نفی مالکیت خصوصی و سوسیالیسم نیست.

همین اختلاف منافع طبقاتی کارگران با دیگر اقشار جامعه است که احباب میکند طبقه کارگر و حزبی از آن خود، حزبی جدا و مستقل از احزاب دیگر، حزبی بیانگر منافع و آرمانهای طبقه کارگر داشته باشد، دیدگاهی که طبقه کارگر پای بدست، مبارزه طبقاتی انقلابی علیه سرما به داری و برقراری سوسیالیسم است. حزب طبقه کارگر آنگاه سازمان طبقه کارگر را به دست میآورد که بدون آن کسب پیروزی نهایی

حد قلم از دردی های سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در استان گیلان

کارگران و زحمتکشان ما رزکشان!
در شرایطی که مملو به اغیار کارگران و
زحمتکشان از بد فقر و گرسنگی و بی سولی سختی
مسوا بندگمزن و بچه های خود را سرکشد.
در شرایطی که مملو به اغیار مردم ما از
ایستادگی بر سر و سائل زندگی و چراک و سواک
محروم هستند.

در شرایطی که ماه حقوق کارگران زحمتک
می می گویند به نداشتن پول سوسله جمهوری
اسلامی و سرمایه داران بالا کشیده شود.
در شرایطی که

آری در همین شرایطی:
انضامی اسناد ابرمجمع دستور میدهد که مبلغ
هکمی اردیسترج کارگران و زحمتکشان را به
سردمداران جمهوری اسلامی برده اند.

خلیل داسانی، رئیس امور شهری و عمرانی
و عضو کمیته حزب جمهوری اسلامی گیلان از اسنادی
مبلغ ۴۰۰۰۰۰ تومان پول بدها مبرر مصلحت
روبروی اسنادی (حجت با واک سابق) را برای
ساختن خانه شخصی و یک وابستگان که پس از
۱۵۰ هزار تومان ارزش دارد بعنوان سبکس
در یافت میکند.

احوان، رئیس کل مالی اسنادی و رئیس
انجمن اسلامی و عضو فعال حزب جمهوری اسلامی
۴۰۰۰۰۰ تومان پول، یک خانه محل در کلسار،
دومانش (بورل و سکان) از جمهوری اسلامی
بعنوان پاداش دریافت کرده است.
حسینی مسئول سادسج سوخت رسانی
برای خرید یک خانه ۱/۵ مکتون نویسی مبلغ
به بانک عا دارا در کلسار مبلغ ۴۰۰۰۰۰ تومان
از اسنادی دریافت میکند.

سرکر آخوندی از مسئولین سادسج
سوخت رسانی که از زندگان اسامی سر میاند
سرار و روده رشت خانه ای به مبلغ ۸۰۰۰۰۰ —
تومان در کلسار را صاحب میکند. در همین مبلغ
۴۰۰۰۰۰ تومان از طرف اسنادی روه ۴۰۰۰۰۰ تومان
دیگر از طرف بانک اسان بعنوان دسج به
این معنور و مبرمج برده اند.
این است گونه های از دردی ها و حوا و لای
سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که خود را
عوا مغربانه ها می "مستغنی" می کنند.
نگ و غرت بر رژیم عوا مغرب سرمایه و نسیم!
سرمداران جمهوری دمکراتیک خلق!
رشدده سادسج دکمونسیم!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شکلات گیلان ۶۰/۳/۱۲



میشود، به طور آگاهانه به مبارزه طبقاتی رو
می آورد و از سازمانی آنرا سیر که حزب طبقه
کارگر یا حزب کمونیست است، بوجود می آورد.
■ حزب طبقه کارگر یا حزب کمونیست، عا لیتترین
تشکیلات کارگری و پیشوای سیاسی این طبقه
است. حزب کمونیست بیا نگر مافع و ساینده
واقعی کارگران و زحمتکشان بوده و از ارباب
قدرت سیاسی و همچنین حفظ و تحکیم است.
■ حزب طبقه کارگر سنا دجکی و دسبه متشکل
برولتا ریاست که با انضباط آهنین خود ساینگر
قدرت و ولایت برولتا ریاست بوده و فاداست بیا
سبح بوده های هر چه وسیعتر، فهر متشکل
بورژوازی را درهم شکسته و نظام نوین یعنی
سوسالیم را برقرار میاند.
■ حزب طبقه کارگر در این راه، سازمانهای
نوده ای کارگری (سندیکا ها، اتحادیه ها و ...)
را بر سر رهبری خود گرفته و از آنها بعنوان اهرمی
برای به حرکت درآوردن توده کارگران برای
سرنوشتی سرمایه داری اسفاده میبند.
■ آنچه که در مورد حزب طبقه کارگر اهمیت تعیین
کننده دارد، نه ا مونا بلوی آن بلکه عظمت
طبقاتی آنست.
■ در شرایط کنونی جامعه ایران ایجاد سناد
رزمده طبقه کارگر اهمیت فوری داشته و
وظیفه عاجل کمونسیم است که برای ایجاد این
حزب آستینها را بالا بزند.

به این سئوالات پاسخ دهید:

- ۱- موقعیت کارگران و مغربدار کارگانی که
بطور دستجمعی کار می کنند چه نفا و نفا می دارد.
- ۲- مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر را
تعریف کنید و ارتباط آنها را با یکدیگر مورد
بحث قرار دهید.
- ۳- سازمانهای توده ای کارگری چگونه بوجود
می آید و چه وظایفی را عهده میگیرد؟
- ۴- چرا طبقه کارگر تنها با نیروی خود قادر
نیست به سوسالیم دست یابد؟
- ۵- متخعات اصلی حزب طبقه کارگر کدامند؟
- ۶- رابطه حزب با سازمانهای توده ای چگونه باید باشد؟
- ۷- ضرورت ایجاد حزب کمونیست در شرایط
کنونی ایران از کجاست میبند؟

این منابع را بخوانید:

- ۱- لنین - چه باید کرد (بخصوص فصل دوم و سدهای الف و ب)
- ۲- اسنلین - مسائل سیمیم (جلد اول - فصل
هشتم - حزب)
- ۳- اسناد کمینترن - اتحادیه های کارگری
باید آشتند:
- ۱- اسناد کمینترن - اتحادیه های کارگری
- ۲- لنین: اتحادیه های کارگری
- ۳- لنین: چه باید کرد
- ۴- لنین: گرایش فهراتی در سوسال دمکراسی روسیه
- ۵- لنین: چه باید کرد
- ۶- اسنلین: در باره اصول سیمیم
- ۷- لنین: چه باید کرد.

ممکن نخواهد شد. بهمین دلیل است که میگوئیم
ایجاد حزب طبقه کارگر در شرایط کنونی جامعه
و طبقه فوری کمونیستها و کارگران پیشرو ایرانست.
نا گفته پیدا است که لزوم و فوریت ایجاد
حزب بیا بیا را به سوی سهر بندی کسردن
تشکیلاتی بنا م حزب سوق دهد. ما خواهان تابلوی
حزب نیستیم. ما حزبی میخواهیم که مجهز به
تئوری انقلابی باشد، ما حزبی میخواهیم که
پیشروترین کارگران و انقلابی ترین روشنفکران
را در خود جمع نموده و نه در حرف بلکه در عمل
پیشاهنگ توده ها باشد. ما حزبی میخواهیم بیا
و جدت اراده و عمل که در جنگ با بورژوازی چون
تنی واحد عمل کند. حزب راستین طبقه کارگر
چیزی نیست که با تصمیم گیری این یا آن گروه و
سازمان کمونیستی بتواند بوجود آید. چنین
حزبی در صورت تشکیل آن، راه نیافتاده سقط
خواهد شد. چنین حزبی توانایی مقابله با فهر
متشکل بورژوازی را نخواهد داشت.

پراکندگی و اختلاف نظری گروهها و
سازمانهای کمونیستی چنان نیست که بتوان
آنها را از دید گرفت و بدون حساب و کتاب و
عوامل دور هم جمع شد و با مطلق حزب کمونیست را
برپا داشت. در طی همین دسال گذشته تجربه
اینگونه دور هم جمع شدن با خوبی نشان داده
است که آن وحدتی که برپا به اصول روشن و دقیق
نشانده، دیری نخواهد پاید و به همان آسانی که
بدست می آید، از دست خواهد رفت. حزب طبقه
کارگر می بایست با پیوند با جنبش کارگری و در
درجه اول جلب آگاهترین و پیشروترین کارگران
به صفوف خود از یکطرف، و تدوین خط مشی و برنامه
عملی بر اساس تئوری انقلابی مارکسیسم -
لنینیسم و تمعیه صفوف خویش از طرف دیگر بوجود
آید. تنها چنین حزبی است که میتواند از کوران
مبارزات جاری که پیش روی ماست سربلند
بیرون آمده و با گردآوری توده های وسیع
زحمتکشان بگردی رجم خویش، در سیردی قطعی با
استثمار کارگران داخلی و خارجی قدرت سیاسی
را بدست گیرد. این است تنها راه نجات طبقه
کارگر و توده های زحمتکش ایران! این است
یگانه پاسخ انقلابی به بحران کنونی کشور!

۸- نتیجه گیری از آنچه گفته شد:

- موقعیت کاروندگی کارگران چنان است که
خود بخود آنها را بدنیال می آورد.
- سندیکا ها و اتحادیه های کارگری آنچنان
سازمانهای توده ای هستند که برای پاسخگویی
به نیازهای اقتصادی طبقه کارگر وجود می آید.
- این سازمانها اگرچه در تمام مراحل مبارزه
طبقه کارگر یکی از ابزارهای مهم است، لکن
قادر نیستند بیا را از محدود نظام سرمایه داری
بیرون بگذارند.
- طبقه کارگر با آگاهی و تجربه ای که در جریان
مبارزات خود بدست می آورد و یک آگاهی
سوسیالیستی که از بیرون وارد جنبش کارگری

(قسمت آخر)

لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

قانون بریدن دست دزد نمی شود و با ایران اسلامی اختلاس های میلیونی بنیاد مستضعفان و تجاری که طی یکسال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند و با تاجری که در یک معامله آهن، ۱۵۷ میلیون تومان سود برده و دولتی که بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار از بیت المال را به آمریکاییها بخشیده است از قانون بریدن دست دزد معاف می گردد. اینهاست که از طبقه ای بودن این قوانین که بشفیع سرما به داران و استثمارگران و به ضرر زحمتکشان وضع شده و واضح بیشتر سرما آشکار می شود.

در الحاق از سخنان "برادر مکتبی" حاسی دل آشوب گرفته ایم به سراغ صحنه های دیگر میرویم:

عربستان سعودی هم با طراوتی که برخی از قوانین اسلام منجمله همین بریدن دست دزد اجرا میشود، هیچکس جرأت دزدی پیدا نمیکند و تاجر، هنگام نماز، مغازه ها را، باز، رها میکنند و بر میگردند و به اموالشان هیچکس "تعدی و تجاوز" نمیکند. "برادر مکتبی" با لبخندی رضایت آمیز، "بخاری" هم به ما میدهد که الحمد لله ما هم داریم قدم در راه اجرای قوانین "ابدی و الهی" میگذاریم و بسا غرور و افتخار از روی روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۶۰/۳/۱۲ برایشان میخواند:

"دادگاه انقلاب اسلامی شهر فردی بنیام صیدا تلوار که میادرت به سرت یک کیسه بزرگ برنج، ۹ قوطی روغن و یک کیسه تابید و در رختشویی نموده بوده به قطع چهره را نگشت دست راست محکوم

ما تا کنون بارها نمونه هایی از مواد لایحه قانونی قصاص، عمق ماهیت ارتجاعی رژیم و توانین مصوبه آن و گنبدیگی منشأ تاریخی این قوانین را نشان داده ایم. در ادامه این سلسله مقالات، ضمن محکوم کردن تلاشهای مذبحخانه بهشتی و شرکا، برای توجیه این لایحه و حقنه کردن آن به توده های زحمتکش، صحنه هایی را ترسیم میکنیم که در صورت اجرای قوانین قصاص پدید میآید. با تصویر چنین صحنه هایی، کارگران و زحمتکشان ما بیش از پیش درک خواهند کرد که رژیم جمهوری اسلامی تا چه اندازه ریشه در توحش و بربریت دارد و تا چه حد وابسته به عقب مانده ترین اندیشه های جوامع ابتدائی بشری است. کارگران و زحمتکشان ما بیش از پیش خواهند فهمید که مبارزه با این رژیم بعنوان سبیل و نمونه اندیشه های ارتجاعی قرون وسطائی، تا چه حد حیاتی است. آنها عمیقاً پی خواهند برد که رژیم فداخلقی جمهوری اسلامی نه تنها دست آورده های قیام شکوهمند بهمن بلکه حقوق اولیه ای را که مدها سال است زحمتکشان با مبارزه ای خونین کسب کرده اند نیز بر پا گذاشته است و بهمین دلیل نباید حتی یکدم از افشا و محکوم کردن آن خودداری ورزید.

اکنون همراه ما این صحنه های چندش آور و فاجعه آفرین را تماشا کنید. ما از تکرار صحنه های حاصله از مواد که قبلاً مورد بحث قرار داده ایم خودداری نخواهیم کرد.

دیداری از "مدینه فاضله" آقایان خمینی و بهشتی!

فرض کنیم "جامعه اسلامی" مورد نظر آقای خمینی زیر پرچم ولایت فقیه برپا شده است و قوانین اصیل اسلامی "مثلاً همین لایحه قصاص" در آن به مورد اجرا گذاشته میشود. آنچه خواهیم دید "بهشت موعودی" است که در این دنیا وعده اش را میدهند. با سفر را می بینیم و به سوی آن شهر حرکت میکنیم البته آقایان خمینی و بهشتی به ما وعده میدهند که آن شهر چندان دور نیست بلکه قرار است همین شهر همین کشور خودمان باشد.

۱- به دروازه شهر میرسیم. با تعجب چشمان به دستی بریده میافتد که در کنار جاده ورودی شهر آویزان کرده اند. دستی است لاغر و پینه بسته و چین و چروکهای ناشی از رنج و کار روزندگی بر آن آشکار است. معلوم است که این را برای عیبت دیگران به تماشا گذاشته اند. ما از حیرت دست بردن نداریم. گرفته ایم که ناگهان "برادر مکتبی" معافاً برایشان حل میکند و توضیح میدهد که بر طبق قوانین "عادلانه و انسانی و سراسر رحم و شفقت" جامعه اسلامی، دست دزد باید بریده شود. "برادر مکتبی" به قرآن (سوره ۵ آیه ۳۸) اشاره میکند که گفته است (۱): "السا رق والسارق فاعطوا ابدنهما" (یعنی دزد را چه مرد باشد و چه زن، دستش را قطع کنید). "برادر مکتبی" برای آراستن هر چه بیشتر خراطیها مثال آورد که در



در گوشه یک میدان عده ای جمع شده اند و یک روحانی با قیافه خلقالی که گویا حاکم شرع شهر باشد هم حضور دارد. شخصی که نگاه ای از گوش او کند، شده با قیافه ای ظلمکارانه ایستاده و آمده است تا گوش شخصی دیگری را ببرد. حاکم شرع به ارشاد خود ادامه میدهد: "طبق ماده ۶۹ چاقورا نیز کن!" و ناگهان شخصی بایک سوهان سر میرسد گویا شغل او چاقو تیز کردن برای همین کارهاست. چاقو که تیز شد حاکم شرع باز را با س همان ماده ۶۹ توجیه میکند که "درست باندازه ای که گوش ترا بریده با بدببری نه بیشتر، نه کمتر! از عدالت نباید خارج بشوی" (۱). و گوش طرف بریده میشود! حالا از برکت این قانون بجای یکی، دو آدم گوش بریده دیده ایم!

کرد...!"
برادر مکتبی اضافه میکند که الحمد لله قوانین اسلامی در چند شهر دیگر منجمله کرمان تا کنون چند بار اجرا گردیده است. اما در حالیکه او بسک خطبه های نماز جمعه و گویندگان رادیو تلویزیون برای ماداد سخن میدهد، ما بیادین میافتیم که چگونه در عربستان سعودی، زکی یمنی ها و بانکداران و تاجران، مشمول (۱) - حدسرت هنوز در بخش هایی از لایحه که تقدیم مجلس شده وجود ندارد و دولتی بدون شک آنرا که از اهمیت خاصی برخوردار است پس از ما عدتر شدن جوساسی موجود (۲) تقدیم مجلس خواهند کرد. این قانون عملاً در کرمان و چند شهر دیگر اجرا شده است.

بیشتر به عمق ارتجاعی این قوانین و طبقاتی که آنرا ساخته و اجرا میکنند پی میبریم:

در گوشه ای از یک خیابان عده ای فالانتر و حزب الهی جمع شده اند و فریاد میزنند: "توهین کرده، دشنام داده...". جلومیرسیم، معلوم میشود یک کارگر چمنکش با یک سرمایه دار اختلاف حساب پیدا کرده بوده و سرمایه دار و فکسی همه حیلله هایش برای چا پیدن آن کارگر را نشی نرسیده به "حدش پیغمبر" قسم خورده است و کارگر از غرظ نا راحتی به خدا دشنام داده است و حالا می خواهد بر اساس ماده ۲۴ لایحه قصاص ۱۰، را بخاطر همین دشنام دادن به پیغمبر بکشد!

اینها را "سرارمکنی" بر اساس توضیح منداد و مافروده که اس فرد شرعاً قبل از واجب است و کسی او را بکشد اعلای گناهی ندارد. آنوقت برای آنکه ما را از "تعجب و حیرت" بیرون بیاورد ماده مزبور را بر اساس می خواند:

"ماده ۲۴- قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن باشد پس اگر مسحق قتل باشد، مانند کسی که به بیابا میراکرم (ص) یا ائمه اطهار (ع) یا حضرت زهرا (ع) دشنام دهد... قصاص قاتل حارث نیست"، (یعنی سبی - توان قاتل را کشتن قصاص کرد!)

"سرارمکنی" درحالی که در "اثبات مترقی بودن" و "تشریف و نه عری بودن" اس فاسون برای ماداد سخن میداد و ما را "راشد" میکرد به بکتد بگری از همین ماده ۲۴ برانرا نه نمود و آنرا بیکه اگر کسی، مردی را در حال زنا با زن خود ببیند میتواند هر دوی آنها را بکشد و از محاربات هم معاف باشد. برادر مکنی برای آنکه ما را بد تعجب نکشیم و ما را بتدریج با "حقایق" آشنا سازد اضافه کرد که "البته شخص قاتل باید بعداً در دادگاه ثابت کند که آنها واقعاً در حال زنا بوده اند" ولی ما که به حرفهای او گوش میکردیم بر اساس این سوال باقی ماند که "آیا اگر او نتوانست زنا کاری آن دو نفر را ثابت کند، آیا قاضی میتواند آن دو نفر را دوباره زنده کند؟" ولی نمره ماده ۲۴ که به ما نشان داده شد قانع ندیم که اینها همه "قانونی است و شرعی!"

صفحه در صفحه ۲۲

دورانی که در برابر "جرم" بطور فردی استقام گرفته میشده و مناسبات تولیدی و اجتماعی مراحل تکامل و پیچیدگی خود را طی نکرده بوده تا وقوع جرم در چهارچوب مناسبات اجتماعی (و نه فردی) مورد بررسی قرار گیرد. اگرخواهیم قضیه را با منالنی ساده کنیم، میتوان گفت که بدیده استقام گیری بین دو فرد، حکم تاج بشاخ شدن دو حیوان را داشته است. بنشین قهرقوانین متروکه قرون وسطائی و تلاش رژیم برای پیاده کردن آن در جامعه انقلابی ما، تنها حکایت از عقب ماندگی مغرط و ارتجاعی بودن رژیمی دارد که امروز با تکیه بر تاکتیکهای توده ها قصد سرکوب مبارزات کارگران و رحمتکشان و

● مایه یاد این میافتیم که چگونه در عربستان سعودی، زکی یمانی ها و بانکداران و تجار مشمول قانون بریدن دست دزد نمی شوند و یاد ایران اسلامی اختلافات های ملیونسی بنیاد مستضعفان و تجاری که طی یکسال گذشته ۱۲۰ ملیارد تومان سو دبرده اند و بیابا تاجری که در یک معامله آهن ۱۵۷ ملیون تومان سو دبرده و دولتی که بیش از ۲۰ ملیارد دلار از بیت المال را به امریکائیها بخشیده است از قانون بریدن دست دزد معاف میگردد. اینجاست که راز طبقاتی بودن این قوانین که بنفع سرمایه داران و استثمارگران و به ضرر رحمتکشان وضع شده با وضوح بیشتر بر ما آشکار می شود.

● بنشین قهرقوانین متروکه قرون وسطائی و تلاش رژیم برای پیاده کردن آن در جامعه انقلابی ما، تنها حکایت از عقب ماندگی مغرط و ارتجاعی بودن رژیمی دارد که امروز با تکیه بر تاکتیکهای توده ها قصد سرکوب مبارزات کارگران و رحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و مترقی دارد. نقش این قوانین، همانند گذشته، خدمت به طبقات استثمارگر و توتنگ تر کردن حلقه زنجیر برد ستبای رحمتکشان و نصب شمیرد موکلس بر بالای سر آنان است.

نیروهای کمونیستی و انقلابی و مترقی دارد. بنشین این قوانین، همانند گذشته، خدمت به طبقات استثمارگر و توتنگ تر کردن حلقه زنجیر برد ستبای رحمتکشان و نصب شمیرد موکلس بر بالای سر آنان است.

ما در این فکرها بودیم ولی "سرارمکنی" به حرفهای خود ادامه میداد که "در آینده نزدیک ما بعد از قابل بوجهی افراد بدینی بر سرده، دندان شکسته و غیره خواهیم داشت که همگی به دستور کار کم ترع حکم قصاص در باره شان اجرا شده است تا عبرت سایرین گردند!"

ما از زشتی و شناعة این قوانین و از صحنه های قضاوی و جلادی که در نتیجه اجرای آنها پدید میاید، کینه های عمیق و انقلابی علیه ارتجاع و طبقات مدخلقی در خود احساس میکنیم این طبقات با این گونه قوانین دست آفتاب به - دزد ها و "مجرمین" عادی را که خود از قربانیان جامعه طبقاتی هستند قطع میکنند با اصطلاح محازات میمانند و در مقابل، خود و تنهائی از "برکت" این قوانین، در این دنیا از "نعمات الهی" برخوردار میگردند بلکه با اصطلاح "حیرات و میرات" و "واقف و باقیات الصالحات" و "سماز و روز و وحی که پس از مرگشان برای آنها خریده میشود" از "برکت" کبرهای گرانقیمت خود در "ماکن مقدسه"، بهشت، آن دنیا را هم نصیب خویش میگردانند! از این صحنه میگردیم و حال لب اینک به صحنه ای را که پشت سرمیگذازم، رسم،

حیرت زده از این جا دور میشویم. جماعتی دیگر در گوشه یک پیا ده رود دیده میشود، به تماشا میرویم پیر مردی آبله رو که یک چشم بیشتر ندارد افسرده در میان جمعیت ایستاده است و به حکم حاکم شرع، میخوابد و چشم دیگرش را نیز کور کنند. "سرادری مکنی" را پیدا میکنیم و با نا را حتی از اومی برسیم چه خبر است و او با شور و خوارت و درحالی که با دست محاسن خویش را لمس میکند برای ما توضیح میدهد:

طبق ماده ۷۰ لایحه قصاص "هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند قصاص میشود اگر چه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و قصاص با سینه شود" و

می افزاید که این شخص اگر چه بیش از یک چشم ندارد ولی چون طی یک دعوا بر سر آب مزرعه موجب کور شدن چشم همسایه اش شده باید جنتش را کور کرد و در همین حیص و بیصی مامادی فریاد میبرد مرد را میشتویم. جلومیرسیم دارند تنها چشمش را با جاقواز حقه بیرون میآورند. صحنه ای دلخراش است، ولی جماعت ایستاده تکبیر می - گویند. پیر مرد ارشد در دزدان حال میروند. او را از روی محبت (البته بیما رستان میرساند تا از خورسریزی بیشتر جلوگیری شود) به این ترتیب پیر مرد گرزنده میماند تا آخر عمر کور خواهد بود!

"سرارمکنی"، برای ما و مردمی که با تنغروا سرچا را هد محنه بوده اند توضیح میدهد که اجرای "عدالت" چنین حکمی نمابود و اضافه میکند که این در واقع حکم قرآن است و با بدی که به عیب انداخته برای ما آیه ۴۵ از سوره مائده را می خواند:

"وکنسنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعين والانف بالانف والاذن بالاذن والسن بالسن والحرج بقاص"

(یعنی واجب کردیم بر آنان که جان را در برابر جان، چشم را در برابر چشم، بینی را در برابر بینی و گوش را در برابر گوش و دندان را در برابر دندان قصاص کنند، همینطور چه در برابر برزخ) متنا پیدایش اینگونه قوانین، بخوبی تر ما آشکار بود. آنها متعلق به دوران ابتدائی تاریخ بشر و سبزه شیوه زندگی قبیله ای است.



جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۹ حزب خائن...

ارسوی دیگر دولت را "فاقدا مکان افزایش دستمزدها بصورت یولی" جلوه میدهند. سیاست دیگر گفته "توده ایها" اگر چه زندگی کارگران با این میزان دستمزد غیر قابل تحمل است. و سرتنها میبایست آنرا تحمل نمایند!

اما بنیسم در این لفاظی ها چه هدفی فرار دارد؟ واقعیت این است که روبرو نیست. های که به کار بسته ای به "لطف" سالها خیانت به مصالح طبقه کارگر، در بافته اند که چگونه در این حملات دوپهلوی، منافع بورژوازی را با سیاست نمایند. آنها در شرایطی که بر اثر افزایش رورافرون قیمتها، غیر قابل تحمل شدن زندگی کارگران و زمینکنان با پوست و گوشت خود لیس میکنند، به تکرار ساده این واقعیت میپردازند تا تحت پوشش آن بلافاصله هدف اصلی شان را که جبری جز رعیت کارگران به سن دادن به شرایط موجود و دم بر سر آوردن در مقابل سرمایه استثمار بورژوازی نیست، تبلیغ نمایند. آنچه را هم که بعنوان "دلیل" ذکر میکنند عینا همان "دلایل" رژیم است. یعنی وضعیت اقتصاد بحران رده جامعه که در اثر جنگ شدید گشته است. در صورتیکه مداخله بحران اقتصادی جامعه در این مورد مربوط میشود که دیدگی سیستم سرمایه داری وابسته، یعنی همان سیستمی که رژیم جمهوری اسلامی در دستشیت و حکیم آن است. بنابراین بحران موجود در راه حل دارد که اولی راه حل انقلابی است و منجر به نابودی سیستم و حاکمیت کارگران و زمینکنان میشود و دومی راه حل مداخلاتی که موجب رکود انقلاب برای مدتی و تحمل فقر و فلاکت بیشتر میگردد کارگران و زمینکنان میگردد و این همان راه حلی است که رژیم جمهوری اسلامی، روبرو نیستیهای خائن و تمامی نیروهای مداخلاتی در پی آنند تا هر یک بسود خود بیهوده خود آنرا در پیش گیرند.

روبرو نیستیهای توده ای همدا با رژیم در شرایطی دم آزی یولی دولت میزنند که طبق گفته مهندس ساجی، در سال گذشته بحران ایران بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند! و مصالح هنگفتی صرف خرید سلاح، کمک به روحانیون "برای تبلیغ و عوام فریبی و گردیده است. روبرو نیستیهای توده ای از بالا بردن قدرت خرید کارگران از طریق "فروش کالا" های اساسی به کارگران و زمینکنان جدا از طریق سواستی های مصرف کارگری، چه فروشنده های

■ نامه مردم ۱۰ خرداد ۱۳۶۰ - تاکیدهای دوخطی از "پیکار" و یک خطی از "مردم" است.

دولتی، سواستی و حتی خرده فروشیها" صحبت مینمایند، در صورتیکه با توجه به هدف رژیم ار تثبیت دستمزدها، یعنی انتقال هر چه بیشتر فشار بحران بر دوش کارگران و زمینکنان، روشن است که دولت به نحو هدونه میتواند که سطح زندگی و معیشت کارگران را از طریق فروش ارزان کالاهای مورد نیازشان، تامین نماید. سیاست دیگری با توجه آنکه کارگران دستمزدشان را صرف خرید ما بحتا ز زندگی شان مینمایند چه دستمزدشان افزایش یابد و چه کالاهای مورد نیازشان به قیمت نازل در اختیارشان قرار گیرد، نتیجه یکی است و آنهم عدم پیش از پیش سطح زندگی شان. سیاست کارگران (بسیار از افزایش دستمزدها (که با توجه به عدم نورم لزوماً بمعنی افزایش سطح زندگی کارگران نیست) را نمیکرد، اقدام به فروش کالای ارزان به کارگران نبرخواهد کرد. (در صورتیکه اگر همه به منظور فریب کارگران به چنین اقداماتی دست برند، سیاست محدود و نامحسوس خواهد بود که اینک کتا کنون سواستیهای کارگری عملاً چنین کرده اند) این نکته را روبرو نیستیهای توده ای نیز به حوس میداند. منتهی برای مخدوش کردن علت واقعی عدم افزایش دستمزدها ارسوی رژیم از یکسو وجود راحی کارگران و زمینکنان شان دادن ارسوی دیگر، دست به لفاظی و عوام فریبی میزنند.

خائنین بوده ای در همین سوسه خود سوسه روستی شان میدهند که با هدف سرمایه داران، یعنی استثمار هر چه بیشتر کارگران، با رژیم حاکم موافق دارند. آنها می نویسند:

"اصل پرداخت دستمزد با بنیسمی بر کار با شونده خوش آیند است تا آن ارکان، برای تشویق کارگران به رعایت انضاط کار، وسائل تنویدی دیگری وجود دارد که مایند از آنها کمک گرفت."

بدین ترتیب روبرو نیستیهای توده ای، دولت را "راه نمائی" میکند که برای استثمار هر چه بیشتر کارگران و وادار کردن آنها (تسویق) به "رعایت انضاط کار" (در واقع سن دادن به نظم سرمایه داران)، دستمزد را "ممنوعی سرکار" کارگران پرداخت نماید. یعنی هر چه کارگر بیشتر کار کرد و سود کلان سرتی به حسب سرمایه داران ریخت، برای دلخوش کردنش نوکران بیشتر سرمایه، رسماً و عملاً دولت سرمایه - داری را به تکرار داشتن شیوه وحشیانه استثمار کارمزدی (حال تحت هر آب و رنگی که باشد)، ترغیب مینمایند، شیوه ای که منجر به دادن زدن رقابت مابین کارگران و در نتیجه رسیدن رفعت اتحادشان میگردد، شیوه ای که در اثر مهارت طبعه کارگران ایران در بسیاری از مناطق صنعتی ریشه کن گشته است. آری، این است جلوه ای دیگر

از شمار ماهیت ارتجاعی روبرو نیستیهای خائن! امروز روبرو نیستیهای توده ای به همراه با روبرو نیستیهای خائن در شرایطی بسیار رژیم جمهوری اسلامی بر میخیزند، که تشدید بحران اقتصادی و سیاسی جامعه، توده ها را روبرو روبرو بیشتر به رویا روستی با رژیم حاکم و مداخلاتش میکشاند. از همین روست که ما شاهد گسترش شغری کارگران و زمینکنان از این سوکران سرمایه هستیم، شغری که هنگامیکه به طبعان انقلابی تبدیل شده، بساط این خائنین را به همراه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی درهم خواهد کوبید.

اخبار کوتاه

■ در خرداد ماه کارگران رورمزد فملسی دور آه پیکاریکالی دوسال کار (هوزیه استخدا رسمی در سبامده) حکم اخراج میگیرند. (ضمیمه پیکار و فولادگر شمار ۹۰)

■ بعد از یک ماه مقاومت و مبارزه کارگران مبارز کارخانه می می کو (در گیلان) جهت دریافت چهار ماه حقوق عقب افتاده، مدیریت مل مزدو ر کارخانه در تاریخ ۹/۳/۶۰ تن از کارگران مبارز را اخراج مینماید.

■ هم اکنون در کارخانه پوشش بخشای از طرف مدیریت مل مزدو رسا در شده است که اگر کارگری یک روز غیبت کند، سه روز حقوقش را سوا هم داد و یا ۲ روز غیبت کند، هفت روز حقوق او را سوا هم پرداخت و یا اگر سه روز غیبت کند آنها را کارخانه اخراج خواهد کرد. (پیکار ساج شماره ۲)

■ جمعه کاری و اضافه کاری کارگران شهرداری اها و از قطع شده و در آتیه به علاوه نصف کاهش یافته است. (اعلامیه تشکلات خورستان سارمان)

■ طبق بخشای در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ارسوی "فیضی" شهردار حزبی مشهد، تاکید شده است که فوق العاده، اما فکاری، شکاری تعطیلات رسمی، جمعه کاری، هزینه ها روستا و... کارگران شهرداری، از تاریخ صدور بخشا م قطع میگردد. (هواداران سارمان - پیکار - خراسان)

■ یکماه از دستگیری کارگران مبارز سدر خمینی میگذرد، کارگران بین از ۲۰ روزا حازه ملاقات با اقوام درجه یک خود را پیدا میکنند.

■ بعد از ریختن اعلامیه "تیمار کمیته ما زندان سازمان" در بین کارگران معدنچی زیر آب و حمایت کارگران از آن، رژیم هراسان از نفوذ سازمان در بین کارگران، تمام مسیجی های زیر آب را با خطر اینکه نتوانسته اند بیخ کنندگان اعلامیه را دستگیر نمایند، تنبیل وسی عرضه خوانده و آنها را به پیل سفید منتقل کرده و مسیجیهای بل سفید را به سرتاب می آورد. هم اکنون زیر آب

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

جنبش
کارگری

بقیه از صفحه ۱۹

روز ۶۰/۳/۲ برای رسیدن به خواسته‌های منفی خود نظیر پرداخت کامل حقوق و مزایا، هزینه درمانی کارگران حادثه دیده، تهیه وسیله نقلیه برای انتقال معذورین، ایجاد اماکن بهداشتی و ... دست به اعتصاب میزنند. این اعتصاب فردای آنروز با تسلیم کارفرما به اغلب خواسته‌های کارگران و حول رسیدگی به بقیه آنها، به پایان می‌رسد. (پیکار خلیج شماره ۴ - هواداران بندرعباس)

شدیدا تحت کنترل پاسداران و بسیج می‌باشد.
■ کارگران شرکت کشتیرانی داکمن که در شرایط دشواری روزی ۱۰ ساعت کار می‌کنند،

آیا "حکومت نظامی" غیر از این است؟!

دعوی "بسیج" هنگام گشت شبانه دریا خچی - آباد تهران بگمان تیراندازی بسوی یک کومنیست، بسوی یک عضو یگرت بسیج - شلیک کرده و او را کشتند.

رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با فعالیت‌های نیروهای کمونیست و انقلابی به هرکاری دست می‌زند. ما در گذشته و در شرایطی که بیکار و گرسنه‌های از توطئه‌ها و روش‌های سرکوب - کرانه ارتجاع حاکم را بر علیه کمونیست‌ها و انقلابیون دمکرات افشا کرده و از جمله نوشته - ایم که یکی از روش‌های رژیم در سرکوب نیرو - های انقلابی، گماردن پاسداران و اعضای "بسیج" در محلات مختلف و بی‌وزنه در مناطق مسکونی زحمتکشان جهت تعقیب، دستگیری و گزارش فعالیت‌های کمونیست‌ها و انقلابیون می - باشد. اتفاقی که چند شب پیش در باغی آباد (یکی از محلات زحمتکش نشین جنوب تهران) رخ داد، توطئه رژیم در مورد تعقیب شبانه انقلابیون را برملا کرد. طبق گزارش "انقلاب اسلامی" یکشنبه ۱۷ خرداد ۶۰ (در جریان گشت شبانه در باغی آباد دوشنبه از اعضای "بسیج" (منطقه ۶) بسوی توریج‌ها شلیک شد) (۱۵ ساله و عضو "بسیج") شلیک کرده و او را به قتل می‌رسانند. این روزنامه از قبول افسرکلانتری می‌نویسد:

"رحمت‌الله محبی یکی از اعضای بسیج اظهار داشته است که من و دوستانم زاده با تفاق سعیدتقی زاده، حسین ملکی در آنجا، شب هم پست بودیم. من و سعیدتقی زاده به مقتول ایستادیم اما چون او منطقه مورد ما موریت ما آمده بود و فکر می‌کردیم که او جیبی باشد با اسلحه، ام یک یک تیر به او شلیک کردم و توریج در فاصله ۳ متری ما قرار داشت. محبی اضافه کرده است که ما زاده عضو دیگر بسیج نیز در این هنگام با اسلحه ۳ تیر دیگری به او شلیک کرد." (تاکید از ما است)

آری! رژیم جمهوری اسلامی با گماردن پاسداران سرمایه‌های مسلح "بسیج" (وابسته به سپاه پاسداران) و دیگر نیروهای نظامی سرکوبگر در محلات مختلف و بی‌وزنه در مناطق مسکونی زحمتکشان و دادن اجازه شلیک با آنان، نوعی "حکومت نظامی" شبانه ایجاد کرده است. سردمداران حزب حاکم که از تصور آگاه شدن زحمتکشان که در اثر فعالیت‌های خستگی ناپذیر کمونیست‌ها و دیگر انقلابیون بیش از پیش، به اهمیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی پی می‌برند، مناطق مسکونی توده‌های

باهمه قوا توطئه اخراج کارگران مجتمع فولاد را افشاء نمائیم!

کارگران، زحمتکشان، نیروهای انقلابی!

همچنانکه اطلاع داریم، رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای ضد کارگری و ارتجاعی خویش، اخیراً موضوع اخراج کارگران مجتمع فولاد اهواز را در دستور کار خویش قرار داده است. بی شک این عمل نیز نمونه‌ای از حرکت‌های ضد کارگری و وسیع رژیم است که بنا بر ماهیت سرمایه دارانه‌اش صورت می‌پذیرد. و بی شک کارگران انقلابی مجتمع فولاد، در مقابل این توطئه بیکار نخواهند نشست. چرا که کارگران مبارز فولاد در جریان پماده کردن این طرح از طرف رژیم کم و بیش دریافتند که: بیکاری چندین هزار کارگر و بهم خوردن وضع معیشت آنها و خانواده‌شان مرکز برای سرمایه داران مسئله‌ای نیست، و کارگران خود باید بفکر خویش باشند.

دریافته‌اند که: اگر تیمها و توده‌های خائن جز کاسه لیمی در آستان سرمایه داران و کم -

به رژیم در اجرای این طرح ضد کارگری کاری نمی‌کنند.

به همین دلیل است که باید با همه نیرو:

به افشای توطئه ضد کارگری جدید رژیم در میان توده وسیع کارگران و زحمتکشان پرداخت.

خائنین اکثریتی و توده‌های را افشاء و طرد نمود.

با همه نیرو از مبارزه کارگران انقلابی مجتمع فولاد پشتیبانی کرد.

پسران مبارزات کارگران مجتمع فولاد اهواز!

هر چه رسواتر باد توطئه‌های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دیکراتیک خلق!

سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار — تشکیلات خوزستان

۶۰/۳/۱۰

حزب جمهوری اسلامی در تعقیب، دستگیری و کشتار انقلابیون پرداخته و به کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی دیگر هتاهل می‌دهد که بدون لحظه‌ای درنگ و تزلزل در انجام فعالیت‌های انقلابی و آگاه‌سازی خود را به مبارزه برای زبانه‌ای زبانه‌ای خشن کردن چنین توطئه‌ها و دام‌های شکارگر را همان فرا دارد، بیش از پیش در جهت پیوند با زحمتکشان و پاشیدن بذار انقلاب و آگاهی در میان آنها برای سرخ انقلاب ادامه دهند و چنین نیز خواهند.



زحمتکش را مسلحانه کنترل می‌کنند و بدنبال انجام این ما موریت پلیسی است که یک عضو بسیج بگمان اینکه یک "جیبی" به منطقه مورد "ما موریت" آمده! بطرف وی شلیک کرده و دوست دیگرش با ۳۱ و او را همراهی می‌کنند و لسی این با رتبه‌شان به جای یک کمونیست، همکار سرکوبگر خود آنها که با وجود سن کم در اثر آگاهی و تبلیغات مسموم ارتجاع به خدمت رژیم در آمده بود، را میکشد. وقوع این حادثه برده از توطئه‌های شبانه

اهداف سرکوبگرانه رژیم از ایجاد "بنیاد امور جنگزدگان"

ایدئولوژیک - سیاسی - نظامی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی - فرهنگی - سیاسی - مالی و روابط عمومی و ... میباید که هر یک بنام "سناد" مشغول کار باشد. "سناد فرهنگی بنیاد جنگزدگان" وظیفه کنترل و جلوگیری از رشد مبارزات جنگزدگان و ایجاد کانونهای حاشیوی و تفرقه بیندازند. جنگزدگان از طریق تشکیل کلاسهای حاشیوی، گلدوزی آموزشی و کتب خاصه را بر عهده دارد. بخشی دیگر از فعالیتها این "سناد"، نمایندگی فیلمهای ارتجاعی است. "سناد فرهنگی" ارتباطات گوناگونی با "بنیاد فرهنگی امام" دارد و مبلغ فرهنگ ارتجاعی و خرافاتی بوده و سرودهای ارتجاعی "مکتبی" را تهیه میکند. گردانندگان این "سناد" به اعتراف خود کربیم سرپرست این سناد در روزنامه "حمی" شماره ۳۵۷ تاریخ ۶۰/۳/۶۰ درج شده است یا ساداران چهل و سرما به و مرتجعین آموزش و پرورش میباید که اردوهای تابستانی ۱۵ روزه را قبیل اردوهای علمی، ورزشی و کلاسی

ایدئولوژیک - سیاسی - نظامی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی - فرهنگی - سیاسی - مالی و روابط عمومی و ... میباید که هر یک بنام "سناد" مشغول کار باشد. "سناد فرهنگی بنیاد جنگزدگان" وظیفه کنترل و جلوگیری از رشد مبارزات جنگزدگان و ایجاد کانونهای حاشیوی و تفرقه بیندازند. جنگزدگان از طریق تشکیل کلاسهای حاشیوی، گلدوزی آموزشی و کتب خاصه را بر عهده دارد. بخشی دیگر از فعالیتها این "سناد"، نمایندگی فیلمهای ارتجاعی است. "سناد فرهنگی" ارتباطات گوناگونی با "بنیاد فرهنگی امام" دارد و مبلغ فرهنگ ارتجاعی و خرافاتی بوده و سرودهای ارتجاعی "مکتبی" را تهیه میکند. گردانندگان این "سناد" به اعتراف خود کربیم سرپرست این سناد در روزنامه "حمی" شماره ۳۵۷ تاریخ ۶۰/۳/۶۰ درج شده است یا ساداران چهل و سرما به و مرتجعین آموزش و پرورش میباید که اردوهای تابستانی ۱۵ روزه را قبیل اردوهای علمی، ورزشی و کلاسی

نقل با اختصار از خبرنامه محلی بیکار (۶)
تشکیلات شش روزه سازمان

درآمدهای "موقوفات" بکجا میرود؟

با مراجعه "گزارش موقوفات آستان قدس رضوی" (۱۱ مهر ۵۸) روشن میشود که فقط در آن سال ارجل درآمدهای این موقوفات ۵۲۹۹۱۰۰۰ ریال بعنوان "کمک نقدی" در اختیار کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی (۱) و با ساداران "قرار گرفته است (رجوع شود به افشاگرهای بیکار و علیه حزب جمهوری اسلامی در جریان انتخابات ریاست جمهوری).

آری درآمد هفتگی که از طریق استخبار

سال ۵۸	سال ۵۹	سال ۱۳۶۰
۲۳۰۰۵۶۰۰۰	۴۳۵۰۰۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰۰۰۰
۱۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

اسلامی - ۶۰/۲/۲۲

جمهوری اسلامی را بر سر مسئولان برای تحمیل نموده، سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیستی و تبلیغات ارتجاعی این حزب مصرف شود.

حزب ارتجاعی حاکم که این چنین از صندوق دولت و درآمد موقوفات در جهت انجام فعالیتها و صدامتلاشی‌ها، دسترس حاصل را از ساداران جنگزدگان را در اختیار خود میگیرد. سترما به از نیروهای کمونیستی و انقلابی که سترما به

اما در سده سال ۶۰، با کمی زیاده‌تفاوت دولت درآمدی از طریق موقوفات ندارد بلکه به این سازمان پرداخت مدو عربین و طویل "کمک" هم میکند. در "اعتبارات دستکها" متوسط به سده ۶۰ آمده است: (جدول زیر)
در جدول سده، میزان درآمد "اوقاف" ذکر شده ولی روشن است که از صندوق دولت حداقل ده میلیون تومان بعنوان "حیران کسر درآمد موقوفات" به سازمان اوقاف کمک خواهد شد.

سازمان حج و زیارت	سازمان اوقاف	سازمان اوقاف - حیران کسر درآمد موقوفات عام (کمک)
۲۳۰۰۵۶۰۰۰	۴۳۵۰۰۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰۰۰۰
۱۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

سازمان حج و زیارت
سازمان اوقاف
سازمان اوقاف - حیران کسر درآمد موقوفات عام (کمک)
سازمان حج و زیارت
سازمان اوقاف
سازمان اوقاف - حیران کسر درآمد موقوفات عام (کمک)
سازمان حج و زیارت
سازمان اوقاف
سازمان اوقاف - حیران کسر درآمد موقوفات عام (کمک)

بنیاد از صفحه ۶ توطئه‌های ...

در هم تکیسته خواهد شد.
انقلابیون و کمونیست‌های ایران در سبک‌های ساواک و "کمیته رژیم شاه" جلاد با بیداریهای حماسه آمیزین، نتوان داد که در راه‌های زحمتکشان و بی‌سوزی انقلاب هرگز برای بخوابند و دست از دلاوریهای قهرمانانه انقلابیون راستین میهن در طول حاکمیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و در برابر توطئه‌های گوناگون رژیم و مزدورانش سرکوبی عهد و پیمانی است که کمونیستها و رهروان راه‌های زحمتکشان در ادامه راه سرح انقلاب انتخاب کرده‌اند و در این راه از هیچ جاسوسی دریغ نخواهند کرد.

کمکهای پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی

نام و نام خانوادگی	مبلغ	نام و نام خانوادگی	مبلغ
آرش - ف	۲۰۰۰	سیریز	۶۰۰۰
اکندر	۲۰۰۰	زندانسان سیاسی هوادار	۱۶۰۰۰
اکبر	۳۰۰۰	تهران	
اکسیر ۱۹۱۷	۲۰۰۰۰	الف	۳۹۰۰
ب - کارگر	۲۱۲۰	ب	۱۰۰۰۰
ب - ک	۵۰۰	ب - آرام - ع	۵۰۰۰
جواد	۲۰۰	بدون کد	۱۰۰۰
حسن	۵۰۰	پ - و	۱۱۰۰
حیدر	۵۰۰	تسلیمات	۵۰۰۰
دودگوشواره	۲۰۰	بورج	۲۹۰۰۰
رضا	۲۰۰	ج	۷۰۰۰
غلامرضا	۱۰۰	جمع با یکجا	۲۲۵۰۰
فرهاد	۱۰۰	جمع تشکیل دهندگان	۲۰۰۰۰
ک	۱۱۲۰	کانون خانواده‌های زندانیان	۹۱۰۰
م - قارا	۳۰۰۰	سیاسی و نهاد	۱۶۰۰۰
مبا	۲۰۰۰	ج - ب	۳۰۰۰
م	۱۱۰۱۰	خانواده - ش - الف هفتگی	۱۰۰۰
معلم	۱۶۰۰	حزب و حزب	۱۰۰۰۰
میان دو آب		د - ع	۲۵۰۰
الف	۱۰۰۰۰	رحیمی	۱۰۰۰۰
ب	۱۱۰۰۰	ر - م	۵۰۰
ب	۱۲۶۰۰	ر - م	۱۰۰۰
ج	۱۰۰۰۰	س	۸۱۰۰
ر	۸۷۰۰	سازمان - ر	۵۰۰۰
ر	۱۱۲۰۰	سید - استاد	۱۰۰۰
س	۱۰۰۰۰	س - ک	۵۰۰
س	۱۰۵۰۰	س	۲۰۰۰
س	۱۰۸۰۰	ع - قهار	۱۰۰۰۰
س	۹۸۰۰	ع	۱۲۷۱۰
س	۱۰۶۰۰	ف - بیرون	۵۰۰
ع	۸۹۰۰	ف - د	۱۰۰۰
ع	۱۲۲۰۰	ف	۱۰۰۰۰
م - کارگر	۵۰۰	فزون - س	۲۲۰۰
م	۶۳۰۰	نیربزی اولدوز	۲۷۰۰
م	۱۲۲۰۰	کارگران گوریزخانه	۲۰۰۰
		کانون آباد	۲۰۰۰
		کارگران مبارزادین	۱۳۰۰۰
		تلبویزبون	۵۰۰۰
		کاف راننده	۱۱۰۰۰
		کاکا	۸۱۲۰
		کوج	۳۵۰۰
		ک	۱۱۰۰۰
		کسین	۲۲۰۰۰
		کودوز	۲۸۴۰
		۲ خراج کاری	۳۰۰۰
		م	۷۰۰۰
		م	۷۰۰۰

بنیاد از صفحه ۶

رویزیونیم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رویزیونیستهای اکثریت، مزد نوکریشان را چگونه میگیرند؟! *

● با وجود دیورگی و نوکری خائنین اکثریت در آستان بورژوازی، رژیم جمهوری اسلامی با اعدام چند تن از هواداران "اکثریت"، نشان داده است که همیشه در مقابل نوکرانش نمش نشان نمیدهد و ندامت آنان را پذیرا نیست. اما گوشخیزانیت پیشگان به این حرفها بد هکار نیست!

و با طرح منافع طبقاتی ارتجاعی شان و نیز در پی خدمت به سوسال امپریالیستهای روس و گسترش نفوذشان در ایران ما، مهت رژیم را برای سده ها و ارویه جلوه داده و چنین اعدا مه را نه شاه ما مهت ارتجاعی رژیم، بلکه عمل "دور از موارد فاسوی جمهوری اسلامی" و "تفاسق - افکانه" ارزیابی میکنند و با توجه به با گوناگون بخت نموده ها خاک پا سیده و هم چنان حاضرند که در جهت کسب امتیازات کوچکی از ارتجاع خاک به خاطر هموار کردن راه خانت خویش به ضرب کاری ادا مد دهند. اس جنایت ها و جناسها با بد هتاری برای طرفداران نا آگاه و ریزیو - نیست های خائن اکثریت با سده که جنمان خود را بر روی حقای ساز کرده و نا امکان بدتر است سوی انقلاب بار کردند.

★ ★ ★

بقیه از صفحه ۷ دیدگاههای...

نظا هرات اول ماه مدست می زند. کمونیستهای با کو با نکیه بر شرایط رشدش لزوم حرکات تعرضی در جهت رشدش، نظا هرات اول ماه مه را علیرغم تعداد محدود شرکت کنندگان سازمان دادند. توحه به اس مسئله که بلشویکها در هنگا می که جنش کا رگری در روسیه در حال شکل گیری بود اقدام به سازماندهی کا رگری - توده ای برای شرکت در نظا هرات می کردند در برخورد به حرکات راست روانه ای که در شرایط کموسی جامعه ما اصولا حرکت تعرضی و برپا نشی نظا هرات را می کند حائز اهمیت فراوانی است. اما در متن اسین حرکت با برخورد چپ روانه رفقای کا رگری که تعرض مسلحانه را خوا ستار بودند مرز بندی نمودند. براس اس این مرز بندی با نظرات راست روانه و چپ روانه، نظا هرات موفق صورت گرفت که "در رشد بهت در آن منطقه بسیار موثر افتاد".

کتاب "دیدگاههای اخرا فی درباره وحدت سر تا را از آموزشهای کمونیستی است. مطالعه اس کتاب برای کمونیستهای انقلابی و کارگران نا آگاه کشور ما که در راه سازماندهی و تشکل جنبش پرولسار با در راه پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک و با لاف در جهت نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم می رزمند - بسیار درس آموز است.

درا وائل خردا دما ه جاری یکی دیگر از هواداران ریزیونیست های "اکثریت" - سنام عبدالعسلی احمدی (اهل با نه) توسط رژیم جمهوری اسلامی سیرا ران گردید. حاشیه اکثریت که در دیورگی سر آستان بورژوازی با خائنین حزب توده مسافه گذا سده ادبالتشار خبرا دما می در کا ر ریزیونیستی ۱۱۲ از ارتجاع خاک کم گله کرده اند که چرا مزد نوکری آنها را بدین گونه و همراه با نا مهربا نی، پردا خه است. اعدام اسین هوادار اکثریت از جانب رژیم جمهوری اسلامی، یکبار دیگر عمق ردالت و پستی دشمنان قسم خورده طبقه کارگر، ریزیونیستهای خائن را بسیار بیشتر میگذارد که حتی در برابر وحشیگریهای رژیم نسبت به نوکران سرمایه - داران سرجا بلوسی را فراموش نکرده و همچنان به قریب توده ها ادا مه میدهند. آنان آگاهانه

بقیه از صفحه ۸ رفقای معلول...

را تضعیف نمایند. اسین و رفقای دیگر، بعضه فرار را می کشیدیم، که آخر هم موفق شدیم. در مورد درشس بیمارستان هم با بدنگویم که وی نفس یک مزدور را برای رژیم بازی میکرد همان روز اول که رفقای مجروح را به بیمارستان آوردند، وی شما در ورزاس حاضر شده بود و بخاطر اینکه کنترل اوضاع را درست داشته باشد، دستور داد که تمام مجروحین را بسطری نمایند که اسین خلاف روال معمول بود چون فقط مریضی را که احتیاج به جراحی داشته باشد بستری می نمایند. اسین فرد در دستگیری خودش از همراهان مجروحین و تحویل آنان به پادار - اسین نقش فعالی داشته است.

درا آریا بدنگویم که روحیه من و دیگر رفقای زخمی که در بیمارستان بستری بودید، بسیار عالی بود. بعد از اسین حادثه عظمی به کارگران و زخمیگنان بیشتر و با تمام آماران سرخ آنها محکم تر شده و ما سوگند خورده ام که انتقام خون رفقای شهیدان را بگیرم. ما مرتب سرودی خواندیم سرود شهیدان، یاد با ران و... سرود انترا سونال را با منت - های گره کرده با دیاران شهیدان، کمونیست های درستد، در دل میخواندیم.

● ● ●

بقیه از صفحه ۱۸ لایحه...

نا لایحه ها هم شهادت داده بودند که "به مقدسات" هم توهین کرده است. و خالار رئیس انجمن اسلامی روسایک سلی میخواست به او بزند، پسرارباب هم یک سنگ در دست داشت تا دندان او را بشکند و خاک مشرع هم خود را آماده میکرد که بخاطر توهین به "مقدسات"، او را اعدام کند. طبق ماده ۱۱۰ از لایحه قصاب کفر تمام اسین با مصلاح جرمها با بد یکی پس از دیگری در مورد او اجرا شود.

واقعا حیرت انگیز بود که آخر حقنی قوانین جزائی که در رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن عملی می شد، سنها به اجرای کفر - حد اکثر اکتفا می کرده اند و دیگر کسی را قبل از اعدام به ضرب و شکنجه و با مثلاً حبس محکوم نمی نموده اند. نمونه اسین جنایات را تنها در سدادگاه های قرون وسطی و محاکم تفتیش عقاید میتوان سراغ کرد، ولی در ماده ۱۱۰ می خوانیم:

"هرگاه شخصی محکوم به چند حد شد با بد آن حدود را بر تریس اجرا کرد که هیچ کدام در آنها زمینه دیگری را از زمین نبرد مثلاً گریه تا زیا به زدن و به سنگسار شدن محکوم شد با بد اول حد تا زیا به جاری شود بعدا حد سنگسار".

با ری، در "مدینه فاضله" آقا با ن خمینی و بهشتی دیدنیهای بسیار بود، ولی ما چون به جوانی دیگر را عمل کرده های لایحه قصاب قبلا اشاره کرده بودیم از شرح آن دیدنیهای خودش - آورو و حشاک ارتجاعی در میگذریم.

■ ■ ■

لایحه قصاب بدستی نمودار ما هیتار تاجی رژیم جمهوری اسلامی است. ما طی اسین بحث که دره قسمت آمد و نیز در بحثی دیگر پیش از آن، جوانی از ما هیت طبقاتی و ارتجاعی اسین لایحه را نشان داده ایم. افشاکری علیه رژیم حول اسین لایحه فرصت مناسبی است تا نیروهای کمونیستی و انقلابی در جهت زدودن توهمات و نا آگاهیه های توده ها کا مه ای موفقیت آمیز بیشتری بردارند.

لایحه قصاب و آثار سو، احتما عی آریا به اشکال مختلف و با زبان هر چه ساده تر و مناسبت با بد برای توده ها توضیح داد، ما هیت کره اسین قانون ورژیمی که آنرا وضع کرده می خواهد آنرا به مرحله اجرا بگذارد با بدیا روشنی هر چه تمام تر و با متانت انقلابی و کمونیستی لازم برای کارگران و زخمیگنان و بخصوص زنان ستم دیده شرح و بسط داده شود. لایحه قصاب به مناسبت شکافی است آشکارا در پیکر کدیده جمهوری اسلامی که با افشاکری مستمر و مناسبت با بد هر چه بیشتر در تعمیق آن کوشید. ما رزه همه جا نه علیه اسین لایحه را با بدیا نگیزه یک جنبش اعترافی توده ای کرد و در افشای اسین قانون و کارگزاران ش همراه با همه نیروهای کمونیستی و انقلابی و مترقی چه در ایران و چه در سایر کشورها فعالانه کوشید.

با بیان

خاطره کمونیست جوان، رفیق پیکارگران رضوانیان را گرامی می‌داریم!

۴۰ روز از شهادت سرخ کمونیست جوان، رفیق مژگان رضوانیان می‌گذرد. رفیق مژگان در اثر انفجار نارنجکی که پاسداران سرمایه در روز ۲۱ فروردین، بمیان تظاهرات سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار برتاب کردند، زخمی شد و در شب شنبه ۱۹ اردیبهشت ۶۰ در بیمارستان به شهادت رسید.

چهلین روز شهادت رفیق مژگان را گرامی می‌داریم!

رفیق شهید مژگان، با وجود سن کم، با دردها و رنج‌های زندگی در حاکمیت طبقاتی آشنا بود. پدر او یک سرهنگ بود که از ما در رفیق جدا شده بود و رفیق از زمان کودکی در زیر فشارها و شکنجه‌های زن پدرش قرار گرفته بود. در خانه پدرش آنقدر رفیق را وادار به شنیدن کف‌سبانی کرده بود که دست‌ان او زخم و عفونت پیدا کرده بودند. مژگان به تهران آمده و پیش مادرش زندگی می‌کرد و در آنجا با گروه‌های سیاسی و ارتباط با رفقای هوادار سازمان ما، با عشق برهانه‌های زحمتکشان و با طرماز در راه آزادی طبقه کارگر به صفوف هواداران می‌پیوندید و شور و شوق انقلابی‌اش را در خدمت انقلاب و سوسیالیسم بگذارد.



کمونیست جوان، رفیق مژگان رضوانیان (که را می‌توانست اول بهاری سرزوبه) از هواداران سازمان ما، در حالیکه پیش از ۱۶ سال ندانست در راه دفاع از زحمتکشان و در اثر حمله به پاسداران چهل و سرمایه به شهادت رسید. رفیق مژگان نمونه‌ای از نسل جوان و انقلابی حاکمیت ما است که بهادر و مثال اجتماعی - سیاسی جامعه و با آگاهی به منافع و نقش تاریخی طبقه کارگر و با پذیرش ما رکنیم لتیم تنها راه‌های خلق را در مبارزه برای نابودی سرمایه و وسیله سوسیالیسم یافته و آگاهانه در صفوف سازمان‌های کمونیستی قرار می‌گیرد.

رفیق کمونیست مژگان رضوانیان، ستاره سرخ دیگری در آسمان جنبش دانش‌آموزان کمونیست است. او با نگرش‌های انقلابی، شور کمونیستی، استقامت و یاباداری نسل جوان انقلابی میهن ما می‌باشد. او آگاهانه قدم در راه سرخی گذاشت که با آن پیروزی زحمتکشان و سرفرازی شده‌اند بر چرخه سوسیالیسم می‌باشد. راه سرخی که تا پایان پیروزی منتهی کمونیست‌های قهرمان بشمار می‌آید چون مژگان‌ها با خون سرخ خود، آدامه‌آن را می‌سوزاندند. با دجا و بدرفیق مژگان رضوانیان، کمونیست جوان و پیکارگران گرامی می‌داریم!

از سرکوب‌شده ۱۹۵۵، این کشتی در ساحل شمالی دریای سیاه خاک نشست.

روز خلع‌ید: ۱۳۳۰/۳/۲۹

در این روز به دنبال ما هم‌مبارزه‌ها و زحمتکش برای کوتاهی دست امپریالیست‌های انگلیسی از منابع نفتی میهن ما، کارگران و زحمتکشان صنعت نفت جنوب، با یاباداری کشیدن تابلوهای شرکت نفت انگلیسی به یک‌تاری ۵۰ ساله امپریالیسم انگلیس در غارت‌های ملی زحمتکشان و خلق‌های ایران خاتمه دادند.

شهادت مجاهد شهید رضاشانی:

۱۳۵۲/۳/۲۵

۸ سال پیش در جنبش روزی، مجاهد شهید رضاشانی که با یک عمل قهرمانانه از زندان رژیم شاه فرار کرده بود، در دامدژخیمان و ایستگاه افتاده و در یک درگیری نابرابر شهادت رسید. با دشمن گرامی باد

روزهای بیادماندنی خرداد ماه

اعلام جمهوری کیلان: ۱۳۹۹/۳/۲۲

۶۱ سال پیش در جنبش روزی در اردل و لرستان و رشادتهای مجاهدین جنگل و با پشتیبانی انقلابیون کمونیست چون حیدر عموغلی و باره‌ری میرزا کوچک خان جنگلی، جمهوری کیلان تشکیل شد. جمهوری کیلان با وجود قدمهای موشی که در تفسیر زندگی زحمتکشان شمال برداشت داشت و سورشهای ارتجاع و سیزند و عاصم‌زادگان در رهبری جنبش کیلان و اخلال در همکاری انقلابیون جنگل و کمونیست‌ها با شکست مواجه گشت.

شورش پوتمکین: ژوئن ۱۹۰۵

در اسبوزنایان انقلابی رزمناو پوتمکین در آبهای دریای سیاه بر علیه رژیم تزاری روسیه و فرماندهان مزدوران دست به مبارزه زدند و پس

اولین سالگرد شهادت بیشمرکه کمونیست، رفیق عطا طاطائی



در ۲۵ خرداد سال گذشته، کمونیست قهرمان بیشمرکه، پیکارگر رفیق عطا طاطائی در جریان حمله، بیشمرگان قهرمان پیکار به یک خودرو ارتش، در جاده سقز - سانه به شهادت رسید.

کاک عطا در سال ۱۳۴۰ در سقز دنیا آمد. او از جوانان انقلابی خلق کرد بود که در مبارزات شکوهمند خلق‌های ایران بر علیه رژیم ارتجاعی شاه و امپریالیسم فعالانه شرکت کرد.

رفیق عطا با آگاهی انقلابی و با عشق به راه‌های زحمتکشان مبارزات قهرمانانه خود را دو تا دوش توده‌های زحمتکش کرد، پس از قیام بر شکوه بهمن ۵۷ همچنان ادامه داد. کاک عطا در جریان یورش با ساداران و ارتش ارتجاعی به کردستان با افتاکریهای آگاهی بخش و فعالیت جنگی نابذیر در میان توده‌های تحت‌ستم خلق کرد، در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت کرد. او همزمان با همسایه‌های یورش و حشانه، مزدوران ارتجاع، به صفوف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست. رفیق شهید، کاک عطا کمونیست دهرمانی بود که با عشق به آزادی طبقه کارگر و برای دفاع از مبارزات زحمتکشان کرد در حالیکه محصل سال آخر دبیرستان بود، مدرسه را رها کرده و در صفوف بیشمرکه پیوسته، بیشمرکه‌های قهرمان خلق کرد، تمام توان خود را در خدمت جنبش مقاومت قرار داد. در جریان یورش با ساداران و مزدوران ارتش به کردستان همیشه سرفراز، در سال ۵۹، کاک عطا یکدم از خدمت صادقانه و انقلابی به جنبش مقاومت خلق کرد غفلت نکرد. او در جریان یک حمله، انقلابی بیشمرگان سازمان ما به یک خودرو ارتش ارتجاعی در اطراف روستای "میرده" در جاده سقز - سانه که با پیروزی بیشمرگان همراه بود، با مرکبی قهرمانانه شهید را رها کرد. زحمت

نقشه در صفحه ۲۷

تحصن دانشجویان مبارز در اتریش

جنبش انقلابی دانشجویان خارج از کشور نسبتاً به بخشی از جنبش دمکراتیک - فدا مبریا لیستی خلقهای ایران، نه تنها در زمان رژیم منقور پهلوی بلکه اکنون نیز صدای رسای مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران را در سطح بین المللی انعکاس میدهد. از این جهت رژیم صدهلی جمهوری اسلامی بعنوان مختلف میگوید از مبارزات دانشجویان کمونیست و انقلابی خارج جلوگیری کند و برای تحقق این هدف مرتجعانه خویش، نه تنها در مدد است با بر سر نشانه های ساواک مابانه آنها را به تسلیم بکشد، بلکه اخیراً با ایجاد محدودیتها در زمینه خروج ارز برای دانشجویان کمونیست و انقلابی و دانشجویانی که حاضریه همگاری با عمل رژیم در خارج از کشور نیستند، قصد تحت فشار قرار دادن آنها را دارد، در حالیکه هر روز مصالح هنگفتی توسط سرمایه داران از کشور خارج میشود و محدودیت چندانی برای خانواده های دانشجویان مرفه که قصد ارسال ارز برای فرزندان شان را دارند، اعمال نمیشود. به همین جهت در تاریخ ۶۰/۲/۱۴ (۱۹۸۱/۵/۴) شورای هماهنگی دانشجویان مقیم اتریش متشکل از اتحادیه دانشجویان ایرانی عموماً اتحادیه جهاتی هوادار از زمان پیگیری هواداران سازمان فدائی خلق و هواداران چریکهای فدائی خلق و سایر مبارزان دانشجویی در سفارت جمهوری اسلامی - وین - اعلام تحمن نمود. عمر روز تحمن برای تماس هر چه بیشتر با توده های دانشجویی و توضیح مشکلات و وضعیت دانشجویان و همچنین اوضاع سیاسی ایران و تامل نظر، جلسه ای در محل دانشگاه سرتیب داده شد که با استقبال دانشجویان مواجه گردید. رژیم ایران پس از دریافت خبر تحمن، در بخشی خبری ساعت ۱۲ شب به طور تحت عنوان "اشغال سفارت جمهوری اسلامی توسط عده ای اوباش و از حدانی خبر؟! یحیی نمود. بلافاصله پس از انتشار خبر تحمن دانشجویان در سفارت، بسیاری از دانشجویان ایرانی به قصد پیوستن به صف متحمنین، مقابل سفارت تجمع نمودند که کارگران سفارت با پاسخ پلیس و بستن راه های ورود و خروج سفارت، از ایستادن اقدام دانشجویان ممانعت بعمل آوردند. شورای هماهنگی دانشجویان بعنوان اعتراض به این امر و همچنین اعتراض به جلوگیری از ورود خبر نگاران جانشین دیپلماتیک به محل آکسیون، دو تحمن دیگر در محل مجمع دانشجویان اتریشی (ÖH) و دفتر اطلاعاتی سیاست کمک به کشورها در حال توسعه صورت داد و همزمان با این اقدام برای اسکان هر چه بیشتر آکسیون اعتراضی دانشجویان، ممن برگزاری محاصره مطبوعاتی و رادیویی با ارباب جواهر و تمایز با شخصیتها و سازمانهای مترقی، در دو محل پرجمعیت شهرنیز به سخن اعلامیه و حمل پلاکاردهای اضافی به

مبارزه دمکراتیک دانشگاهیان ادامه دارد

از آن فاحشه، برخی مبارزین دانشگاهیان احکام اعدام به رنجبردن استیاض رژیم باسد در حالیکه مجرمین و زندانیان و اسبده رژیم منقور کشته می شوند و کرموارد حرمشان (!) سه بهانه های گوناگون با داش عفو آزادی میگردند. سیاست دانشگاهیان مبارز چنین پایان مینماید: هم میماند آگاه و مبارز!

این حق مسلم شما و فرزندان دانشگاهی شماست که هر چه رود سر بر این کاسوهای دانش و آگاهی و مبارزه دست باسد و رادیکار را اسس پایگاه مردمی سبزیش از پیش در راه حفظ و ارتقا و دستاوردهای قیام قهرمانانه سهم ماه، یعنی آزادیهای سیاسی و حقوقی دمکراتیک خود، گام گذارید.

این حق مسلم زحمتکشان میهن ما است که، درهای دانشگاهها را به منظور ارتقا و رکنش دردها و سهمای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی خود گشوده بکنند. و با حمایت بی کسر خود از رتورهای منتخب دانشگاهی آنها را هر چه بیشتر در راه نامین و تضمین منافع خویش بکار گیرند. این حق مردمی است استثنائی که منظور رهائی از سوز و سوختن و دروغ ساخت سازان گوناگون در سبانه های گمراهی، برداشتها، این کاسوهای آگاهی دست باسد و از این راه هر چه بیشتر از واقعیت متکثر زندگی و دیگر جنبه های تحت تسلط جهان آگاه شود. به حقیقت در سبده که در چرخ و سراسر آواگان و زحمتکشان خلقهای ایران، و عران چه میگذرد در راه مبارزه با ماست دهشتناک باقی از آن چیست: درد - بیکاری و تهیدستان از فشارهای اقتصادی و ستم - های اجتماعی کدام است، استعمار کارگر و رنج دهقان چیست، برنان جسمهای رزوا - مرود، و در کسان راه همسنگی خلق و مبارزه آن با دشمنان چگونه باید بدارد بود؟

این حق مسلم خلق ما است که در دانشگاهها از زبان هزاران دانشجوی آراسته و آگاه خود پیام را شناسن مبارزات خلقهای ستمدیده آسب - امریکا و آمریکای لاس را سبند و از این سبکهای آزادی همچون دیگر سبدهای مبارزه طوفان ختم استثنائی خود را سر اسب و لیس و واسنگاش، و جنگلی نیروهای سبک و گویید.

هر چه مستحکمتر باسد و دانشگاهیان با مبارزات فدا مبریا لیستی - دمکراتیک زحمتکشان! اول اردیبهشت ۱۳۶۰

کاسوهای دمکراتیک دانشگاهیان ایران

دانشگاهیان مبارز، همانطور که در دوران رژیم شاه خاش، تسلیم نشدند و در انقلاب دمکراتیک فدا مبریا لیستی خلقهای ایران شرکت فعال داشتند، هم اکنون نیز در برابر اقدامات ارجاعی رژیم مقاومت میکنند. تشریفات و مواضعی که از سوی این قشر آگاه، در افشای رژیم و در هم دشتی باز زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی در سطح جامعه منعکس شده، در بسیاری از موارد قابل تأیید و پشتیبانی است. ماضین حمایت از خواسته های دمکراتیک دانشگاهیان مبارز و امید موفقیت هر چه بیشتر برای آسب - تسبهاشی از سبانه های که ماست باسد و لگردد "فدا انقلاب فرهنگی" و از طرف "کاسوهای دمکراتیک دانشگاهیان ایران" صادر شده میاوریم:

"در آسروها (روزهای آموزش ارجاع به دانشگاه - بیکاری) طوفان نفرت ضد انقلابی، با تزیین و انتشار در دهان دروغ و تحبانه، دانشگاهها را "مراکز توطئه" و "انبار سلاح" نامید و هر توطئه با زنگار قدرت حکومتی را بر دهنه هر مبارز دانشجو، دانش آموز، معلم، زحمتکش و نماینده مبارزان دفاع از موجودیت دانشگاه فرو ریخت. این توطئه، کلوله های نسکینی شد که بر فلسفهای سرطانی دهدها دانشجوی انقلابی نشست، فدا ره، فقه و تلافی شد که مدها مبارز آگاه را در مراکز دانشگاهی به خاک و خون غلطاند، سربمدایی شد بر سر شهیدانی چون مهیار معتمدی، مسعود دانایی، احمد مودن، مهدی علوی شونری و قرا مرزحمیدهای گرفت و محساور و حسیانه ای که به دختران و زنان مبارز و رفت و ورود کاروان دانشان نفرت انگیز آسرا با حساد و عوطه و در خویش برای زحمتکشان میهنی بازگفت. این توطئه موم زحیری شد بر پای دانشجوی انقلابی اهو از که بیکر خون آلود و از زیر صراط مشد و لگد بر روی زمین میکشاندند و رگها بر سبسلهاشی شد که نزدیک به ۲۰ تن از دلبران دانشگاه، این سبک آزادی و آگاهی را در زندان "سالار شهرداری اهو" در دانشگاههای گیلان و بلوچستان و در مقام و ستاریخی دانشجویان در دانشگاه تهران بخون سهادت رساند. و سرانجام بر حش کتابسوزان به سبها با بان این جناسات، نبود، بلکه کار سبب، بازداشت و شکنجه و محاکم آجنانی با دغا رسیده بزرگی مردمی چون نرعمیا به بند افتد و سرفلت پرامدش که همواره با طرز زحمتکشان و درمان آسبامطیبد سیرا عدا مستقیم؟ و هوسریزی از کشتن یکبار

برداشت، خواسته های دانشجویان عبارت بودند از:

- ۱- العای تمام محدودیتهای رسته تحصیلی
- ۲- لغو مقررات جلوگیری از ارسال ارز توسط خانواده های دانشجویان.
- ۳- بازگشایی دانشگاههای ایران، اسبسل مبارزات فدا مبریا لیستی - دمکراتیک خلقهای ایران.
- ۴- تحقق تمام آزادیهای دمکراتیک در ایران.

اسکاس خبر تحمن و خواسته های سب - سب دانشجویان به حدی بود که خبر آن جدوسب از

رادیوهای اطرس، آلمان، فرانسه، بی بی سی و غیره بحث شد بخصوص رادیو اتریش بعد هفت دقیقه مشروح کفر اسب مطبوعاتی رفقای سورا را که حاوی توضیح همه جانبه از اوضاع سیاسی ایران و افشای رژیم ارجاعی حاکم و معطلات و مشکلات دانشجویان بود، سخن نمود.

آکسیون تحمن رفقا از سوی سازمانهای دانشجویی مختلف در بسیاری از کشورها، از طریق ارسال پیام و تلگراف، مودیسیمانی قرار گرفت.

ہیکٹار جی را در صفوف انقلاب فواہم می سازد،

و مبارزه طبقاتی و در جهت اهداف استراتژیک انقلاب، در مسیر تکامل قوام می دهد. افشا و طرد لیبیرالها در بهترین مبارزه با عت بتقویت مفهوم انقلابی، و انفراد لیبیرالها در بین توده مردم گذشته و قوام و استحکام جبهه انقلاب بیش از پیش، تقویت می گردد. برای افشای لیبیرالها

نه تنها باید عملت عوام فریبانه شعرا را هـای
 "زادبخواهانه" نه را را رجا و بر ملا کرد و مضمون
 واقعه این فرامادهای، "زادبخواهانه" را

عربان ساخت، بلکه همچنین باید همدستی این
آزادیخواهان دروغین را با متحدین طبقه‌ای
شان یعنی حزب، در طول ۲ سال پس از قیام،
در سرکوب انقلاب و مبارزه توده‌ها نشان داد و دست
های خونین آنها را از زیر دستکش‌های مخملی
آزادیخواهانه به نمایش گذاشت و مبارزه ما با
حزب و لیبرالها، در وجه عمده خود با دو موضوع
مورت می‌گردد، یکی هدف اصلی ترس مبارزه
توده‌ها را از آوازه‌نقش اصلی سرکوبگرانه آن است
و دیگری هدف اغتشاگرهای، عمدتاً از آوازه‌ساز
عوا فریبی‌های آزادیخواهانه‌اش و نشان دادن
دادن ماهیت واقعی هوسویش را با هدف انقلاب
میباشد. بدین ترتیب ما با عناصر معتدیان و با
ما فاین عمده متفاوت در برابر مبارزه مورد
هدف قرار می‌دهیم.

این تانکینگ انقلابی، به انقلاب امکان میدهد، که در همین مورد آقای لیبیرالها و منفرد کردن لیبیرالسم ضد انقلابی وی در میان نبوده ها، اوجاع حزبی را مورد ضرب قرار داده و بدین ترتیب عقب راندن تعرض آن و گسترش مبارزه هفتانی بکل بورژوازی را در پی مبارزاندگی و صنعت بنماید.

مضمون متضاد بر وجود افشاگری بر علیه آنرا
از نظر دوران تازه، به درگی چپ روانسه از
تا کتیک در غلبه است.
این تا کتیک چپ روانه بدون شک و از آنجا
که از توشه نقد و ایگا سیاسی لیبرالها و
نقد و ایگا سیاسی حزب در این شرایط عاجز
است، از دستر یینی مبارزه شده جدا افشا دو
تخواهد توانست به مبارزه با سیاست عوامیانه
لیبرالها در این بستر هرگز دلازم نیست
لیبرالها و در فریفتن بیشتر توده ها و ستموار
ندن آنها بر و ج جنبی توده ای بر علیه ستم
سیاست ظفان و سرکوب کنونی حزب با تسمیر
خواهد کرد. (ما در آینده سیاست تا کتیک عمو
درا این زمینه و سوز و شاعر علیه حزب، علیه
لیبرالها، زنده با دیگارتوده ها در دوره سورد

کردن مرزهای واقعی این تهاجمات و نشان دادن عوامفریبی لیبرالها در برابر مبارزه است. تنها بدین طریق می توان توده ها را از زیر پرچم لیبرالها خارج ساخت و به زیر پرچم دموکراتیکم انقلابی گرد آورد.

نیروهای آگاه و پرولتاریا موظفند در مقابله با سیاست تعرض حزب، توده ها را به حول شعارهای مستقل و دموکراتیک بسیج کنند و مشترکاً و در اتحاد عمل با یکدیگر به سازماندهی مشترک حرکات مستقل توده ای بپردازند. لیکن از آنجا که عملاً توده وسیعی در دفاع از لیبرالها به صحنه مبارزه آمده و به تحریک درآمده اند، کمونیست ها موظفند که با شرکت خود در این حرکات و نمایشات توده ای نیز، شعارهای مستقل خویش را به میان آنها برده و در برابر مبارزه توده ها و تجربه آنها، عوامفریبی های لیبرالها را در هم می کشد با مبارزه و نمایشات دموکراتیک توده ها آشکارا سازند. بدون درک این موضوع، بی گمان بیم آن می رود که نیروهای انقلابی از بیست مبارزه توده ها بدور افتند. در دفاع از انقلاب و آزادیهای دموکراتیک بر علیه تعرض حزب به مبارزه برخیزیم و عوامفریبی لیبرالها را افشا نماییم.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۶۰/۳/۲۳

در برابر تعرض وسیع حزب جمهوری اسلامی به آزادی های دموکراتیک به مقابله برخیزیم!

حزب جمهوری اسلامی، در روزهای اخیر هجوم لحام گسیخته و بی سابقه ای را بر علیه حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم و نیروهای انقلابی آغاز کرده است. بطوریکه حتی مخالفت همدستان حکومتی گذشته خود، یعنی لیبرالها را نیز نمی تواند تحمل کند. و در این رابطه روزنامه های آنان را نیز توقیف کرده است. شکی نیست که این اقدامات ضد انقلابی برای جلوگیری از رشد مبارزه توده ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، و برای برآوردن احتساج های زنگ زده نظام سرمایه داری و فراهم کردن شرایط مساعد برای پیریدن جیب سرمایه داران غارتگر در هرپوش و لباس است. بنا بر این برای دفاع از آزادیهای سیاسی و دموکراتیک، به مبارزه با تعرض ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی برخیزیم.

بنا بر این حزب جمهوری اسلامی بر علیه دموکراسی انقلابی
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۳/۲۲

پیش گرفت که توده ها را از کشاندن به عرصه نبرد قطعی و وارد شدن به درگیریهای احتمالی زودرس و قهراً میز، بر حذر دارد. بویژه آنکه بحران سیاسی کنونی وحدت اوضاع، که تحت تاثیر حملات حزب به لیبرالها، درجا مع پیچیده آمده است، به سترناماسی است برای رشد این نمایشات و تارشیستی در میان توده ها. چه بسا که نیروهای از موضع لیبرالی، و با درکسی لیبرالی از شرایط سیاسی کنونی و مملو و مفلوط کردن توهانات لیبرالی توده ها در برابر انگیختن آنها به مبارزه با حزب با سطح واقعی آگاه های انقلابی آنها، توده را به مبارزه ای دعوت کنند که به هیچ وجه متناسب با سطح واقعی مبارزه آنها در جهت سرنگونی بورژوازی نیست. در این صورت این نیروها به یک درک "لیبرال-چپ" از این اوضاع درخواهند غلطید. کشاندن توده ها به یک حرکت کور و درگیری زودرس و قهراً میز با ارتجاع، با توجه به سطح مبارزه و آگاه های انقلابی آنها و با در نظر داشت تناسب قوای طبقاتی در این شرایط، مسلماً دست ارتجاع را در سرکوب انقلاب و درهم شکستن نیروهای انقلابی باز نخواهد کرد. در این شرایط، بویژه با بدیهه افشای ماهیت باندهای ارتجاعی سلطنت طلب و رامبریا لیسیم نیز که می کوشند برپای تهاذارتجاعی شان با رژیم حاکم و بویژه حزب جمهوری، از طریق روشهای تروریستی اوضاع را به نفع خویش برهم زده و آن را در جهت اهداف ارتجاعی خویش کاتالیز نمایند، افشا نمود، یکی از اهداف آنها تحمیل همین درگیری - های زودرس و قهراً میز به توده ها و ارتجاع حاکم است.

درک سطح واقعی مبارزه و آگاهی توده ها و اشکال این مبارزه در عرصه های مختلف نقش مهمی در ارتقاء و تکامل این مبارزه از جانب کمونیست ها دارد.

۴ - واقعیت کنونی نشان می دهد که توده های وسیع مردم نسبت به لیبرالها و شعارهای عوامفریبانه آنها، دچار توهم می باشند. آنها با توجه به سطح نازل آگاه های خود، عملکرد سیاست لیبرالی نیروهای دموکرات و فقدان آلترنا تیف و نیرومندی کمونیستی، و بیست ترش و شوق مبارزه خود بر علیه سیاست اختناق و سرکوب حزب، در زیر پرچم لیبرالها گرد آمده اند. حال آنکه لیبرالها به دلیل ماهیت ضد انقلابی تهاذ و خود با حزب، و وحدت طبقاتی با آن، توده ها را در مملو و بورژوازی قربانی خواهند کرد. این توهم توده ها به لیبرالها، باعث شده است که در ذهن خود نتوانند تفاضلی را درستی درک نمایند. لیبرالیزم ضد انقلابی را بدستی درک نمایند و این امر باعث مخدوش شدن مرزها در ذهن آنها گشته است. نقش نیروهای آگاه انقلابی جدا

بحث را مورد برخورد قرار نخواهیم داد. متغیلا هر سیاستی که بخواد هدایت تقلیل مبارزه توده ها به یک مبارزه رفرمیستی، لیبرالها را به متحدین انقلاب بدل کرده و در اتحاد با بورژوازی لیبرال، این مبارزه را جابجاء و سرگردان کند، بدون شک توده ها را به زیر تیغ رفرمیسم ضد انقلابی لیبرالها خواهد کشاند و مبارزه آنها را وجه الممالحه مبارزه دو جریان ضد انقلابی برای کسب قدرت و نحوه سرکوب انقلاب تبدیل خواهد شد.

همچنین هر سیاستی که مبارزه با حزب و لیبرال - ها را مشمول تئوری اپورتونیستی مراحل نماید و مبارزه با لیبرالها را به مرحله بعدی واگذارد و بنا بر این یکباره برای جلوگیری از "رمیدن" بورژوازی لیبرال، مبارزه افشاگرانه خود را با عوامفریبی های آن تخفیف دهد و از سیاست افشا و طرد آنها در میان توده ها دست بردارد تا کنیک انقلابی را از استراتژی انقلابی جدا کرده و با تبدیل این تا کنیک به یک تا کنیک اپورتونیستی و رفرمیستی، استراتژی را نیز که هما با سرنگونی کل بورژوازی است قربانی خواهد نمود.

سوی دادن مرکز ثقل مبارزه توده ها در شرایط فعلی به حول شعار دفاع از انقلاب و آزادیهای دموکراتیک، بر روی حزب جمهوری، و افشا و طرد بورژوازی لیبرال در برابر مبارزه و جذب نیروهای دموکرات به زیر پرچم انقلابی دموکراتیک، نه تنها کنیک صحیح مقابله با اوضاع کنونی است، مبارزه با لیبرالها و حزب، مبارزه ای است همزمان و هم عرض، اما با مقامین عمدتاً متفاوت (بنا بر موقعیت دوگانه و در حال گذار لیبرالها در هیئت حاکمه طبیعی است که در صورت حذف کامل لیبرالها، آنها تنها قادر چنین موضعی قرار خواهند گرفت و متغیلا بنا بر تمرکز کامل قدرت در دست جناح دیگر که خمینی نیز در جبهه آن قرار دارد، این جناح به مثابه کل دولت و رژیم مورد ضرب قرار خواهد گرفت). بنابراین لحظه از تبلیغ وحدت طبقاتی و استراتژی یک این دو در برابر مبارزه غافل شد.

۳ - با بدکوش نمود که این شعارها را وسیع به میان توده ها برده و آنها را وسیع به حول این شعار گردآوری کرده و به عرصه مبارزه برای خنثی کردن تشدید تعرضات حزب به انقلاب و تکامل مبارزه طبقاتی، بر بیست این مبارزه به منظور هموار کردن راه تحقق اهداف استراتژیک انقلاب، یعنی سرنگونی بورژوازی کشاند. بسیج و تشکل توده ها حول این شعار در شرایط فعلی، یگانه راه صحیح مقابله با این تعرض ضد انقلابی و دفاع از انقلاب و دستا ویدیای دموکراتیک توده ها است. طبیعی است که در این مبارزه با بدتجان اشکالی از مبارزه را در

کارگران جهان متحد شوید!

آزادی سیاسی برفع زحمتکشان بدست زحمتکشان تأمین باید گردد!

کارگران، زحمتکشان!
آزادیهای دموکراتیک که یکی از دساوردهای مبارزه برحق شما بود، مدتها است که مورد هجوم رژیم جمهوری اسلامی و بویژه حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته است. لیبرالها که خود همدست حزب جمهوری در سرکوب خلق کردند، سرکوب خلق ترکمن سرکوب شوراها و واقعی کارگری و بالاخره سرکوب و تعطیلی دانشگاه دست دانسته اند، امروزه که سیاست اختناق و سرکوب ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی، شامل حال خود آنها نیز شده است، چهره عوض کرده اند و مسک آزادیخواهی برچهره خود زده اند. اما کارگران و زحمتکشان ایران میدانند که لیبرالها و بنی مدرنیزخواهان آزادی برای

زحمتکشان نبوده و صرفا خواهان آزادی عمل برای خود هستند. این است که شعار میدهند انقلاب اسلامی آزادی را بدست آورد اما آزادی کلیه طبقات را مطرح میکنند؟ خیر! آنها خواهان آزادی تشکیل شوراها و اتحادیه های کارگری هستند؟ خیر! آنها خواهان آزادی تشکیل اجتماعات، نظارات و انجمنات هستند؟ خیر! پس آنچه زحمتکشان آزادی می فهمند و برای بدست آوردن آن مبارزه میکنند، "آزادی" که مورد نظر لیبرالهاست، از زمین تا آسمان فری دارد.

آزادی سیاسی که برفع زحمتکشان باشد تنها بدست خود زحمتکشان میتواند تأمین گردد. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج. ب. ش. ۳۴۰
۶۰/۳/۲۲

دفاع از آزادی های دموکراتیک، دفاع از انقلاب است!

رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدای بدعرب رسیدن خود، هرگاه که بواسطه اربابان شکلات و سارمانهای واقعی کارگران (شورا) های واقعی، سندیکاها و اتحادیه های انقلابی کارگران (خلوگری) عمل آورد و هر اقدامی را در این جهت بدست سرکوب کرد. در روابط کنونی، حزب جمهوری اسلامی با تسلط بر ابزارهای قدرت دولتی، دوران جدیدی از تعرض و سرکوب هر اقدام کارگران در جهت اتحاد سازمانهای کارگری واقعی خود، در کنار سرکوب در عرصه های دیگر، آغاز کرده است.

سرای دفاع از آزادیهای دموکراتیک و سیاسی در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی به دفاع از آزادی اتحاد سازمانهای واقعی صنفی - سیاسی طبقه کارگر، یعنی شوراها، سندیکاها و اتحادیه های واقعی آنهاست. دفاع از آزادی سازمانهای واقعی کارگران دفاع از انقلاب است!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج. ب. ش. ۳۵۰
۶۰/۳/۲۲

دفاع از آزادی مطبوعات، دفاع از انقلاب است!

کارگران و زحمتکشان، هموطنان مبارز!
از مدتها پیش رژیم، مطبوعات و نشریات نیروهای انقلابی را غیر قانونی و ممنوع اعلام کرد. و هر حرکت، هر واژه را در جهت انتشار و ترویج آن سرکوب و به اسکان گوناگون مورد حمله و بوسه ضد انقلابی خود قرار داد. در روزهای اخیر، این هجوم لحام گیسخته، به آنجا رسیده است که حزب جمهوری حتی روزنامه های لیبرالها را نیز تحمل نکرده و به توفیق آن پرداخته است. شرکای حکومتی حزب، یعنی لیبرالها، از زمانیکه با خطر بیرون رانده شدن خود از قدرت روبرو شده اند، به مخالفت با حزب جمهوری و تعرض آن پرداخته اند. بدون شک این هجوم و تعرض حزب به لیبرالها، در روزهای اخیر، مقدمه یک هجوم

تندیس بره حقوق و دساوردهای دموکراتیک مردم و نیروهای انقلابی و سرکوب بیشتر آن ها است. در حال حاضر حزب جمهوری اسلامی، تنها سربازان و استبداد و ممالک به خود را آزاد گذارده است. این امر نشان می دهد که این حزب با مدافعان انقلابی تا چه حد از آگاهی مردم و حتی از همان انتقاد و مخالفت های محدود لیبرالها و حتی دارد.

برای دفاع از دساوردهای دموکراتیک توده ها، باید موج اختناق و سانسور مطبوعات به مبارزه برخاست و تعرض حزب را با تکیه بر این مبارزه، به عقب راند. دفاع از آزادی مطبوعات، دفاع از انقلاب است! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج. ب. ش. ۳۲۰
۶۰/۳/۲۲

به دفاع از آزادی سازمان های واقعی کارگران برخیزیم!

- با مبارزه در راه اتحاد شوراهای واقعی،
- با مبارزه برای تأمین آزادیهای دموکراتیک،
- با مبارزه علیه اختناق و سرکوب،
- با مبارزه برای تأمین آزادی مطبوعات،
- با تحریم روزنامه های حکومتی،

در دفاع از انقلاب و با تمام مواضع
مقابله با تعرض حزب جمهوری اسلامی
برخیزیم!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۶۰/۳/۲۲
سری ج. ب. ش. ۳۱۰

بقیه از صفحه ۲۱ درآمد های ...

درآمد های کمکهای سی باشد هواداران و اعضا - شان میباشد. ستوال میکنند که رجوع طری مجاری خود را تهیه میکنند. و ما حد این حزب ارتجاعی را حدی نیست. با افشای حقایق، عار و خوار و حاسبات، ارتجاع حاکم، چهره فیسکار به مرخص زبانی ارباب برای بوده ها افتا سازیم!

کارگران، زحمتکشان!

با تحریم روزنامه های حکومتی (جمهوری اسلامی، آزادگان، کیهان، اطلاعات) به مقابل با سرکوب و اختناق حزب جمهوری برخیزیم. با نقل احزاب و سازمانهای واقعی و افشاگران به هر وسیله ممکن به مردم، توطئه سکوت و اختناق را در هم شکنیم.

برای نابودی سانسور و اختناق و تأمین آزادی مطبوعات، به مبارزه برخیزیم! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج. ب. ش. ۳۶۰
۶۰/۳/۲۲

بقیه از صفحه ۲۳ اولین ...

کشان گردید. مردم زحمتکشان بویگان در زیر باران، با شکوه خاصی اورا در گویستان شهر بخاک سپردند. با گذشت یکسال از مرگ سرخ رفیق شهید عطا طائلی، خلق قهرمان کردیا وجود شما توطئه ها و دسیسه ها قهرمانان به در مقابل رژیم ارتجاعی حاکم و مردوران ملطحن مقاومت می کنند و راه سرخ رفیق عطا را پیروز مندا به ادامه میدهد. اسرار سرخا طره، سرخ رفیق بشیر مرکه، کاک عطا طائلی! درود بر خا طره همه، شهید! حسی مقاومت خلق کرد!

به استقبال جنبش اوج گیرنده توده ها بشتابیم

در جمهوری اسلامی اماد دست "دزد آفتابه" را قطع میکنند!

حاکم شرع بهشهر:

■ این (استعمار) رادزدی نمی گویند، دزدی ای که مشمول این حد و این حکم باشد نه، فقط جهت و راهی که دارد اینست که... بعنوان اینکه کار خلافی کرده می توانند آخر سر او را تادیب کنند... اگر قدرتش را داشته باشند.

■ ... قدرت ما که نیست نسبت به آمریکا جنگیم و او را بازخواست کنیم، و او را تادیب کنیم.

■ ... قانون اساسی هم از این نالرد دست ما را باز کرده که بپس از اینکه لایحه (قصاص) به مجلس برود اگر حاکم شرع استنادی نسبت به فتاوی مثلاً اصول اسلامی مسائل شرعی داشته باشد... میتوانیم احکام را روی همین اجرا میکنیم.

■ کار آمریکا دزدی نیست که بتوان دست او را قطع کرد! کیهان ۱۹ خرداد ۶۰ کارگران و زحمتکشان ایران! در شرایطی که:

■ سکاری، گرانی، فحطی، فقر و فلاکت طاقت فرسا و روز افزون، استثمار و سرما به داران و... کمرش را در زیر فشار کار و روزندگی خم کرده است، ۹ ماه جنگ ارتجاعی دور زیم ایران و عراق نزدیک به دو میلیون نفر از هم میهنان زحمتکش ما را در بدترین شرایط زندگی، بدون غذا و بهداشت و آواره و بیابا و شهرها کرده، دهها هزار کارگر را از کار بیگانه کرده و هزاران نفر را کشته و زخمی نموده است.

اما سرمداران رژیم جمهوری اسلامی که خود ۴۰۰ میلیون تومان (۵۶ میلیون دلار) از دستخرج شمارا در خرید اسلحه بالا میکنند.

■ میلیاردها دلار دارایی های شمارا برای ادامه حاکمیت ارتجاعی خود به امپریالیستهای آمریکا می بخشند.

■ با شرکت های ورشکسته امپریالیستی چون تالینوت (انگلیسی)، گروپ (آلمانی) و... و برای نجات آنها قمار داده های طولانی مدت می بندند و...

به "جرم" دزدی سرخ و روغن انگشت های دست جوان ۲۱ ساله ای را که در اثر فقر و فلاکت ناشی از بحران اقتصادی رژیم سرما به داری وابسته حاکم دست به دزدی زده است، قطع میکنند، و حاکم شرع مرتجعی که در دفاع از منافع طبقاتی ارتجاعی اش چنین حکمی را صادر کرده است عقیده دارد که استثمار زحمتکشان مجازات

انقلاب اسلامی

شششنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۳۶۰

بهت مبادرت برفت یک کیه برنج و ۹ قوطی روغن:

چهار انگشت دست یک جوان را در بهشهر قطع کردند

ساری - حکم دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر عزیز محمدانو فرزند عزت ۲۱ ساله بجرم سرقت اموال بیت المال کشته امداد امام خمینی کلاه به قطع چهار انگشت دست راست بحکوم و حکم مادری جمعی به مرحله اجرا درآمد. نماینده اعلام دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر طی مراسمی با خبرگزاری پارس عزیز ساری - حکم دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر عزیز محمدانو فرزند عزت ۲۱ ساله بجرم سرقت اموال بیت المال کشته امداد امام خمینی کلاه به قطع چهار انگشت دست راست بحکوم و حکم مادری جمعی به مرحله اجرا درآمد.

با لسم و ارتجاع به هیچ میکشد و در دفاع از منافع طبقاتی ارتجاعی خود به هر وسیله دست میزنند، آنان با ادامه استثمار زحمتکشان زنده اند و در این راه بهر توطئه ای دست میزنند، اما دستک جوان را که بخاطر کسبی و سکاری دست به دزدی زده است قطع میکنند و ادعا میکنند که با این کارهای وحشانه منواید "ریشه دزدی را خشک کنند."

کارگران و زحمتکشان قهرمان! سرمداران رژیم حسی قتل از اینکه "لایحه قصاص" در "مجلس" گذاشتن به تصویب برسد آن راه احرا در میا و برید در حالی که خود ریشه تمام بدخشی ها، فقر و فلاکت، گرانی و فحطی و... سزافط نظامی هستند که بوجود آورنده دزدی، فساد، فحشاء و... می باشد، برای قطع دزدی و فساد، برای ریشه کنی ساختن سکاری، گرانی، فحطی و فلاکت، برای ناسودی سم و استثمار با بد رسته این نظام استثمار را از ریشه سرانداخت.

برای رسیدن به حسن هدنی که تنها با سرکاری جمهوری دیکراتیک خلق بدستمان توانای زحمتکشان و سرکاری تاریخا و طبقه کارگر و گدا ربه حاکم سکوفای سوسیالیستی میراست با تلافی جنگی با بد رسته مبارزه انقلابی ادامه دهیم!

تسلیت به زحمتکشان ایران!

در زلزله کلبافت (کرمان) بیش از چند هزار نفر از زحمتکشان میهن ما کشته شده و هزاران نفر بیخانمان شدند. اکثریت کسانیکه در این زلزله و جشتاک جان و هستی خود را از دست دادند، زحمتکشان قالی باف بودند که در زیرزمینها و پستگوهای نمناک، تنگ و تاریک، از سنین کم با عیال در پشت دار قالی نشسته و از دسترخی و استثمار آنان، سرما به داران مفتخور بر سرما به-تان می افرازند، و بهنگام بیرورجو ادات مصیبت با رطوبتی سیراب زحمتکشان هستند که کلبه های محقر و گلی شان از هم می پاشد و جانشان را از دست میدهد. ما با اندوه فراوان بخاطر ارددست دادن هزاران تن از هم میهنان زحمتکش این فاجعه را به کارگران و دیگر زحمتکشان ایران تسلیت گفته و از هم میهنان ما رزوا کا دعوت میکنیم که با تمام توانائی خود بیاری زحمتکشان آسیب دیده بشتانند.

ندارد و فقط تا بیل "ادب کردن"، و "آبم اگس" قدرتش را داشته باشد! "هست، این مرحله میگوید که در قدرت شان نیست که با آمریکا جنگند (بوجی ادعای دوا له رژیم را جقدر و روس سرما میکنند) و میگویند "کار آمریکا دزدی نیست که بتوان دست او را قطع کرد" و...

بهشتی مرتجع در مقام حبه تلو سوزیونی اش (چهارشنبه ۲۰ خرداد ۶۰) با وقاحت تمام از قطع دست در بهشهر دفاع کرده و آشکارا بیان میکنند که او به بخاطر طریهای جنس دزدیده شده بلکه بخاطر آرمش خیال بولداران و سرما به-داران است که قطع دست را تا شاید میکند او و دیگر سرمداران رژیم جمهوری اسلامی رأی به قطع جمیع دست یک در ده خود قریبا سی ماعد طبقاتی است می دهند تا سرما به داران و دزدان بزرگ بتوانند اندوخته حاصل از استثمار و غارت زحمتکشان را با آسودگی خاطر حفظ نمایند و الا انگیزه آنها از پس بردن دزدی و ریشه های اجتماعی آن نیست و بخاطر منافع طبقاتی ارتجاعی شان مصیبتی هم را بپس حواست نمیتوانند بکنند.

وای هیچ تمحیی نیست که او و دیگر سرمداران جمهوری اسلامی چنین عفا بیدی داشته باشند، آنها حاکمان و حافظین سرما به-داران و رژیم سرما به داری هستند، آنها سرب لایزال نموده های زحمتکشان را در نما رزه با امیر

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست